

شنبه ۱۰ دلو ۱۳۶۰
۳۰ جنوری ۱۹۸۲
شماره (۴۳ - ۴۴)
سال ۳۳
قیمت يك شماره ۱۳ - افغانی



ژوندون

د اطلاعات او کلتور وزارت





بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان
هنگام صحبت با اعضای شورای مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان



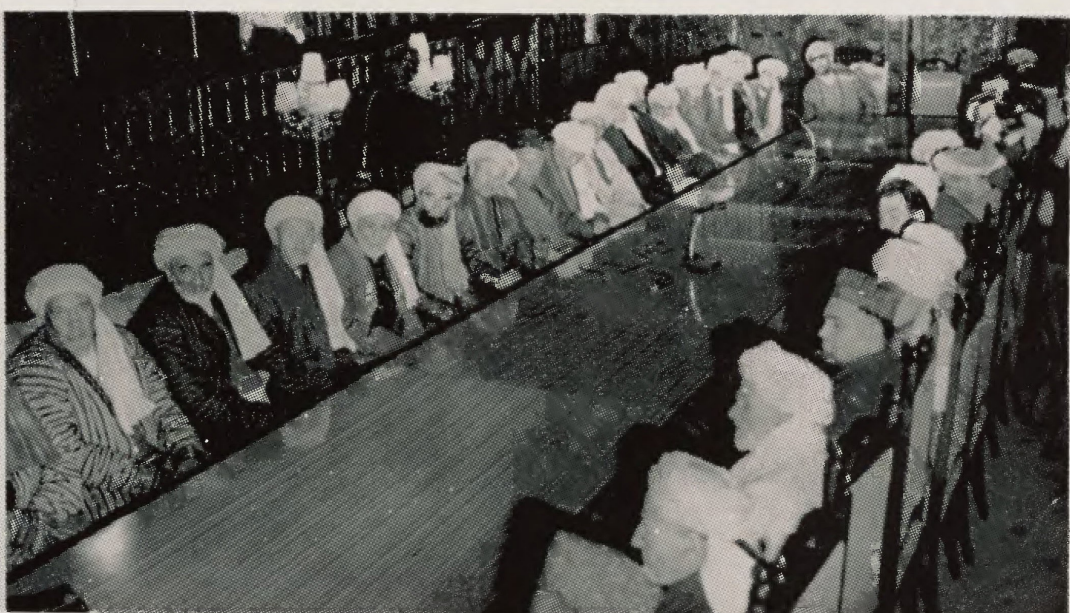
بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان
هنگام صحبت با اعضای شورای مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان

اختصار وقایع مهم هفت

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان
هنگام صحبت با اعضای شورای مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان
هنگام صحبت با اعضای شورای مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان

د افغانستان د خلک د دموکراتیک
گووند د مرکزی کمیته عمومی
منشی او د افغانستان د دموکراتیک
جمهوریت د انقلابی شورا
رئیس بیرک کارمل د جدی په ۲۸



هنگامیکه بیرک کارمل با بزرگان و موسفیدان، مردم شرافتمند خام شهنگان صحبت می نمایند.



بېرك كارمل با مو سفیدان و بزرگان مردم ز حمتکش بدخشان صحبت نمودند.

دکتو رانا هیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی ح.د.خ.ا و رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بدعوت و یلما سپین دواسترو عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست کیو با و رئیس فدراسیون زنان کیو با برای یک بازدید رسمی و دو ستانه از آنگشور در راه هیأتی روز ۷ دلو عازم ها وانا شد.

دکا بل بنار دگوندی کمیته پر غی و او د کابل د بنار دنا حیو دگوندی کمیته پر منشیا نو باندی دافغانستان د خلک دموکراتیک گوند د غی یقوب کار تونه دولوی په څلورمه نیټه د یو لړ مرا سمو په ترڅ کی دافغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته په مقر کی وویشل شول.

کنفرا نس های نا حیو ی حزبی شهر کابل بخاطر تاید و پشتیبانی از مصوبات هفتمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و انتخاب نمایندگان برای اشتراک در کنفرانس شهر ی حزبی روز ۶ دلو در کابل آغاز یافت.

دهیواد د ستر عارف شیخ - بستان بریخ د مړینی څلو رسوم تلین ددلولی په ۱۱ نیټه دیوی غونډی په ترڅ کی د آریانا هو تل په تالار کی و نما نخل شو.

عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای وزیران ح.د.ا در عمارت کمیته دولتی بلان گذاری دایر گردید.

دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت د وزیرانو د شورای رئیس سلطانعلی کشتمند ددلولی په دیارلسمه نیټه دپلان جوړولو په برخه کی دافغان شوروی د همکارۍ دفرعی کمیسیون له رئیسانو او غړیو سره د وزیرانو د شورای مقر کی ومنل.

نویسندگان و شعرا تفویض گردید.

از طرف بېرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ح.د.ا تلگراف تبریکه بمناسبت سی و سومین سالگرد روز جمهوریت هند عنوانی نیلام سنجی واریدی رئیس جمهور هند به دهلی مخابره شده است.

پنجمین جلسه عمومی شورای اقتصادی ح.د.ا روز ۲۹ جدی تحت ریاست سلطانعلی کشتمند

کارت نمبر اول عضو یست اتحادیه نویسندگان و شعرا ی ح.د.ا روز ۱۰ دلو به بېرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی ح.د.ا در لیکه فدا محمد د هشتین عضو کمیته مرکزی و مسوول شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و اعضای شورای مرکزی اتحادیه مزبور حاضر دند در مقر شورای انقلابی سطر دکتور اسدالله حبیب یس شورای مرکزی اتحادیه



د رانا هیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از عزیمت جانب ها وانا در میدان هوایی بین المللی کابل با مشایعین.

«مردم کشور ما با هم بسج شده و در راه مبارزه برحق شان پیروز شدنی هستند و عالی ترین و مقدس ترین وظیفه حزب و اعضای رزمنده آن خدمت به مردم زحمتکش افغانستان می باشد»
بیرک کارمل

یکشنبه ۱۱ دلو ۱۳۶۰ - ۳۱ جنوری ۱۹۸۲

پیشاهنگ طبقه کارگر افغانستان در آستانه رویداد عظیم تاریخی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از اوایل دهه چهل تاکنون پیشاپیش نهضت و ترقی در وطن مبارزه کرده و با تاجارپ و سمن گرانبها از پیکار و نبرد انقلابی در راه دگرگونی های عمیق اجتماعی و سیاسی به نفع زحمتکشان آگاهانه به پیش می رود و نقش سازنده خویش را در تاریخ کشور حک می نماید.

نیازی به اثبات ندارد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین مدت کوتاه تاریخی مصدر خدمات ارزنده ای به خلق بلاکشیده و ستمدیده وطن گردیده ازین رو افتخار خصوصیت سیاه ترین نیروهای ارتجاعی امپریالیستی را کما بی نموده و با اینکه مورد حملات وحشیانه دشمنان طبقاتی زحمتکشان از جهات مختلف قرار گرفته با نیرومندی به پیش می رود و با در نظر داشت تجارب گذشته با آرایش نوین و انقلابی راهش را به جلو بازمی نماید به اساس شرایط و نیازمندی های مشخص زمان اقدامات انقلابی را در روند انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان روی دست می گیرد.

کنفرانس سری تا سری حزب

دموکراتیک خلق افغانستان که مؤرده تدویر آن را همه اعضای حزب و مردم زحمتکش افغانستان شنیده اند در حیات حزب شهیدان و قهرمانان وطن به یقین فصل نوینی را خواهد گشود که برای آینده های تابان و سعادت مند مردم افغانستان نقش سازنده ای را ایفا خواهد نمود، چه :

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از کنگره اول تاکنون در روند پیکار انقلابی تجارب نهایت ارزشمندی را بدست آورده که با شرف و وجدان انقلابی درین کنفرانس سری تا سری حزب ضمن توجه به تجارب و درس های تاریخی آن چگون گردان پیشاهنگ و پیکار گستر یکبار دیگر آگاهانه و انقلابی راهی را که طی گردیده با بصیرت انقلابی به بررسی خواهد گرفت و در روشنی جهان بینی انقلابی طبقه کارگر بدون هراس نقد خواهد نمود.

نیرومندی یک حزب پیشاهنگ انقلابی در طول تاریخ وقتی به اثبات رسیده می تواند که حزب با شرف و وجدان انقلابی اعمال گذشته را به

بررسی گیرد و اگر اشتباهی در کار بود به آن انگشت انتقاد گذاشته و روحیه انتقاد از خود را که خوشبختانه این روحیه روز تاروز در حزب ما گسترش و بهنا می یابد، بیفزاید.

کنفرانس سری تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با چشم بینا خم و پیچ های راه مبارزه و زبکراک های دوران های طی شده را مطالعه نموده و ضمن بررسی همه جانبه آن، راه آینده حزب را روشن ساخته و وظایف و رسالت مبارزان انقلابی افغانستان آزاد و سر بلند را بر جسته می نماید.

جریان انتخابات نمایندگان در سازمان های اولیه حزبی می رساند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وحدت آهنین انقلابی که نیازش شرف و عقل انقلابیون شرافتمند است آگاهانه برای این رویداد عظیم و تاریخی آمادگی گرفته و روز تا روز درین راه به پیش می رود.

به پیش در جهت تدویر کنفرانس سری تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

در این شماره

تدویر کنفرانس سری تا سری ج ۱۰ خ ۱۰ رویداد بزرگی است در حیات حزب و جامعه ما.

آنها که جایزه هارا ربودند.

۲۶ جنوری یاروز آزادی جمهوریت هند.

غافل کله وزید!

واقعات مهم سال ۱۹۸۱.

این رسم تست که ایستاده بمیری.

زن فریب خورده.

تسوی حقوق اقوام و ملیت های کشور دست آورد دیگری از مرحله نوین انقلاب است که در شکوهمند تور.

مبارزه مردمان جهان و فیات ملیونها طفل در سال میشود.

تجربه

پیوستن به صفوف قوای مسلح عالیترین مظهر

وطن پرستی و مردم دوستی است

رساند تا با تطبیق این بر نا مه های عالی زمینه های زیست هر چه بهتر برای فرزندان میهن عزیز ما آماده گردد و از رنج و عذاب مادی و معنوی در سر زمین مقدس ما سراغی نباشد. از این رو است که هر روز جوانان آگاه و انقلابی ما به صفوف قوای مسلح قهرمان کشور رجوع می نمایند و بطور داوطلبانه به منظور ادای دین بزرگ مادر وطن یعنی انجام دهنده تکلیف عسکری در تحت درفش دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار می گیرند و بزرگترین وجیبه ملی و قانونی خویش را اداء می سازند.

جوانان ما امروز می دانند که اردوی قهرمان ما بحق اردوی پاسدار انقلاب شکوهمند ثور، سرزمین مقدس ما و حامی آزادی شرف و منافع همه خلایق کشور محبوب ما می باشد و اردوی حماسه ساز ما دیگر آن اردوی نیست که از منافع چند چاکر گوش بفرمان ارتجاع و امپریالیزم و یا چند حاکم و زمامدار مستبد دفاع بعمل آورد، بلکه اردوی ما امروز اردوی مردمی بوده در خدمت مردم انقلاب و وطن مافرا دارد و بایست با همه نیرو و توان موجود در راه تقویت و استحکام هر چه مزید آن کوشید و صفوف رزمندگان را قوت بیشتر بخشید از این جهت است که هر جوان آگاه و وطن پرست ما با بسیار

بقیه در صفحه ۵۳

راه های سعادت و خوش بختی را برخایشان گشوده است. قاطعانه و صادقانه دفاع بعمل آورند و لی جوانان و وطن پرست و باغرور سرزمین ما که از نیروی سرشار مادی بهره کافی دارند در صف اول مدافعین انقلاب آزادی بخش ثور و دست آورد های دوران ساز آن قرار می گیرند و از آن جا نیکه بهترین مظهر وطن پرستی و مردم دوستی پیوستن به صفوف قوای مسلح است جوانان ما به گونه روز افزونی به قوای مسلح قهرمان و حماسه آفرین خویش روی می آورند و با پیوستن به صفوف رزمندگان سنگرمدافعین انقلاب ملی و دموکراتیک ثور را بیش از پیش نیرومندتر می سازند.

امروز جوانان و وطن پرست میهن ما بدین امر باور کامل دارند که بدون موجودیت یک فضای آزاد و صلح آمیز نمیتوان به هیچگونه فعالیت ثمر بخش اقتصادی و یا اجتماعی دست یازید بنابراین بایست با همه نیرو و توان موجود در راه قلع و قمع دشمنان انقلاب ثور و محو و نابودی باند پت های صا در شده از خارج این اجیران گوش به فرمان ارتجاع و امپریالیزم که موجب برهم زدن فضای آرام، آزاد و صلح آمیز میهن انقلابی ما می گردند کوشید و با تمامین امنیت کامل در دورترین زوایای کشور حزب و دولت انقلابی خویش را در امر تطبیق پلان های بزرگ و عام المنفعه آن یاری

ملی و دموکراتیک ثور را در کشور به پیروزی رسانند و حاکمیت زحمتکشان کشور را اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران و کلیه رنجبران جامعه بجای استبداد بیرحمانه دودمان تاریخ زده یحیی عملاً مستقر گردانند.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و استقرار قدرت زحمتکشان افغانستان همه انهایی که منافع حریصانه شان را در سرزمین پهناور ما از دست داده اند در سنگر ضدیت با انقلاب آزاد بخش مردم افغانستان یعنی انقلاب ثور و دست آورد های دوران ساز آن قرار گرفتند و به زعم خود می خواهند انقلاب ملی و دموکراتیک ثور را به شکست مواجه ساخته آزادی های

را که مردم ما در اثر پیروزی انقلاب شکوهمند ثور بدست آورده اند از آن ها باز گیرند و پیشرفت های روز افزون مادی و معنوی ایشان را سد واقع گردند.

ولی غافل از این اند که همین فرزندان پرورده این دیار غرور آفرین یعنی افغانستان انقلابی که به اراده خویش و به قوت با زوی خود انقلاب را پیروز گردانیده اند امروز حاضر اند تا با همه نیرو و توانی که در بدن دارند از آن دفاع بعمل آورند.

امروز همه وطنداران شرافتمند ما که در رگ رگی از وجود ایشان حس وطن پرستی و مردم دوستی در جریان است آمده اند تا با تبار خون خویش از انقلاب ملی و دموکراتیک ثور انقلاب بیکه

وطن محبوب ما تاریخ درخشان دارد که هر صفحه ای از صفحات زرین آن مملو از کارنامه های حماسه سازی ها و پیکار های افتخار آمیز پدران با شهادت ما در امر دفاع از وطن در برابر دشمن وطن و هیر تجاوزگر خارجی به میهن ما می باشد.

قهرمانی های را که با شنده گان این سرزمین دلیران و شیر مردان در برابر استعمار بد نهاد انگلیس در امر دفاع از ناموس و طن از خود نشان داده اند تا آخرین لحظات موجودیت بشر بروی سیاره ما در دل تاریخ کشور نقش برجسته بود و ما به غرور و افتخار نسل های کنونی و آینده کشور ما را تشکیل خواهد داد.

اری! همین زحمتکشان دلیران و حماسه ساز افغانستان قهرمان اعم از پشتون ها، تاجک ها، اوزبک ها، هزاره ها، ترکمن ها، بلوچ ها، نورستانی ها و غیره اقوام، قبایل و ملیت های مختلف ساکن میهن محبوب ما بودند که دست و حدت و یکپارچگی بهم داده اند و استعمار کهن انگلیس را در سرزمین مقدس خویش بزانو در آورده استقلال سیاسی کشور را حاصل نمودند و همین مردمان عذاب دیده میهن ما بودند که در فضای وحدت و یکرنگی در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان برضد استبداد سیاه دودمان یحیی به مبارزه برخاستند و با نیروی با زوان توانای خویش انقلاب

گردهم آبی های اختصاصی ژوندون

مسائل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و هنر در بونه نقد و انتقاد

دشواری های همگانی مردم در زمینه

مسائل ترافیکی و ترانسپورتی

پیوسته بگذاشته

طرح و تنظیم: روف راصع

حکیم: راحله راصع خرمی

درین جدول:

- ۱- سمونوال احمدعلی احمدیار رئیس ترافیک.
 - ۲- سمونمل عبدالصیر شهیر معاون ریاست ترافیک.
 - ۳- سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیک شهر کابل.
 - ۴- محرم علی معاون بناروالی کابل.
 - ۵- سمونمل عبدالباقی آمریلان ریاست ترافیک.
 - ۶- غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس.
 - ۷- احمد غوث زلمی ژورنالیست.
- شرکت داشتند.

رووف را صغ:

به نظر من این درست نیست که مادر همه ی زمینه های اجتماعی و مواردی که قوانین و مقرره های گوناگون به وسیله افراد در شرایط کشور های عقب نگه دار شده رعایت نمیگردد مردم را مقصر بدانیم و حجم تو قعات خود را در تطبیق همگانی آن بلند ببریم، چنین نظر داشتی را ارگان های اجرایی در شرایطی نمیتوانند داشته باشند که مردم از نظری سطح آگاهی اجتماعی در حدی باشند که رعایت قانون و مقرره

را جزء از و جایب زندگی گروهی خود بدانند و بینش اجتماعی خود را نه در چارچوب تنگ شرایط و ضوابطی که بیشتر نزدیک به همه سواد ندارند، از رشد بینش و بالاروی آگاهی شان جلو گیری شده است و سالار منشی اداری گذشته نیز با تمام نیروی خود اعتماد آنان را از ارگان های دولتی سلب داشته و میان مردم و دولت های بی با خصلت ضد مردمی همیشه مرزی عمیق و پر نشدنی وجود داشته است، نمیتوان تا از میان برد

میشوند و در پاك نگهداری كوچه، محله و محیط زیست خود وقت میکنند و زمانی که به اهمیت رعایت مقرره های ترافیک در زمینه جلوگیری از حوادث به درستی واقف باشند، نه تنها به هیچ صورت از آن تخیل نمیکند بلکه نواقص و مصایب کار را نیز به ادا رات مسوول آن گوشزد میکنند به این دلیل است که از نظر ژوندون اداره ترافیک برای رفع نابسامانی های خود و واداری مردم به رعایت لوایح و مقرره های ترافیکی و هم چنین ایجاد شرایط بهتر نظم و امن ترافیکی ضمن آنکه با اید با افزایش فعالیت خود در خط اندازی سرک ها، امور ساختمانی ترافیکی، به وجود آوری پارکینگ ها و توسعه اش رات ترافیک با اید تبلیغاتی گسترده از راه رادیو، پوستر، فلم، ویدئو به وسیله یونت های سیار داشته باشند و فقط به یک یا چند مقاله، مصاحبه و گزارش مطبوعاتی اکتفا نینمایند.

مدیر ترافیک شهر کابل:

با تأیید گفته های محترم راصع خاطر نشان میسازم که اداره ترافیک نیز از اهمیت ویژه این گونه اقدامات ناآگاهانه نبوده و در چوکات شرایط و امکانات فنی و پولی خود تا جای امکان چنین زمینه هایی را فراهم آورده است به عنوان مثال مدارس های کوتاه مدت آموزشی فراوانی را تاکنون برای رانندگان و سایل ترافیکی دایر ساخته

و کوشیده ایم با آشنا ساختن مشمولان کورسها به اصول و مقرره های ترفیک و افزایش و مقرره های ترفیک و افزایش دانشنی های آنان در این مورد، زمینه جلوگیری از تخلفات را فراهم آوریم، شعارها و اندرزهای ترفیکی بیشمار را در تمام نقاط مزدحم شهر و چارراه های ویلاکات ها نصب ساخته ایم و با نشرات مطبوع ذوقی و مانند چاپ جنتری های جیبی و توزیع مجانی آن کوشیده ایم. علاوه و اشکالات ترفیکی را به هموطنان بشناسانیم، هم چنین به صورت پراکنده همیشه نشرات را دیویدی در خلال پروگرام های رادیو داشته ایم که من هم تا نید میدارم همه ی اینها تا کافی است و باید با حجم بیشتری به اجرا آید، در مورد استفاده از نشرات رادیویی به گونه یی که بر نامه مستقلى داشته باشند با ششم تا کنون بارها این خواهش را با ریاست نشرات رادیو به طرح آورده ایم که متاسفانه تراسم بر نامه های رادیویی و موجود نبودن فرصت رادیویی این مجال را از ما گرفته است، هم چنین آموزش علائم و اشاره های ترفیکی از راه يك بر نامه کوتاه مدت تلویزیونی مورد نظر ما بوده و هست که امیدواریم ریاست تلویزیون در این زمینه با ما به توافق آید.

آمرپلان ریاست ترفیک :

در پهلوی بر نامه های زود آمد و روزانه تبلیغات که در موارد یاد شده مرتب به انجام می آید ترفیک به خاطر آنکه زمینه تعلیمات ترفیکی را به صورت بنیادی فراهم آورد دست اندر کار آن است که در دوره ابتدایی مکاتب مطالب مربوط به ترفیک شهر و شناسایی علائم و اشکالات ترفیکی و سایر موارد نیازمضمون تدریس گردد و مشاورین فنی ما در این مورد نظراتی دادند که اگر به اجرا آید و مورد توافق مسوولان بخش تعلیم و تربیه قرار گیرد کودکان ما از همان سنین خود سالی میتوانند در حد توانایی ذهنی و اندیشوی خود آگاهی ترفیکی داشته باشند

و در جریان دوره های آموزشی سالانه خود زمینه های ترفیک را فراهم آورند که نسل آینده در همه جای کشور نظم و انضباط ترفیکی را جزء از و جایب خود تلقی کند و شرایط حادثه ساز را از میان بردارد، گفت و شنود و مطالعه و پژوهش در مورد به اجرا آتی این طرح که در شمار بر نامه های دیر ام است ولی از ارزش و ویژه برخوردار می باشد در دست است و به احتمال بخشی از آن سال آینده به کمک وزارت تعلیم و تربیه به اجرا خواهد آمد در مورد به انجام آوری بیشتر تبلیغات و گسترش ساحه کار رادیو تلویزیونی من عقیده دارم که ارگان های رادیو و تلویزیون باید چنین بر نامه های را که محتوی آنرا مطالب مربوط آموزش ترفیکی تشکیل دهد در شمار پروگرام های تعلیمی خود بپذیرند، چه به همان دلایلی که قبلاً گوینده محترم به آن اشاره کردند در شرایط کنونی استفاده از نشرات مطبوع برای اکثریت مردم ما به خاطر بی بهره بودن از سواد میسر نیست و رادیو تلویزیون از امکانات گسترده تر برخوردار است که با استفاده از آن میشود به گونه یی بر نامه های نشراتی را به اجرا آورد که هم آموزشی و ترفیکی باشد و هم دو قی و مورد خواست شنوندگان و بینندگان.

غوث زلمی :

گرچه از نظر من هم اختصاصی يك بر نامه رادیویی کوتاه مدت که محتوی آن مسایل آموزشی ترفیکی باشد در شرایط کنونی حتمی است اما تا نامین این منظور اگر مشکلاتی در برداشته باشد این امکان هم همیشه برای تهیه کنندگان بر نامه های رادیویی وجود دارد که با حفظ مشی عمومی بر نامه خود نکات آموزشی را پیرامون مسایل ترفیکی در آن بگنجانند که اگر چنین شود هر روز شنونده مجال میابد از خلال بر نامه های گوناگون با مساله ترفیک و دشواری های آن نیز در تماس ذهنی باشد و مطالبی بیاورد به عنوان مثال یادآور میگردم که همین اکنون بر نامه در پیچه زندگی با چنین

مشیه به کار خود دوام میدهند و هر روز ضمن بازگویی مسایل تربیتی در قالبی دو قی و زبانی ساده و بی پیچیدگی میکوشیم تا نواده ها را به نکاتی توجه دهیم که کمتر به آن علاقه گرفته اند و در همین شمار مطالب است اشکالاتی به مسایل ترفیکی در هریک از بر نامه های ما و توجه دادن مردم اعم از راننده و عابر پیاده به رعایت مقرره ها و ولایح ترفیکی.

رووف را صبح :

یکی از دشواری های عمده یی که در کار ترفیک و ترانسپورت شهری وجود دارد مشکل پس های کمتر همشهری است که عملاً با آن برابر نیاید و روبرو نگردد در یک بررسی کلی میتوان عمده ترین شکایات مردم در این زمینه را که هر روز نیز پهنای بیشتر میابد و در گستره وسیع تر طرح میگردد به دو بخش تقسیم کرد: يك کمبود تعداد سرویس های شهری در خطوطی که در آن فعالیت دارند و دو عدم يك شیوه اجرایی مراقبتی از امور سرویس ها که مشکل اول را نیز بیشتر از آنچه است مایه دهی میکند.

در مورد کمبود تعداد سرویس های شهری سخن را به نمایند مسوول ملی پس میگذاریم که در این زمینه معلوما ت دهند این مسسه برای رفع این دشواری همگانی چه طرح هایی را در دست اجرا دارد، اما آنچه مربوط میگردد عدم يك شیوه مراقبتی از امور پس های شهری، سخن در این زمینه آنقدر زیاد است که بازگویی همه متنوی هفتاد من کاغذ میگردد و ناچار فقط به شماری عمده ترین موارد آن اکتفا می کنیم:

۱- بیشتر رانندگان ملی پس در چه سوم و حتی چهارم رانندگی را در دست دارند در حالیکه باید تمام جوازهای رانندگی راننده های این موسسه درجه اول باشد، بی تجربه گسی و ناواری رانندگان به امور فنی رانندگی اغلب منجر به حوادث ترفیکی در شهر میگردد.

۲- رانندگان و کلنیرهای پس های شهری رفتاری خشن و اغلب اها نیت آمیز دارند و را-

کبین به این سبب شکایتی فراوان ابراز میدارند.

۳- در حالیکه در برخی از خطوط شهری تکت از غرفه ها فروش میگردد و این روش با ید در همه ی خطوط به کار گرفته شود با زهم کلنیرها در داخل سرویس جان مردم را به لب میآورند و از هر را کب در ازدحام و بیرو بار چندین بار تقاضای نشان دادن تکت خریداری شده اش را دارند.

۴- در هریک از سرویس ها به حدی اضافه سوار و بیرو بار ناشی از آن وجود دارد که در داخل سرویس به مشکل نفس کشیده میشود.

۵- بر نامه حرکت سرویس ها منظم نیست و در هر ایستگاه گاه اتفاق می افتد که نیم ساعت از مرکز خبری نیست و آنگاه هم که میرسد چند عراده با هم یکجا حرکت کاروانی را تشکیل داده اند.

۶- تقسیم سرویس ها در خطوط شهری به اساس و نظرگیری تعداد استفاده کنندگان نیست در حالیکه ملی پس باید از تعداد استفاده کنندگان هر خط شهری به صورت تقریبی آگاهی داشته باشد و تقسیم سرویس ها بر اساس همین آمارها صورت گیرد.

۷- داخل سرویس ها کثیف است و به نظافت آن توجه نمی گردد.

۸- برخی از پس ها خرابی تخنیکی دارند و بی آنکه به آن توجه گردد در داخل شهر به فعالیت خود دوام میدهند تا به کلی از حرکت بازمانند و سواری خود را به خدا سپارند.

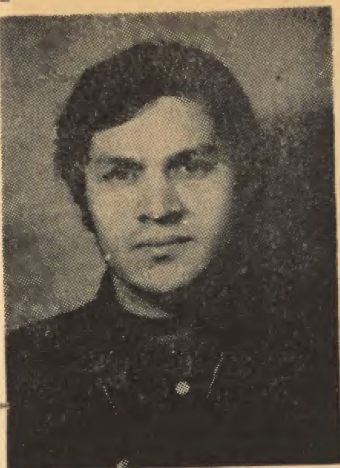
۹- موثرها در ایستگاه های تعیین شده توقف نمیکنند و این در حالی است که جای بسی حتی آویزان شدن و جود نداشته باشد و لی گناه کسی که در همان ایستگاه قصد پیاده شدن را دارد چیست؟

۱۰- ملی پس به شکایت مردم توجه ندارد و همیشه گوش کرخود را به جانب شاکیان دارد و مانند اینها:

بقیه در صفحه ۵۴

تدویر کنفرانس سر تاسری ح، د، خ، ا

رویداد بزرگی است در حیات حزب و جامعه ما



فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل

را ارمغان حزب و مردم زحمتکش جامعه ما خواهد نمود گفت:

تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خط مشی جاری حزب را معین و در زمینه رهنمود ها یی را بحیث برنامہ عمل ترتیب و تهیه خواهد کرد. کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه یکپارچگی و وحدت ارگانیک حزب را همایونی را تأمین و انکشاف خواهد بخشید که از این طریق را بطن حزب را با توده هادر امر وحدت حزبی و اتحاد کلیه نیرو ها محکمتر خواهد نمود.

کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه تأمین و تقویت روحیه برادری بین ساکنین افغانستان و حقوق ملیت ها سهم بزرگی را اداء خواهد کرد. کار و تقویت امر سازمان دمی در ارتباط با توده ها مسئله حیاتی را در کنفرانس تشکیل خواهد داد و در نهایت سمت بخشیدن سیستم اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور از وظایف کار کنفرانس خواهد بود.

منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل بجواب این سوال که انتخاباتی که در این ناحیه به منظور تعیین نماینده گان صورت پذیرفت در چه فضایی بعمل آمد و از چند نفر از اعضای مربوط به ناحیه چه تعداد آن ها انتخاب شدند چنین اظهار داشت: انتخاباتی که در مربوطات ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل

تدویر این کنفرانس عظیم رویداد بزرگی است که جهت ارزیابی از وضع عمومی سیاسی و فعالیت های عملی حزب، دولت و دیگر سازمان های اجتماعی و مسایل سیاسی و فعالیت های عملی حزب، وحدت تمام اعضای حزب، معنویت گروپ ها و فرکیسون بازی ها در حزب و همچنان تفهیم اعضای حزب به وظایف خطیر آن ها در خواهد گردید.

این کنفرانس شکوهمند که دارای اهمیت ملی و بین المللی می باشد موقع آن را مساعد میسازد تا در مورد تأمین صلح و دفاع از دست آورد های انقلاب شکوهمند شور و قلع و قمع دشمنان انقلاب و مردم تصمیم جدی اتخاذ گردد.

در ارتباط به این رویداد بزرگ تاریخی یعنی تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را پورتر مجله با منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و چند تن دیگر از اعضای کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل که افتخار نمایندگی سایر هم زمان خود را در کنفرانس حاصل نموده اند گفت و شنودی بعمل آورده است که در ذیل شما را در جریان مطالعه آن قرار می دهیم.

فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل در برابر این سوال را پورتر ما که از نظر شما تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط کنونی چه اثرات نیکی

زیادی داشته است. حزب ما در دو ران استبداد نیم قرنۀ دودمان یحیی و ادر شرایط نهایت دشوار آن زمان توانست مبارزات عادیانه مردم زحمتکش ما را بد رستی رهبری نماید و پیروزی انقلاب شکوهمند شور را ارمغان راه این مبارزات برحق ایشان سازد.

بعد از پیروزی انقلاب آزادی بخش شور و تحقق آزادی و کسب قدرت زحمتکشان افغانستان از تجار و امپریالیزم سعی نمودند تا انقلاب ملی و دموکراتیک شور را از مسیر اصلی آن به بیراهه بکشند و اهداف وای حزب، دولت و انقلاب ما را در انظار جامعه ما و جهان وارونه جلوه دهند ولی خوش بختانه در اثر پیداری حزب قهرمانان ما این توطئه سیاه سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا در نطفه خنثی گردید و انقلاب ملی و دموکراتیک شور دوباره در مسیر اصولی خویش فرا گرفت و خوش بختانه امروز با بسیار متانت و استواری به سوی فردا های روشن و تابناک گام برمی دارد و هر گونه خس و خاشاکی نمی تواند سد راه تکامل آن گردد.

تدویر کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مادر آستانۀ تدویر آن قرار داریم در شرایطی دایر میگرد که وطن مردم و جامعه ما در مقابل یک جنگ اعلام ناشده هارتجاعی همونیستی و امپریالستی قرار گرفته است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ((پیش آهنگ طبقۀ کارگر و تمام زحمتکشان کشور)) که بیش از هفده سال در راه آزادی و سعادت مردم زحمتکش جامعه و آبادی و شکوفائی میهن محبوب ما مبارزه نموده است و توده های وسیع و ملیونی مردم ستم دیده ما را بسوی سعادت و بهروزی، ترقی و تعالی رهبری نموده است، این راه شریفانه و نجیبانه را تا سر حد رسیدن به پیروزی نهایی با متانت و استواری و با شجاعت و دلیری ادامه می بخشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنان حزب قهرمانی است که بحق از میان توده های وسیعی از مردم ستم دیده و عذاب کشیده جامعه ما برخاسته است و پشتوانۀ شکست ناپذیری چون همه کارگران، دهقانان، پیشه وران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه ما را در سطح ملی در عقب دارد.

آری! در تحت رهبری همین حزب قهرمان بود که در کشور ما انقلاب ملی و دموکراتیک شور به پیروزی انجامید و روزنه های سعادت و نیک بختی بر رخ فردا دی از وطنداران شرافتمند ما باز گردید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این حزب شهیدان و قهرمانان در طول حیات هفده سالۀ خویش با فراز و نشیب هایی برخوردار است و از کوره راه های زیادی عبور نموده است که هر یک از آن بالای حیات و تجارب آن اثرات

صورت گرفت کا ملا دریک فضای آزاد و دمو کرا تیک بعمل آمد با یاد آوری نمود که مجموع کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل به تعداد پنجصد و شصت و پنج رفیق بالغ میگرد و به اساس نورم نماینده گسی ایکه از طرف کمیته ناحیه یا زد هم حزبی به تصویب رسید از هر هشت رفیق اعضای اصلی و از مایشی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان یک نماینده به کنفرانس ناحیوی معرفی شد تده که بدین حساب به تعداد هفتاد و سه نماینده به اساس نورم میکه کمیته شهری از هر بیست و هشت نفر نماینده به کنفرانس شهری شهر کابل افغانستان از جمله هفتاد و سه نماینده کنفرانس ناحیوی معرفی میگردد.

وی افزود :

در انتخابات نماینده گان سازمان های اولیه حزبی مربوط کمیته ناحیه حزبی یازدهم معیار های چون ترکیب اجتماعی و ترکیب ملیت ها مد نظر گرفته شده، همچنان سابقه حزبی، شایستگی در کار و وفاداری بر آرمان های ولای حزب و انقلاب نور، دانش و آگاهی سیاسی و پرستیز نمایند در محل کار و محیط مد نظر گرفته شده است. بهین قسم سن و جنس نیز در زمینه دید خل بوده است.

انجنیر عبدالباقی (علی) عضو کمیته ناحیه حزبی یا زد هم شهر کابل و رئیس دستگاه ساختمانی شبکه های آبیاری و زارت آب و برق به پاسخ این پرسش ماکه نقش کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان را که برای اولین بار در تاریخ پر شکوه کشور ما دیر میگرد د بالای حیات زحمتکشان کشور چگونہ ارزیابی می کنید چنین بیان داشت :

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در تاریخ حیات حزبی از اهمیت فراوان برخوردار است، نقش این کنفرانس که برای اولین بار در کشور در شرایط خاص انقلابی که حزب و دولت انقلابی مستقیماً با جنگ اعلان نا شده

امیر یا لیزم در مبارزه و پیکار قرار دارد خیلی عظیم است. با تدویر این کنفرانس با زهم نیرو مندی و توانائی شکست نا پذیر حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان به مردم افغانستان و جهانیا نوا نمود میگرد.

این کنفرانس خواهد توانست تغییرات بزرگی را در حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم زحمتکش کشور ما بوجود آورد، همچنان این کنفرانس نقش بزرگی در امر سرکوبی ضد انقلاب و رهایی زحمتکشان کشور از شر اشرا ر با وحدت و همبستگی صفوف حزب و قوای امنیتی بازی خواهد نمود.

وی در برابر سوال دیگری

محمد عارف (میهن پور) عضو کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و آمر پروژه خیر خانه مینه راجع به تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان چنین اظهار داشت :

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان یک رویداد بزرگ تاریخی در حیات پیشرا ز هفده ساله حزب ما بشمار می رود انقلاب ثور سر آغاز حیات نوینی در زندگی حزب و مردم افغانستان بحساب می آید، تحولات عظیمی که بعد از انقلاب ثور در جامعه ما بوجود آورده است، نتایج کار و پیکار انقلابی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد. بعد از پیروزی انقلاب



محمد عارف «میهن پور»
عضو ناحیه یازدهم حزبی

شکوه مند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب ما بحیث حزب حاکم در جامعه مبدل گردید و وظایف جدیدی در برابر حزب ما قرار گرفت، حزب نه تنها بخاطر رهبری سیاسی جامع کار خویش راسازمان داد بلکه رهبری اقتصاد و رهبری دولت را بدوش گرفت.

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان که در شرایط کنونی ما در آستانه تدویر آن قرار داریم وظایف جدیدی را در برابر حزب ما مطابق شرایط جدید در برابر ما می گذارد.

حزب بعد از انقلاب بدست آورد در برابر ما می گذارد.

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان وظایف بزرگ و جدی را در برابر



انجنیر عبد الباقي (علی)
عضو ناحیه یازدهم حزبی

مبنی بر اینکه هدف از تدویر این کنفرانس با شکوه در شرایط انقلابی کنونی جامعه چیست و چرا در شرایط خاص انقلابی کنونی حزب قهرمان ما به تدویر این کنفرانس دست یازیده است چنین گفت :

حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در آستانه تدویر این کنفرانس تاریخی خط مشی جاری حزب، راهروشنتر خواهد نمود و اثرات بزرگی را در امر وحدت حزب ما ببار خواهد آورد. از نظر من ایجاد کنفرانس سر تا سر ی حزب هم در بلند رفتن پرستیز حزب در بین توده ها و هم در استحکام وحدت ایدئولوژیک و سازمانی حزب با تطبیق اصل ز رین اصول رهبر حزبی ((سنترالیزم دمو کرا تیک)) اهمیت بسزائی دارد.

اعضای حزب ما قرار داد که یکی از آن تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد کنفرانس مذکور خط مشی آینده حزب را مطابق به شرایط جدید تعیین خواهد نمود.

همچنان این کنفرانس با عظمت پرو سه وحدت حزبی را محکمتر خواهد گردانید.

میهن پور پاسخ سوال دیگری که شما بحیث یک نماینده کمیته ناحیوی می توانید بگوئید که چه رسالتی را در برابر انتخاب کنندگان خود احساس مینمایید گفت :

با ید متذکر شد که کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در شرایطی دیر میگرد که وظایف جدید در برابر حزب پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغان

نستان قرار گرفته است. انقلاب ثور که سر آغاز مرحله جدید حیات سیاسی حزب و مردم ما می باشد کارهای بزرگی را بدوش حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان قرار می دهد. بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور کارهای عظیمی بخاطر تحقق رسالت اهداف ولای حزب در جامعه صورت گرفته است.

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان که در این اواخر دیر گردید کنفرانس سر تا سر ی حزب را دعوت نمود تا رهنمودها و وظایف جدیدی را مطابق به شرایط مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور کارهای عظیمی بخاطر تحقق رسالت اهداف ولای حزب در جامعه صورت گرفته است.

با ید گفت که من بحیث نماینده در کنفرانس شهری شهر کابل وظیفه دارم تا به نماینده گسی از رفقای همزم خویش سهمی در این امر بزرگ داشته باشم و آماده گی خود را هر زمان خویش را در انجام وظایف آینده ابراز نموده سهم عملی را در آن داشته یا شمم و هم بیام رفقای خویش را بخاطر

ابراز آمادگی بیشتر آن ها در جهت انجام وظایف بعدی که در کنفرانس سر تا سر ی حزب به اعضای حزب محول می شو دا اعلام بدارم.



ابراهیم طغیان که به عنوان بازیگر موفق سینما جایزه گرفت.

از: چراغ

آنها که جایزه هارا ربودند



عبدالا حمید منیر مینا توویرست
برنده جایزه ۲ صلی میتاوری
صفحه ۱۰

اقدام وزارت اطلاعات و کلتور در زمینه پزیرش کارهای کاندیدی هنری، گزینش آثار ناب و با ارزش کیفی بیشتر از میان ارا نه شده ها و اعطای جوایزی چند به هنرمندان برگزیده در رشته های گوناگون هنری کاری است مثمر و با ارزش در جهت دهی سالم هنرها و ایجاد زمینه های رقابت میان هنرمندان کشور ما که امیدواریم همه ساله دنبال گردد و به این ترتیب راهی تازه در باروری و شکوفایی هنرها

و پدید آوری آثاری ارزنده تر به گشایش آید.

ما در این فشرده برای به شناسخت آوری هنرمندان برگزیده ای که به دریافت جایزه در بخش های متفاوت هنری نایل آمده اند به گفت و شنود می نشینیم و میگوئیم شما را با نظرات آنان در زمینه های هنری آشنا می دهیم:

عبدالا حمید منیر برنده جایزه اصلی ((اول)) بهزاد در رشته میناتور که به دریافت ده هزار افغانی جایزه نقدی نایل آمده نخستین کسی است از این سلسله که با او صحبتی کوتاه داریم: ((منیر)) که تحصیلاتش را در رشته اختصاصی هنرهای زیبا در پوهنځی ادبیات به پایان آورده است از سال ۱۳۴۹ به این سو به میناتور روی آورده و علاوه از آثار متعددی که در این رشته به وجود آورده است کارهای نیز در مجسمه سازی، طرح و دیزاین و پوستر سازی دارد که قابل تعمق است، ((نخستین پرشش از عبدالا حمید منیر پرسیده میشود با توجه به اینکه وی کارهایی فراوان در نقاشی و میناتور دارد از نظر او وقتی یک مضمون و محتوی واحد در هر دو زمینه بار شود کدام یک میناتور وی نقاشی بیشتر از توانایی القای هنری اندیشه و پیام هنرمند که در اثر جایگزین شده است بر خوردار می باشد؟

در پاسخ چنین میگوید: ((میناتور بیشتر تابع حقیقت عینی است و نقاشی تابع واقعیت از این روی چون میناتور میتواند نمایانگر حقیقت باشد در آن ابعاد به همانگونه که هست به نمایش میآید و از نظر من بیشتر نیز توانایی القای هنری را دارد و مضمون و محتوا آسانتر به درک گرفته میشود.))

از او میپرسیم آیا در نقاشی و به خصوص در میناتور از سبک خاصی پیروی میکند یا نه و از میان میناتور چیست ها بیشتر از گوی متاثر است و سبک و یا اندیشه وی در کارهایش مایه داده است؟

جواب این است که: سبکی که از آن پیروی میکنم سبک بهزاد است و چون از آغاز پر-

داخت به کار هنری نخست زیر نظر استاد سعید مشعل و بعد از آن به رهنمایی استاد هما یون اعتمادی کار کرده است مایه های فکری این دو هنرمند بیشتر در آثار وی تاثیر گذاشته اند.

وی در جواب یک سوال دیگر در این زمینه که او در کارهایش بیشتر از رنگ های اصلی ((لاجورد، طلا، قرمز و مانند آن)) استفاده میکند و یا از رنگ های مصنوعی میگوید کم دارم آثاری که در آن رنگ های اصیل به کار رفته باشد و بیشتر رنگهای عادی مصنوعی است که به خاطر فراوانی و هم ارزانی اش مورد استفاده من است و جای دارد بگویم که رنگهای اصیل به حدی نایاب اند و گرانقیمت که فقط عده ای کمی از هنرمندان که وضع اقتصادی خوبی دارند با شنیدن توانایی استفاده از آن را دارند و به همین دلیل چنین آثاری اندک، با ارزش و گرانقیمت اند.

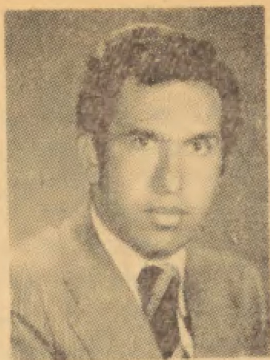
عبدالا حمید منیر در جای دیگر از سخن خود میگوید بیش از دو صد و پنجاه اثر میناتور را تاکنون به وجود آورده که بیشتر آن در داخل و خارج کشور به فروش رسیده است.

ابراهیم طغیان با زیرکانه جوان سینما که بازی اش در فلم ((جانتکاران)) ساخته شفق فلم را کاندید جوایز ساخته بود، به عنوان بازیگر موفق شناخته شده و برایش پنج هزار افغانی جایزه داده شد که چون به قول خودش آنچه مورد توجه وی قرار دارد ارزش معنوی جایزه است و نه مادی آن پول جایزه خود را به پرو ر شکاه وطن اهدا کرد و خود به کسب فیض معنوی قناعت ورزید.

طغیان که اندکی بیش از ۸ سال عمر دارد در پاسخ سوال در این زمینه که تحصیلات وی در چه زمینه و به چه مقداریست و چرا به سینما روی آورده است میگوید:

فقر اقتصادی و مشوولیت معیشت خانواده املی بود که موجب گردید نتوانستم تحصیلات را بیش از متوسط وامدهم

دکتر غلام سخی خیر خواه برنده جایزه ((اصلی)) در شعر پشتو است، وی که دکتر طب است برای نخستین بار قریحه شعریش را در سال ۱۳۴۱ از مود که این سروده به گونه تشو بقی در روزنامه ننکر هار نشر گردید و بعد از آن نیز شعرهای فراوانی سرود که در روزنامه های ننکر هار، ورانگه، طلوع افغان، اتحاد، بیدار، هیواد، اصلاح، مجلات پشتون رخ، ژوندون و دیگر مطبوعات کشور به نشر آمد.



دکتر غلام سخی خیر خواه

دکتر خیر خواه که علاوه بر برنده شدن در بخش شعر جوانان سال ۱۳۵۹ در سال ۵۸ نیز موفق به دریافت جایزه در همین زمینه گردیده است در این مورد که از نظر او در شعر فورم شعری و نکای شاعر به او زان عروضی و بدیع و بیان و استعاره و مانند اینها بیشتر و اهمیت است یا مضمون و محتوا و چگونگی بروراندن آن در شعر، پاسخ میدهد که و زن در شعر همان اهمیت را دارد که محتوی و پیام و اصولا اگر شعر فاقد و زن باشد، بافت شعری نداشته باشد و نحوه بیان و به کار گرفتن کلمات و کاربرد زبانی در آن نقص نداشته باشد نمیتواند مضمون و محتوی را هر چه باشد خواه عشقی و بزمی و خواه حماسی و رزمی درخود ببروراند و آنرا به درستی انعکاس دهد، به همین ترتیب محتوی با زتابنده واقعیت زندگی نباشد و مضمون سست اساس کار باشد در زیبا ترین قالب های شعری و نحوه بیان زیبا هم نمیتواند نا پخته گوی پند را ببوشاند از این روی شاعر باید ضمن آنکه زبان شعری را خوب بداند و به او زان عروضی نیک آگاهی داشته باشد از جهان بینشی نیز برخوردار باشد و در مضمون شعر خود زندگی و واقعیت های زندگی را انعکاس دهد و گر نه آنچه میسر آید نظم است و نه شعر.

بقیه در صفحه ۳۶

نگرندگان سینمای ما اکنون ((بچه فلم)) شده است چه احساسی دارد، میگوید:

از عنوان بچه فلم نه تنها خوشنماید بلکه بد نیز از آن بیزارم - برای من فرقی نمیکند که در یک فلم فقط در یک شات «نما» ظاهر گردم یا بازیگر نقش اول باشم و در تمام صحنه ها حضور داشته باشم، مهم این است که بتوانم نقش خود را به درستی، صداقت و موفقیت به انجام آورم و مورد انتقاد هنر شناسان قرار نگیرم.

او در پاسخ به آخرین پرسش در این مورد که از میان کارهایش در زمینه بازی سینمایی خود کدام را بیشتر می پسندد و چرا میگوید:

از نظر خودم هیچ بازی من شایسته خالی از اشتباه نباشد

چرا با آن موازی و ضابطه هایی که من برای یک بازی خوب قایل همیشه باید در کار آموزش و آموختن باشم و از نظر من هنرمند آنگاه که تصور کند کارش کامل و بی عیب است از پویایی بازی میماند و در واقع از رشد و شکوفایی میافتد بگذارد دیگران و بالخصوص آنانی که هنر سینما را به درستی می شناسند قضاوت نگر خوب باید باشند و رهنما برای بهبود کار که این مرا بیشتر خوش آیند است تا خود ستایی و از گفتن های متداول و م...

• • •

هنوز نو جوان بودم که به سینما علاقه گرفتم و چون استعدادی در خود سراغ داشتم و ذوق و عشقی فراوان به این هنر همینکه گشایشی در کار معیشت پیش آمد عازم کشور هند شدم تا در ((پونه)) انستیتوت آن کشور به تحصیل پردازم که بخت یاری نداد و در همان سال بخشی اکشن ((هنر تمثیل)) این انستیتوت مسدود گردید و ناچار واپس به کشور برگشتم در سال ۱۳۵۶ یک دوره آموزش کوهنوردی را در تهران در رشته فلیمبرداری گذراندم.

از او پرسیده شد از چه زمانی فعالیت سینمایی خود را به آغاز گرفته و در کدام فلم ها نقش داشته است؟ گفت:

نخست سمت معاون فلیمبردار در فلم سیاه موی و جلالی به کارگردانی عباس شیبان که ساخته یی بود از آریانا فلم به من محول گردید در فلم ((غلام عشق)) نیز که به محصول آریانا فلم و کارگردانی توریا لی شفق به پرده آمد علاوه از آنکه عهده دار سمت معاونیت فلیمبردار بودم نقش فرعی رانین بازی کردم که دایر کتر آنرا پسندید و موجب شد که در فلم های بعدی نقش های مهمتری به من سپرده گردد.

در فلم نیمه دار کو منتری نیمه هنری «دام مرگ» معاون فلیمبردار بودم و هم ایفاگر نقش در بازی فلم، اما نقش های با اهمیت تر و ممتاز در فلم های جنایتکاران محصول شفق فلم و ((اختر مسخره))

محصول مشترک تلویزیون و افغان فلم به من سپرده شد که در اولی در قالب یک جوان سرمایه دار فاسد و در دومی نیز به عنوان یک ثروتمند با خصوصیت های تپیک تا جرکابلی ظاهر شد و به قول وادعای دوستان در این دو فلم توانستم واقعاً در بازیهای خصوصیات کرکتر فلمی خود موفق باشم، طغیان در پاسخ به یک پرسش دیگر و در این زمینه که از نظر او یک بازی خوب و آنچه خصوصیت هایی باید باشد و وی به چه

۲۶

جنوری

یا

روز

آزادی

جمهوریت

هند

همه ساله و قتیکه تقویم ز مان روز ۲۶ جنوری را نشان می دهد مارا بیاد آن روزی می اندازد که برادران هندی ما استقلال سیاسی خود را از تحت سلطه استعمار کهن انگلیس این کشوریکه تازه استعماری وقت حاصل نمودند و استعمار ننگین انگلیس را در سر زمین شکو همد خویش بزانو در آوردند .

پیروزی مردم قهر مان هند بر د یو سیاه استعمار بریتانیا که می گفتند : «اقتاب در سر زمین مستعمراتش غروب نمی کند » یک امر تصادفی نبوده و هر گز به گونه تصادفی و خود بخودی بوقوع نه پیوسته است بلکه در اثر مبارزات پیگیر و مداوم آزادی خواهانه ، قربانی ها و فداکاری های مردمان صلح دوست و آزادی پسند هند تحقق پذیرفته است .

تاریخ نشان می دهد که باشندگان تمام مناطق هند بر تانوی ، صاحبان تمام مذا هب تمام اقوام ، قبایل و ملیت ها در وجود حزب کانگرس در راه حصول آزادی کشور خویش دست و حدت بهم دادند و آزادی سیاسی خویش را کمائی کردند .

بعد از حصول استقلال هند مردمان آزاده این سرزمین در راه عمران و شگوفائی وطن و جامعه خویش به بر داشت گام های استواری نایل آمده اند که در ذیل شمه از آنرا تذکر می دهیم .

بر اساس احصائیه هائیکه در دست است امروز کشور هند از لحاظ داشتن متخصصین تخنیک در جهان مقام سوم را حایز است و فقط اتحاد شوروی سو سیالیستی و ایالات متحده امریکا در این مورد از کشور هند سبقت دارند .

امروز در کشور هند بیش از یکصد ده پوهنتون و بهمین قسم مراکز تر بیست حرفوی موجود است و در این مراکز علمی و تربیوی تخنیک شماره شاگردان بیش از سه میلیون نفر می باشد . تعداد متخصصین انجنیری طبی و زراعتی در هند اکنون بربیک اعشاریه چهار میلیون تن بالغ می گردد . در هند فعلا پنج انستیتوت ملی تعلیمات عالی برای آموزش تکنولوژی و انجنیری هر گونه تسلیات را فراهم می آورد این انستیتوت در قسمت تحقیقات انجنیری و تکنالوژی با موسسات ممالک پیشرفته جهان همسری می نماید .

در سال ۱۹۴۷ هنگامیکه هند آزادی خود را حاصل نمود مقدار تولید فولاد آن از یک میلیون تن کمتر بود و لی امروز در هندشش

فابریکه تولید فولاد موجود است که مقدار تولید هر یک از آن به یازده اعشاریه چهار میلیون تن می رسد علاوه بر آن یکصد و پنجاه فابریکه کوچک تولید فولاد در آن کشور وجود دارد که مقدار تولید آن سه میلیون تن تخمین شده است .

اکنون در کشور هند پنجاه و پنج فابریکه تولید سمنت وجود دارد که ۹ فابریکه آن آن دو لکی می باشند ، مقدار تولید سمنت در آن کشور سی سال قبل سه اعشاریه هفت میلیون تن بود و لی امروز تولید آن به بیست میلیون تن می رسد . اکنون در هند بیست و هشت دستگاه بزرگ تولید کننده کود کیمیای موجود است که کود نایتروجن و فاسفورس را تولید می نمایند .

بهین ترتیب در هند چند کارخانه جدید کود کیمیای در حال ساختن می باشد . امروز کشور هند او لین کشور تولید کننده کود کیمیای در جهان محسوب می شود ، مقدار تولید کود کیمیای آن در سال سه میلیون تن است ، هند سالانه سیزده میلیون تن نفت تولید می نماید که تقریباً نیاز فعلی آن کشور را بر فوع می سازد .

هند در قسمت تصفیه نفت به مرحله نهائی خود رسیده است دستگاه های تصفیه آن سالانه ظرفیت تصفیه ۳۲ میلیون تن نفت را دارا می باشد .

در سال ۱۹۵۱ مقدار تولید ذغال سنگ در هند ۴۵ میلیون تن بود و امروز این رقم بر (۱۰۴) میلیون تن می رسد که بدین ترتیب هند در قسمت تولید ذغال سنگ پنجمین کشور جهان محسوب میشود و چین پیش بینی می شود که تولید ذغال سنگ آن در سال ۱۹۸۵ به ۱۵۰ میلیون تن می رسد .

صنعت نیز در هند انکشاف خوبی کرده است و بر اساس ارزیابی ایکه از طرف دولت آن کشور بعمل آمده است هند در حال حاضر اشیا و آلات مختلف تخنیک و انجنیری را تولید می نماید .

در هند انواع مختلف دستگاه های صنعتی که به منظور حمل و نقل مواد معدنی ، زراعتی و آبیاری و غیره در داخل کشور ازان استفاده بعمل می آید در داخل کشور تولید میشود . بیش از چهار کارخانه ای در هند وجود دارد که ماشین آلات تولید می سازند که بعضی از آنها با تولیدات بعضی از کشور های پیشرفته جهان رقابت می نمایند .

در هند در قسمت صنعت برق د سگاه های عظیم تولید برق که در آن توربین های

آب و بخار ، ترانسفار مر ها ، موتور های تولید برق ، دنده های سوچ ، کیبل و لین های برق ، تجهیزات تهویه و دستگاه های کنترل صنعتی هوا شامل اند ، تولید می شود ، هند در قسمت صنایع الکترو نیکی سامان آلات مختلفی چون رادیو تلویزیون تیپ ریکاردر ، ماشین آلات الکترو نیکی حساب و غیره گام های استواری برداشته است و همچنین در قسمت مخابرات فضائی و سامان آلات کمپیوتری و در باره تکنالوژی امکانات زیادی را بوجود آورده است .

هند طیارات مافوق سرعت صوت «اچ اف ۲۴» نظامی و «اچ اف ۷۴» غیر نظامی را می سازد . صنعت ا تو موبیل سازی نیز در کشور هند انکشاف خوبی نموده است و سالانه در آن کشور ۶۵۴ هزار موتور لاری و سرویس و چهل هزار موتور سیکل ساخته می شود ، هند در صنعت بایسکل سازی در جهان مقام دوم را حایز است ، صنایع مولده هند به کشور های خارجی صادر می گردند اکنون دانشمندان هند راه استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی را نیز گشوده اند .

آری ! بعد از تاسیس جمهوریت هند روابط میان مردم افغانستان و هند به شکل روز افزون آن ادامه و انکشاف یافته است ، چه مردم ما با مردمان سرزمین هند و چه مشترک زیادی را دارا می باشند و جالب تر از همه اینکه کشور ما افغانستان و جمهوریت هند دو کشور غیر منسلک در منطقه بوده از جمله کشور های صلح دوست و آزادی پسند در سطح جهانی می باشند و این دو کشور از کشور های دو ستار د یتان بین المللی بشمار می آیند .

هر دو کشور بر ضد استعمار ، اپارتاید ، تعصب ، هرز مویزم ، استعمار و تمام اشکال ظلم و ستم مبارزه نموده اند و می نمایند بنابر داشتن روابط نیک تاریخی فرهنگی و کلتوری مردم ما در شادی های مردم هند شاد و بانده آنها اندو هگین میگردند . مردم ما در شرایط کنونی که مصر و ف دفع و طرد جنگ اعلام ناشده محافل ارتجاعی ، هرز مویستی و امپریالیستی این دشمنان آتش بجان مردمان عذاب دیده جهان می باشند و از وطن ، انقلاب و ناموس شرف و آزادی خود با متانت و پایداری حراست می نمایند حلول سی و سومین سالگرد جمهوریت هند را به مردمان صلح دوست آن کشور تبریک می گویند و موفقیت های هرز بیشتی آن ها را در ساحه های مختلف حیاتی تمنا دارند .

ځان پل کله ورژید؟

— دا چیری هم کیدی نه شی!! هغه پیغله چی دا خبره یی کړی وه ، د بازگل آکالور بدری وه او بله یی دینادی لورزر څانگه ... ددواړو موپکونه نه په غاړه وو.

د ټول کلیوال ولس خو ای پیغلو ته وازی ختلی وی . بدری ټو پک په بله اوږه کړ او په لوړ آواز یی ویل :

— آبا رښتیا ویل ... که زموږ له کورنی څخه ټول د وطن او انقلاب په لارکی شهیدان شی هم څه پروا نلری ... د وطن شمله به لوږه او انقلاب به بچ شوی وی زه ټولو وروڼو او پلرونو ته وایم چی که له چاسره د خپل سر ویره وی نو نه دی څی موږ کلیوالی پیغلی به د هغه انقلاب دفاع کوو چی موږ یی لسه وینځتوب څخه وژ غور لو او دادی سترگی یی را ته په تعلیم باندی رڼا کړی دی .. هغه چی نن ځاند وطن له دفاع او د انقب له ساتنی څخه بچ کول غواړی ، په دی آموخته شوی چی په کور کی زنا نه وځوری او ظلم یی وکړی ... خو موږ له خپلو وروڼو سره اوږه په اوږه د وطن دفاع ته چمتو یو

د بدری ددی خبرو په اوریدو سره دسور کی انگکی سره شول او هغه صحنه ور پیاد شوه ...

— ۳ —

د دوی وروستی شیبی ورځی وی . دوطن ټول ځوانان او په تیره ددوی دکلی ټول ځوانان د انقلاب د مورچو د ټینکولو په کار لگیا وو . ځوانانو نه شیبی ته کتل او نه ورځی ته ... ټولو په گډه سره کار کاوه او کلیوالو ته یی د انقلاب پیغا مونه رسول . سور کی چی د شیبی او ورځی گوندی کار سخت زهیر کړی و ، یوه شبه د کلی ځوانانو د کوم کلیوال واده ته له ځان سره بوت . ښه د

خوند ټنگ ټکور و . ځوانانو او پیغلو هست اتنو نه کول او هره خوا اورو نه بل شوی وو . داین په مستی کی به یو نیم ډز هم وشو . په دی کی د سور کی ستو ما نه او خوب لیجنی سترگی په یوی ښکلی پیغلی باندی ولگیدی چی په مینه مینه یی ورته کتل او مو سکې وه . د پیغلی سری جامی وی او د گیسونو رڼا ته یی ټیگ پر اوربل باندی ځلیده . غبی غبی سترگی یی په خیال سره اړولی ، جگه پوزه او سره او سپین انگکی یی وو . شوندی یی سری کړی وی او په غاړه کی یی د لونگو امیلو نه اچولی وو .

ډیره شیبه په دغی ننداری بوخت و . په ډیر شرم او حیا سره یی سترگی ورسره جنکولی خو څو شیبی وروسته چا بدری ته چیغه کړه او هغه یی له نظره پناه شوه ...

دبدری په سرو جامو کی تصویر دسور کی سترگو ته دپړی وپړی شو . لکه چی د اوبو په تل کی یی په یوه سره شیبی باندی نظر غړولی وی ، خونخاږه څوک او بو ته تیره و شپ ی او اوبه په دایروی کړی کی له خپل اتنی سره هغه شی دپړی وپړی کړی ... هغه په همدی سوچ کی چوپ شوی و او هیچا او هیڅ شی ته یی پام نه و .

خو پدی کی یی د بازگل اکالور غوږه شو : هلوکو او س څه و ایا ست ؟ آدم څا نه زرغون شاه ... ووايست که نه ؟

او س نو خبره تردی را ورسیدله چی زموږ انقلاب به زموږ لونگی او نجونی راته گټی

دا شرم او پیغور چیری وپړی ؟ په اوجره کی سخته گپه گوږه او

ورپسی شور بگت جوړشو ... ټولو بدری او د هغی د ملگری خبرو ته پام کړی و او یوتر بله یی خبری او مشوری کولی :

— خدا یزو دا نجلی رښتیا وایی ... — دا خپل پلار په څیر میړ نسی ده !

— داد باز گل آکا لور ده ؟ — داد منکی خورده ؟ — ورور خو یی هم د انقلاب د دفاع په کمیته کی دی !

خو ناڅا په د زرغون شاه ریز — دبدو نکي آواز د بزگرانو سلا — مشوری او خبری ور غوڅی کړی : — باز گل آکا که موږ د خپلو عقلونو جلب د ښځو لاس ته ورکړو هیڅ یوی پریکړی او فیصلی ته نه شو رسیدلی ... ښځی په موږ کی شر گوی ... او نه پرین دی چی جرگه خپل کار وکړی

پدی کی باز گل مداخله وکړه : — دا څه وایی زرغون شاه ... نجونو خو څه بده خبره ونکړه ... ښځی خو نن سبا زموږ په ژوند کی ډیره اغیزمنه ونډه اخلی ښځی خو نه وایی چی تا سو جرگه مکوی هغوی خو د جرگی د گټور انجام هڅو نه کوی ... د زرغون شاه په سترگولی د غوصی او قهرنښی نښانی راغلی خو د جرگی له ویری یی څه ونه شو ویلی او آخر یی — ویل :

— موږ خو غواړو چی دروغی جوړی لاریه مخکی ونیسو ... خو دابښی غواړی چی د تر بگینت او نقاق ، ورور وژنی او جگری او دی لاسی زور واخلي ... زه خواویم چی جرگه دی پدی خبری وکړی چی څنگه د «هغوی» خبرو ته غاړه کیردو او د «صیب» پیغام سره سم دی روغه راولو

ناڅا په کړس کړس ټکه پاری درو جری له منځه پور ته شو ټولو هغی ځواته وکتل چی بدری

او د هغی ملگری ناستی وی ... هغوی د بکرو دوه دوه ډبري یو په بل باندی ټکولی ... د ټولوبزگرانو پرشونډو باندی دمو سکا څپودلال — ټین رڼا ته خپلی کرښی خپری کړی ... ځکه هغوی پو هیدل چی ښځی د په جرگه کی له کیدو نکونویو پیشنهادو سره موافقه نلری او دا د پښتنی قبا یلو له درندو دو — دونو څخه یو دود دی چی کله په جرگو کی د خلکو او اکثریت د گټو په خلاف یو پیشنهاد وایی یا پر یکره وشی نو ښځی او نجونی چی — د جرگی په خوا کی د جرگی څارنه کوی ، د مخالفت په دود ډبری ټکوی یعنی دا چی موږ ددرسه مو — فقه نلرو ...

او دا وخت بدری او د هغی ملگری په حقیقت کی د زرغون — شاه د پیشنهاد مخالفت کاوه ... باز گل آکا نور څا نننه زحمت ورنکړ چی د زرغون شاه په معامله کاراونه او له سازش نه ډک پیشنهاد باندی غور وکړی او یاد جرگی نظر پی و غواړی ... خو سور کی مری خلاصه کړه او په قانع کونکو د لایلو سره یی د زرغون — شاه خبره رد کړه او په پای کی یی ورته ویل :

— گوږه زرغون شاه ، زموږ په پلارنی و وطن کی او س او س واک د همدغو خلکو دی ... د بزگرانو ، د غریبانو ، د زیار کالونکو او ټولو خلکو ... همدغه ناست بزگران چی دا او جرگی په که او درنده ده ، دپلارنی وطن دملی جبهی غری دی د حکومت قوت ددوی د متو په زور کی دی ... ټول واک د همدغو دی ... ددوی په خپلی خبر ښیگنی باندی ښه پوهیږی ...

(صیب) او د هغه په څیر کسان ددغو بزگرانو او غریبو خلکو نمایندگی نه شی کولی ... نو پاتی په ۵۲ مخکی

واقعات

پیوستہ بگڈ شتہ

مہم

سال

۱۹۸۱



مخالفت ملیون ها انسان در جهان بر خلاف سلاح نیٹرونی

جہا نی بر داشتند .
 بیست و ششمین کنگرہ حزب
 کمونسٹ اتحاد شوروی در ماسکو
 برگزار شد . بر گزاری این کنگرہ
 مصوبات و پیشنہادات سازندہ آن
 از اہمیت چشمگیری برخوردار
 است . کنگرہ سیاست دا خلی و
 خارجی حزب کمونسٹ اتحاد
 شوروی را ارزیابی و جمع بندی
 کرد و برنامہ رشد اقتصاد ، اجتماع
 عی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰
 را بہ تصویب رساند . قرار های
 کنگرہ نہ تنها در زندگی خلق های
 شوروی بلکہ در سرنوشت ہمہ
 خلق های گیتی در سیر تحول سراسر
 زندگی بین المللی تأثیرانکارناپذیر
 بخشیدہ اند .

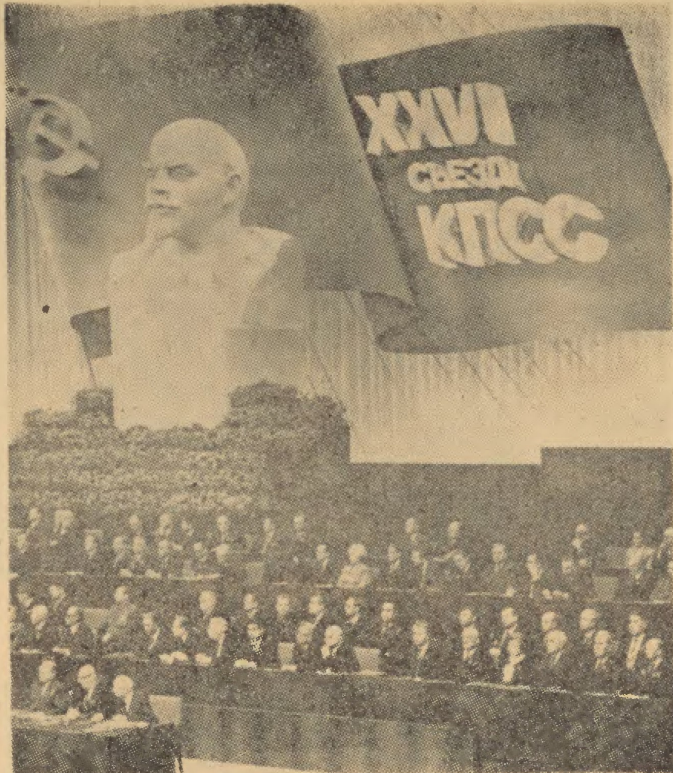
دوازدهمین کنگرہ حزب کمونسٹ
 بلغاریہ در اخیر مارچ ۱۹۸۱ در
 صوفیہ گشایش یافت این کنگرہ در
 زمانی برگزار شد کہ مصادف با
 جوامع سازندہ و بزرگ در تاریخ
 کشور بلغاریہ مانند ۲۵ سالگرد
 پلینوم اپریل ۱۹۵۶ ، نودمین سالگرد
 تاسیس حزب کمونسٹ و ۱۳۰۰

کشور های سوسیالیستی
 تاریخ سوسیالیزم جہا نی از
 بوٹہ ہمہ انواع آزمایش ها بیرون
 شدہ است ، تجارب گرانہا کسب
 کردہ است ، سال ۱۹۸۱ ، سال
 پیروزی های جامعہ سوسیالیستی
 سال افزایش تولیدات و سال
 ہمبستگی و اتحاد با انقلاب جہا نی
 بود ، کمونسٹ ها با حملات
 دشمنان گوناگون مقابل گردید
 اما با روحیہ انقلابی برخورد نمود
 و میدان را پر دہ اند . سال ۱۹۸۱
 نشان داد کہ برای تصمیم مشترک
 و تأمین منافع و دفاع از دست آورد
 های سوسیالیستی هیچ شکی وجود
 ندارد برگزاری کنگرہ های احزاب
 کمونسٹ کشور های جامعہ سوسیالیستی
 افرادہای آزادہ مهمترین افرادہای
 اروپا و جہا نی بہ شمار میرود ہمہ
 کنگرہ ہادر فضای دموکراتیک با
 موافقت کامل برنامہ های
 اقتصادی ، اجتماعی خود را بہ
 تصویب رسانیدند و بدینترتیب
 گامی در راستای بہبود مادی و
 معنوی خلق خویش و تحکیم صلح



بابی ساننژ مبارز آیر لندی

تاریخی بشمار می‌رود این پدیده باز تاب آرایش جدید نیروهای طبقه‌ای وحدت مبارزه طبقاتی و تغییرمعینی در تکامل اوضاع و احوال سیاسی این کشور است. حزب سوسیالیست اکثریت کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد. حزب کمونیست یونان نقش اساسی را در راه سوسیالیسم ایفا کرده است و نتایج انتخابات نشان داد که وضع سیاسی نوین در این کشور پدید آمده است و قطب بندی نیروهای سیاسی به صورت جدی شکل گرفته است. حزب ترقی حوزه زحمتکشان قبرس «آکل» چهلمین سالگرد بنیان‌گذاری خود را جشن گرفت. حزب ترقی حوزه زحمتکشان قبرس نقش سترگی در مبارزه مردم قبرس با ی کپرده است.



کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماسکو

سری هم به افغانستان انقلاب پس زدند و خواستند وضع جهان را به و خامت کنند.

در سال ۱۹۸۱ مارگریت تاچر

صدراعظم انگلستان همخوان با سیاست ما چرا جویا نه رایگان باقی ماند و باعث شد که زحمتکشان انگلستان بانک اعتراض بلند کنند و حزب کارگر خواستار استیضاح خانم تاچر شدند.

لطفا ورق بزنید

کنفرانس رهبران هفت کشور عمده سرمایه داری، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان غرب، کانادا و جاپان دایر شد. مبصرین اظهار نظر نمودند که مذاکرات تحت فشار شدیدی ایالات متحده آمریکا برگزار گردید و نتایج را از خود بجا گذاشت. یکی از شوم‌ترین اهداف این نشست رهبران کشورهای عمده سرمایه داری بحث پیرامون به اصطلاح مساله کمپوچیا و مداخله در امور کشورهای مستقل بود و

تولیک‌های جمهوری‌ت خواه علیه قومیت بروستان‌های وفا دار به لاردهای انگلیس مبارزه دارند. بیروزی چشم گیر نیروهای دموکراتیک را دیکال در انتخابات پارلمان یونان رویداد پر اهمیت

در سال ۱۹۸۱ مارش صلح ۸۱ تحت سرپرستی قبرمان صلح کشور های اروپای شمالی براه انداخته شد شرکت کنندگان این مارش به یک هزار کیلو متر پیاده روی از طریق دینارک، آلمان غربی بلژیک و فرانسه آغاز شد. هزاران تن از اهالی بروکسل در برابر مقر «ناتو» علیه انباشت جنگ افزارهای هسته‌ای در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند و ریکان در برابر اعتصاب کارکنان کنترول هوایی از خشونت کار گرفت و ایشان را از کار اخراج کرد.

دردوره انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، فرانسوا میتران کاندید ریاست جمهوری فرانسه از حزب سوسیالیست بحیث رئیس جمهور جدید آن کشور انتخاب شد البته نقش کمونیست‌ن فرانسه در این بیروزی قاطع و مثبت بوده است.

در سال ۱۹۸۱ رسوایی رشوه کمپنی‌های بزرگ چند میلیتی موضوع خیلی جا لب‌بوده است و این مانده رسوایی لاکهید در آمریکا می‌باشد.

جنگ آیرلند یکی از تکان‌دهنده ترین رویداد های دوران مابه حساب می‌رود. در آیرلند از سال ۱۹۶۹ کال



تظاهرات و اعتراضات اروپائیان علیه مسابقه تسلیحاتی



تظاهرات جوانان در اروپای غربی

کرد. علت عمده این بحران، همان گرایش های جنگ طلبانه و مسابقه تسلیحاتی است. طبقه کارگرو زحمت کشان کشور های سر مایه داری به خاطر استثمار و غارت نیروی کار شان، سازمان یافته و به اشکال گوناگون به پیکار علیه نظام استثمار سرمایه داری پرداخته اند. رونا لد ریگان تلاش های مذبح حانه را برای پوشاندن انتقاد تی که علیه پروگرام های اقتصادی وی براه افتاده، انجام داد وی طی بیانیه اعتراف کرد به دلیل بالا بردن ربح بانکی تطبیق پروگرام های اقتصادی حکومت امریکا با موازین جدید رو پرو گردید و بدین ملحوظ باید مصارف بودجوی آن تغییر بخورد و قروض فدرال به يك هزار ملیون دالر رسید.

بابی سندز که با خواست اعطای حیثیت زندانیان سیاسی برای روزندگان در آیرلند شمالی به اعتصاب نخوردن غذا دست زد، جان سپرد، تدفین او با تشریفات شکوهمندی صورت گرفت مردم آیرلند شمالی سه روز سوگواری کردند، مرگ بابی سندز که در اثر بی اعتنایی نفرت انگیز حکومت لاردهای جبار انگلستان اتفاق افتید داغ سنگ افتضاح دیگری را به جبین مدعیان کاذب آزادی ودموکراسی کوبید.

بقیه در صفحه ۴۴

طی سال ۱۹۸۱ اوضاع کشور ر پولند در اثر تلاش های ثمر بخش حزب و دولت آرامش خود را به تدریج باز یافت، اقدامات جدی در راه برقراری وضع آرام به عمل آمد اتحادیه همبستگی از بین رفت و حکومت نظامی جهت برقراری نظم انقلابی و حفظ دست آورد های سوسیالیستی اعلان شد. بپاس یکصد و یازدهمین زادروز تولد ولادیمیر ایلیچ لینن رهبر سترگ اندیش کارگران و زحمت کشان بنیان گذار نخستین کشور سوسیالیستی جهان در سر سبزی جشن گرفته شد. مذاکرات بین لیونیو نید پریتز نشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و هلموت شمیت صدرا عظم جمهوری اتحادی آلمان چنین بازرس است طرفین در بین مذاکرات را روی اوضاع سیاسی اروپا و جهان متمرکز ساختند و بر صلح و جلو گیری از مصیبت اتمی و ایجاد فضای صلح و آرامش برای مردمان جهان تاکید شد.

کشور های سرمایه داری

کشورهای سرمایه داری اروپای غربی و امریکا در تب بحران می سوخت، جلوه های روشن آن نیز در کاهش فزاینده تولید، تشدید تورم و افزایش بی سابقه بیکاری و گرانی سرسام آور تبلور

عالی رتبه احزاب برادر و کشورهای مترقی گشایش یافت که در حیات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن کشور خیلی با اهمیت است.

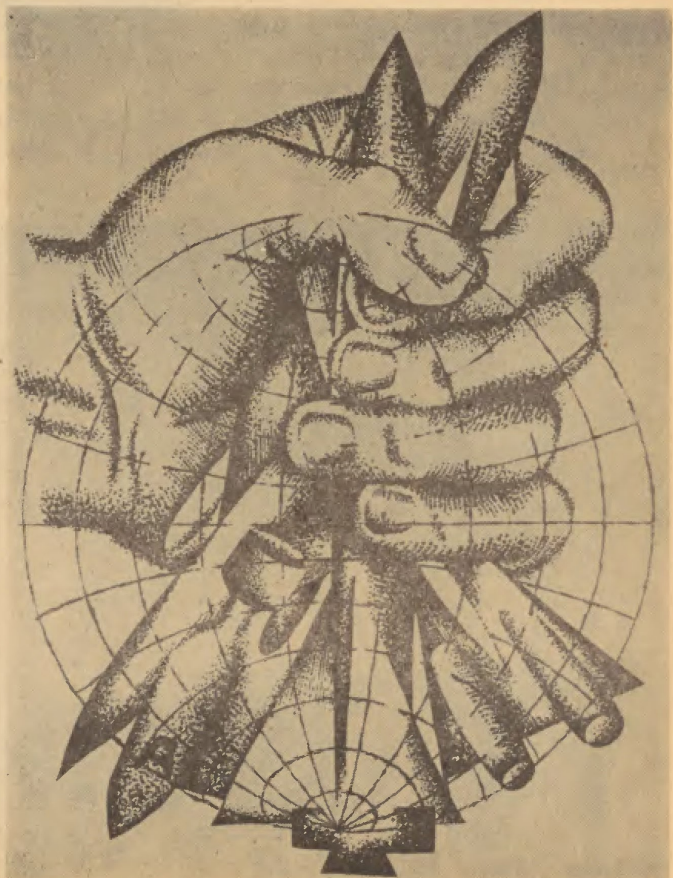
مین سالگرد تا سیس دو لت بلغاریا است که طی جشن های ملی تجلیل گردید.

شانزدهمین کنگره حزب کمونیست چکوسلواکیا در ۱۶ اپریل ۱۹۸۱ گشایش یافت این کنگره تصمیم بزرگ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی راتصویب نمود.

هیات رئیسه اکادمی علوم شوروی مدال طلایی کارل مارکس برای سال ۱۹۸۱ را به گوستاف هوساک منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست چکوسلواکیا و شخصیت پر جسته جنبش جهانی کمو نیستی اعطاء کرد.

دهمین کنگره حزب کمو نیست متحده آلمان ۱۱-۱۶ اپریل ۱۹۸۱ در برلین دایر شد نتایج کنگره نه مورد مطالعه قرار گرفت و اجرای وظایف جدیدی که در برابر حزب دولت قرار دارد، تاکید گردید، کنگره بر نامه ترقی و پیشرفت پنج سال آینده را بررسی کرد.

هژدهمین کنگره حزب انقلابی مردم مفلستان در اولناتور مرکز آن کشور با شتراك نمایندگان



کشور های سوسیالیستی بصورت واقعی علیه مسابقه تسلیحاتی مبارزه می نمایند

این رسم تست که ایستاده بگیری

ما فتح میکنیم
ما فتح می کنیم
با غهای بزرگ بشا رت را
با خون و خنجر خفته درخونمان
با آیین گوشت و گلوله و مرگ
و شلیک فریاد
سپیده دم روز ۲۸ دلو ۱۳۵۲،
خسرو گل سرخی را به «میدان
اعدام» بردند، مزدوران ساواک
دورش را گرفته بودند، گویی
از پیکر نحیف شکنجه دیده اش
نیز هراس داشتند، در میدان تیر
چیتگر تهران، گل سرخی از جلا
دا نش خوا هش کرد، چشمهای
او رانه بندند، میخواستند او را پسین
بار، طلیعه خورشید را به بیند،
تیسری بر لب داشت و پیشانی
بلند کم موی او، مثل همیشه،
آیت مناعت بود، هنوز زمین
لرزه آخرین دفاعیه او حس می
شد:

«...صدای من این دیوارها را
خواهد شکافت، شما نمیتوانید،
این صدا را، مثل جسد سو راخ
سوراخ شده من در خاک پنهان
کنید.»

و همینطور هم شد، سالها،
پس از شهادت او، درخیمان شاه،
اسم و رسم او را به بند کشیدند و
شعر و غزل او را زیر گیسو تین
سایر نهادند، اما هرگز
گل سرخی فراموش نشد، انگار
شیخ او در کارخانه ها، مدرسه
ها و روستاها سفر می کرد و

حما سیه شهادت او را به گوش
با د زمزمه میکرد و باد به پرند
می گفت و پرند ه به گند مزارو
گند مزار این قصه را به دشت های
شقایق می سپرد... تا سالهای
دیگر که خلق، بیمه راس، نام
نامی او را به دیوارهای شهر
نوشتند، همانطور که خود شاعر
خلق پیشگو نبوده بود:

**روزی که خلق بداند
هر فطره خون تو محراب میشود**
کدام شاعر، به شکوه گل سرخی
می تواند، از آن سوی دیوار، از
شهر شهادت، به شهر وندان
اسیر پیام پامردی بدهد،
انکار میخواست به چهره
زمینگیران بیدست و پا، در یوزه
گران حقارت، تا زیانه بزند:

((تورفتی
شهر در تو سوخت
باغ در تو سوخت
اما دودست جوانات
—بشارت فردا—

هر سال سبز می شود
باشاخه های زمزمه گر
در تمام خاک
گل می دهد
گلی به سرخی خون!

گل سرخی، شاعر انقلابی
خلق، در شعرش زیست و در
شعرش ابدیت یافت، شعر
برای او سرگرمی نبود، گردش
را با طناب «قافیه» نه بسته
بود و برای خریدن واژه های

زیبا و خیال انگیز، به سراغ
عتیقه فروش ها و جواهر
فروش ها نمی رفت، تمام کلمه
های شاعرانه او، همه افزار
ترانه و ترنم او از محلات جنوب
شهر، از حقیرترین کوچه
های زندگی برداشته شده
بود.

گل سرخی «مرد عمل» بود و شعر
را برای گردن افراشتن در محافل
روشنفکری نمی گفت، با رها
«شعر و خنجر» را قافیه ساخت،
در همان حال با و رداشت که
هیچگاه شعر مانند خنجر پرند
نبوده است:

«...لطفا آیه های روشنفکرانه
را مانند کاه و علف جلو ما نریزد.
چرا شعر نباید شعار باشد، در
جایی که زندگی کمترین شباهت
هتی بخودش ندارد، این
کفر است که دنبال شعر ناب و
جوهر سیال، سینه چاک دهیم،
من به نفع زندگی، از شعر
این توقع را دارم که اگر لازم
باشد، نه فقط شعار، بلکه خنجر
و طناب و زهر باشد، گلوله
و مشت باشد...»

در عظیم ترین دوران تاریخ
کشورش، آنجا که دستگاه های
عظیم تبلیغاتی، پاسداران فرهنگ
رو سپیگری، عقل و ایمان
توده ها را دزدیده بودند، گل سرخی
با شعرش، به «افشاگری» پرداخت:

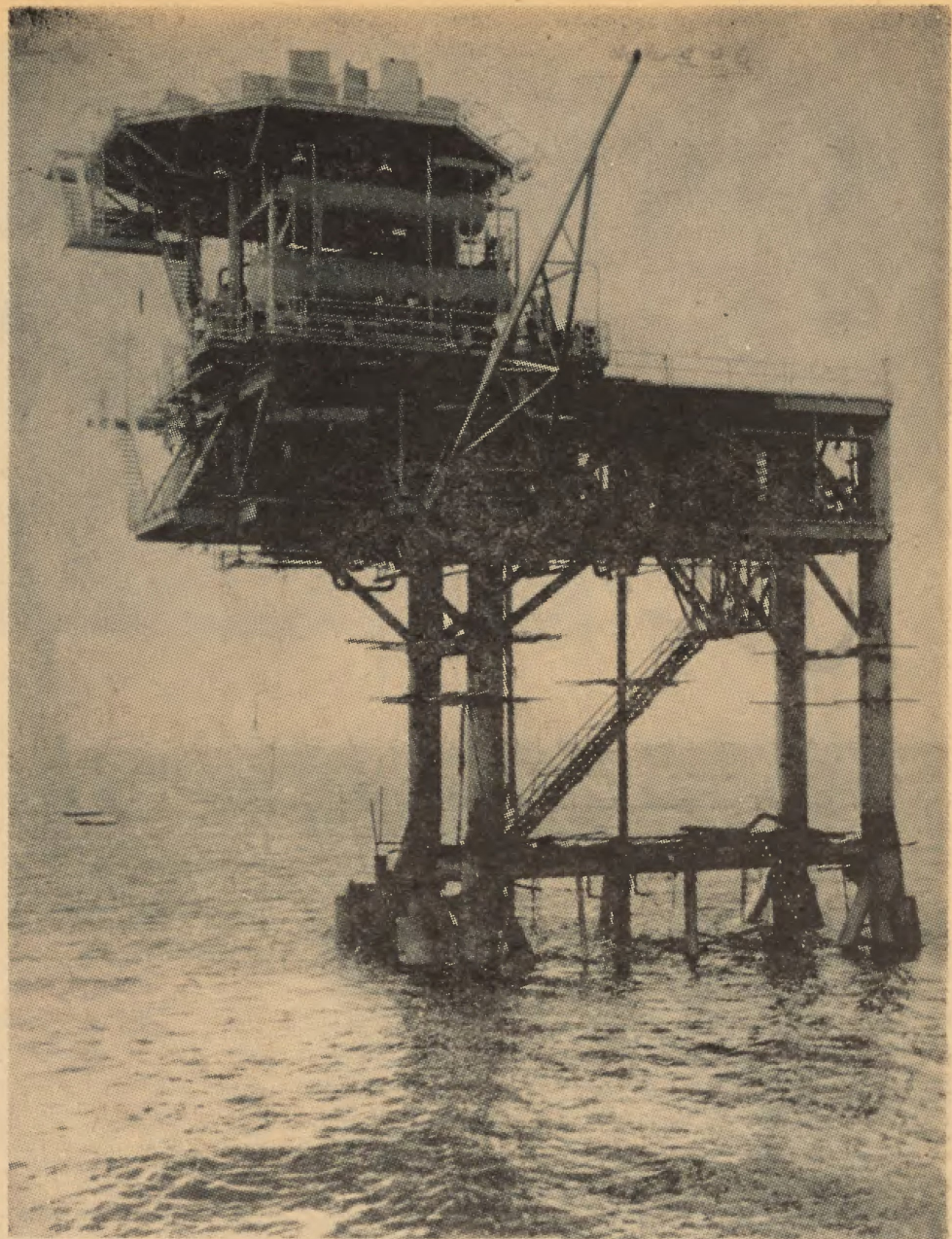
«این سرزمین من است
که می گریه
این سرزمین من است
که عریان است
باران اگر نیامده
چند ایست
آن گریه های ابر
کجا رفته است؟!

عریان کشتزار را
با خون خویش بپوشان!
شعر او مانند گلوله بی، در
تیمه شبان خاموش، خواب
راحت درخیمان را به یغما می برد،
سکوت سپهگیران دروغین تر از
میدان شت و چنین بود رسالت
شاعری که سجده گاه او مردم
بود:

«من با سیاهی دو چشم سیاه تو
خواهم نوشت
بر هر کرانه ای این باغ
دستی همیشه منتظر دست دیگرست
چشمی همیشه هست که نمی خوابد...»

او نسل نو پای کشورش را با
شعر تازه بی آشنا ساخت شعر
«زیستن در مرگ...»
هر بار ابیاتی از شعر بلند مایا
کو فستی را که برای مرگ
لنین سروده مرور می کنیم، بیاد
گل سرخی می افتد:

«در وجودم خنده بی نه،
بل اندوه جانکاهی است،
می بنمت -
بقیه در صفحه ۵۰»



گوشه‌ای از تاسیسات برمه کاری درچاه های مناطق ساحلی بمبئی-هند

ترجمه غیور

جستجو برای استحصال نفت

در کشور پهناور هند

در طی سالهای (۱۹۷۰-۱۹۷۵) در حدود (۶۱-۶۴) فیصد تیل مورد نیاز هند از کشورهای خلیج تهیه و تدارک دیده شده و اما در طی سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) مقدار تیل مورد نیاز آن کشور به (۶۳) فیصد بالغ گردیده است.

طبق یک راپور دیگر حجم وارداتی تیل در کشور هندوستان در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) با التریب به (۲۵۱۶) و (۷۱۶) میلیون تن بالغ شده در حالیکه این مقدار در طی سالهای (۱۹۷۳-۱۹۷۴) با ۱۶۱۷۴ و (۱۳۸۷) و (۲۵۵) میلیون تن ارقام داده شده است. بامقایسه نمودن حجم اسعار و وارداتی آن کشور میتوان گفت که خریداری نفت خام و مرکبات آن در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) به (۵۱۷۶) کروڑ کددار هندی و در طی سالهای (۱۹۷۴-۱۹۷۹) به (۳۲۱۳) و (۵۴۱) کروڑ کددار هندی بالغ شده است. بادر نظر داشت ارقام فوق الذکر حکومت هند تجویز گرفته است تا حجم وارداتی نفت خام و مرکبات آنرا از کشورهای خارجی کاهش دهد. برای برآورد ساختن این هدف یک سلسله تحقیقات و تفحصات در سواحل ابحار و نقاط مرکزی کشور پهناور هند آغاز گردیده است.

تاریخ کشف و بهره برداری از ذخایر نفت در هند به قرن (۱۹) میرسد و برای اولین مرتبه در طی سالهای (۱۸۶۶-۱۸۶۹) در سواحل شرقی آن کشور در نواحی آسام امور بهره کاری و حفارچاه های نفت صورت گرفته است، در چاه اول در ناحیه «ماکوم» در عمق کمتر از (۳۶) متری زمین نفت خام بدست آمد لیکن نفت متذکره برای امور مارتنگ و استعمال قابل استفاده نبود.

پس در سال (۱۸۸۹) میلادی در ناحیه دیکبای ایالت (آسام) بمقادیر زیاد نفت در سطح تجارتی کشف و مورد بهره داری قرار گرفت. به تعقیب آن در ایالت آسام

مجبور شدند تا تیل مورد نیاز خود را از معادن و ذخایر کشورهای آسیای غربی تهیه و تدارک ببینند و کشور پهناور هند نیز از این امر مبرا نبوده است. طبق گزارشات مطبوعات هند

با بلند رفتن قیمت فی بیرل تیل خام از یک اعشاریه سی دالر در سال (۱۹۷۳) به فی بیرل (۳۶) دالر در سال (۱۹۸۰) فرخ پترو-لیوم خام در بازارهای فروش در طی کمتر از هشت سال اضافه

يك شرکت تیل تا سپس گردید در سال (۱۹۲۵) زیر نظر کارکنان شرکت تیل «برما-ایل» کشفیات جدیدی در رشته استحصال نفت بعمل آمده و این کار تا اوایل سال (۱۹۵۳) ادامه پیدا نمود بعد از سپری شدن مدت چندی در ایالت «اسام» دو چاه دیگر نفت در نواحی «نشر اکارتیا - موران» کشف و مورد بهره برداری قرار گرفت. در سال (۱۹۵۶) از طرف حکومت هندیک کمیسیون مشترک برای استحصال نفت، تیل و گاز تا سپس و بکار انداخته شد که اینک امروز بحیث یک مرکز عمده و بزرگ برای تفحصات و استحصال نفت در سواحل ابحار و مناطقی فعالیت است، در سالین اول در نقاط مرکزی و شرقی هند برای تشخیص، ثبت، استخراج استحصال نفت یک سلسله پروگرام های سروی جیالوژی و معادن بعمل آمد و در آن زمان به استثنای بنگال غربی که یک پروژه مشترک «اندو - ستانواک» در آنجا تحت اجرا قرار داشت در متباقی حصص نفت خیز آنکشور پروگرام های سروی معادن و جیالوژی در مروض تطبیق قرار گرفت.

نخستین چاه تیل در سال (۱۹۷۵) در ناحیه «جوالا ماخی» حفر گردید و متعاقب آن در ماه می سال (۱۹۵۸) گاز طبیعی در محل متذکره استحصال گردید و اما باید گفت گاز استحصال شده خیلی محدود بود و برای امور تجارتی آنقدر مساعد نبود. مجدداً در طی همان سال در ناحیه «گامی» واقع در سواحل غربی گجرات و همچنان ناحیه «وسانگ موخ» در نزدیکی سواحل اسام دو چاه جدید برای استحصال و بهره برداری نفت خام حفر گردید.

در اثر کاوشهای علمی و تفحصاتی برای اولین مرتبه تیل از چاه «گامی» در ماه سپتامبر سال (۱۹۵۸) بدست آمد. به تعقیب آن استحصال و بهره برداری نفت خام از چاه های آنکشور در سال (۱۹۶۰) کالول در سال (۱۹۶۱)، لکوا در سال

(۱۹۶۴) و گیلی کی در سال (۱۹۶۸) ایالات گجرات و اسام شروع گردید. با در نظر داشت این نوع فعالیت ها ایالات گجرات و اسام برای اولین مرتبه بحیث دو محل عمده و بزرگ نفت خیز در کشور پهناور هند شناخته شد و باید گفت که به استثنای یک چاه کوچک نفت خام در نکالند دیگر در هیچ یکی از نقاط آنکشور چاه های نفت بسوی تجارت و مارکتینگ تدارک دیده نشده است. طبق راپورهای واصله در حال حاضر در کشور هند سالانه اضافه از هشت اعشاریه پنج میلیون تن نفت تولید و مورد استفاده قرار میگیرد. باید گفت که در طی چند سال اخیر از فعالیت های تفحصاتی در مناطق ساحلی آنکشور در سکتور استحصال

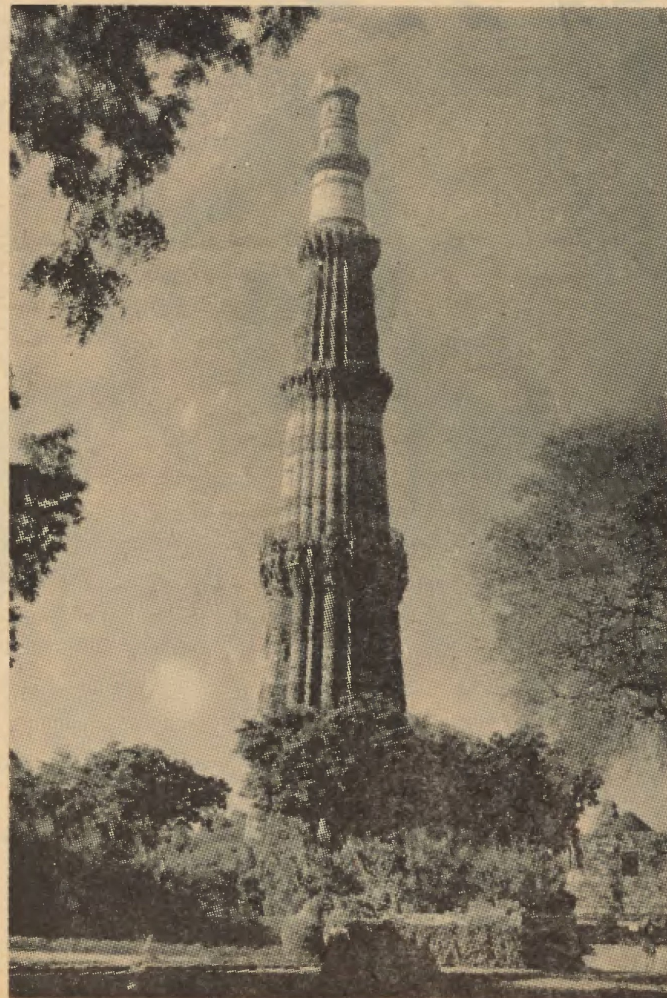
و بهره برداری از نفت خام نتایج مطلوبی بدست آمده است چاه نفت خیز یک در سال (۱۹۷۶) در سواحل بمبی کشف و مورد بهره برداری قرار گرفت یکی از عمده ترین چاه های نفت خام آنکشور در دهه (۱۹۷۰) بشمار میرود. طبق راپورهای که در مطبوعات هند انتشار یافته سالانه مقدار بیش از هشت میلیون تن نفت خام درجه اول از این چاه ها استحصال میگردد. طبق همین راپور بتاریخ اول جنوری سال (۱۹۸۱) حجم بهره برداری و استحصال نفت خام چاه های مناطق ساحلی و مرکزی هند به اضافه از (۲۴۶۳) میلیون تن و مقدار گاز از آن جمعاً به (۸۴۰) میلیون مکعب متر راپور داده شده است که از این رقم حجم تیل استحصال شده ای چاه های

ساحلی به (۱۷۷۲) و مقدار گاز این سواحل به (۷۴۰) میلیون مکعب متر بالغ میگردد. به قول راپورهای سروی جیالوژی گفته میشود که مقدار تیل و گاز چاه های اکتشافی و تحت مطالعه همین اکنون سالانه به (۳۳۸) میلیون تن نفت درسواحل ابحار و بیش از (۱۰۲) میلیون تن نفت در سایر مناطق آنکشور موجود بوده است و همچنان مقدار گاز تحت مطالعه و پروژهای تفحصاتی در سواحل سالانه به (۲۳۹) بلین مکعب متر و در مناطق مرکزی به بیش از (۲۶) بلین مکعب متر بالغ گردیده است.

با در نظر داشت نرخ تیل در شرایط امروزی مقدار نفت خام چاه های ساحلی و سایر مناطق آنکشور که همین اکنون سروی شده و آماده استخراج بوده است به (۱۲۰) هزار کرور کلداز هندی بالغ میگردد.

موسسه استخراج و تفحصات هند برای سروی معادن و جیالوژی آنکشور در ده سال آینده یک پلان تفحصاتی را طرح و روی دست گرفته است. در این پلان آمده است که برعلاوه سایر مناطق حتی در ایالات اسام و گجرات نیز امکان بهره کاری و استخراج نفت. موجود است که تعداد مجموعی چاه های سروی شده همین اکنون بین ۲۱۶ - ۴۹۰ بالغ شده است. علاوه بر آن در یک عده از سواحل خورد و بزرگ دیگر آنکشور نیز شرایط و امکانات مساعدی برای انجام امور بهره کاری و استخراج نفت موجود می باشد. در حالیکه تا اکنون در سواحل و مناطق گجرات و بخصوص حوزه «کوجی» چاه های متعددی کشف گردیده است در اعماق زمین در این محل زمینه خوبی برای بهره کاری مزید در جهت استخراج نفت موجود است، کشف مقادیر زیادی را کار طبیعی در عمق های مختلف در منطقه «دهاج» از یک آینده روشن و نوین مژده میدهند. گذشته از آن بر طبق راپورهای سروی معادن و جیالوژی در سواحل شمالی و موزة

بقیه در صفحه ۴۴



مینار قطب در دهلی جدید

برای شما باید گزیده ایم :

این هفته از ادبیات فرانسه

فریب خورده

اثر آندره مورو

این داستان از میان بیش از یکصد داستان این نویسنده برای شما برگزیده شده است

پیوسته گذشته

سراغ داشته باشد. بلکه فکر می کرد نگاه تازه دیگری بعضی معایب را بهتر درک می کند، من هم با میل می رفتم، چون کار فعال و محیط صمیمانه پشت پرده نمایش را دوست میدارم، تمرینی که آنروز دادم آشفته تراز همیشه بود، ظاهر ا فابر از

جریان تمرین رضایت نداشت، گفت :

— نمی دانم چه شده، کار پیش نمی رود... ژنی که معمولا به اشاره پی منظوم را درک می کرد، این بار سرکش و متعمر شده است و این موضوع از او عجیب است، خلاصه دوست عزیز ناراحتم همین اکنون خودت خواهی دید.

هنر پیشه پی آمده روی صحنه پی که تقریبا خالی بود، مقابل میزی به سبک دوره ناپلیون نشست، او در نقش فابر بازی می کرد، صحنه ی کوچکی بامنشی تشکیل دادند، منشی ورود بازیگری را که قرار بود در نقش من بازی کند، اعلام کرد، به

نمایش است، عمده گفتگوهاست و در مورد ترتیب دادن گفتگوها من واهمه پی ندارم. از او پرسیدم : — خانم آستیه چه شد ؟

— کدام خانم آستیه ؟ — همان خانمی که همسفر ت بود و الهام بخش این نمایشنامه است؟ — آها «به پیتا» را می گویی، این نامی است که در اسپانیا به او دادم، زن خوب پی بود.

— زن خوب پی بود، مگر چه شده ؟

— قضیه کاملا تمام شده است، حتما رفته است نزد «به پی تو» اما در نمایشنامه زن فریب خورده دوباره ظاهر می گردد.

* * *

تابستان سپری شد، در ماه اکتبر شنیدم که نمایشنامه «زن فریب خورده» را تمرین می کنند. فابر اغلب از من می خواست که در تمرین نمایشنامه او شرکت کنم نه به آن سبب که در من صلاحیت خاصی

ژولیت یعنی «اورت» درصدد تلافی انتقام است، ولی بعد در آخرین لحظه به خود می آید و علی الرغم کینه پی که دارد، عشق پیروز می گردد.

— عشق به تو ؟

— طبیعی است، اما برده سوم، به نظرم میرسد که باید رفقیه قهرمان و شوهرش را نیز وارد صحنه کنیم شوهر در فکر انتقام است و لسی، ژولیت با شما مت تمام خودش را بین او و رفقیه خودش، یا بین او و قهرمان می اندازد و قهرمان یعنی مرا نجات میدهد.

— به نظرت نمایشنامه کمی هیجانی نشده ؟

— در گفتن و بیان هیجانی معلوم می شود، ولی ارزش کار در پیاده کردن این هدف هاست، قهرمانان نمایشنامه من امروزی هستند، به زبان من و توصیف می کنند و درست رفتاری مثل همه ی ما دارند، هیجان در نمایشنامه بد نیست چون اساس

— کدام نمایشنامه را ؟ — همان را که با هم در باره اش صحبت کردیم، این نمایشنامه با صحنه پی از تو شروع می شود، عنوانش «زن فریب خورده» است، پرده اول نوشته شده، البته نوشتنش مشکل نبود، واقعیت زندگی اساس کار را فراهم ساخته بود. — واقعیت زندگی؟ خیلی خطرناک خواهد شد، حتما صورت اصلی قضا یا را عوض کرده پی ؟ — خوب البته، به کار خودم آشنا هستم، عوض کردن صورت قضا یا غریزی است، از قهرمانی یعنی از خودم، یک نقاش چیره دست درست کرده ام، از تو که در نمایشنامه «برنار» خطاب می کنم، یک آدم احساساتی، و لی جزئیات قضایا همه عوض شده، اشکال کار در پرده دوم است، فکر می کنم این گونه تر تیش دهم که «برنار» در صدد سوء استفاده است و در مرز موفقیت نیز قرار گرفته چون

وژنی در روی صحنه بیتا بی می وگفتم: میا یم. فابر را که شدیداً بر افروخته انتظار ما را می کشد، رهنمای سالن میپوست و ژنی در بالای آن کرد:

سمیاید یا نه؟ چون من... شده بود به طرف پله های مو قوت کردم. یا سخ او را من به عهده گرفتم که در مدت تمرین، صحنه را به بقیه در صفحه ۳۷

شنیدن صدای او حالت خاصی را درخودم احساس کردم، فابر ازهمه تکیه کلام های من بهره برداری کرده بود و بعضی از حرکات عادی مرا به باز یگر آموخته بود، گفتگو ها ساده، طبیعی و سریع بود، بعد ژنی وارد صحنه شد، با رغبت شور انگیزی گوش می کردم، می خواستم بدانم فابر این صحنه را چگونه به درك گرفته است، منکه میدانستم موضوع از چه قرار است و لی او گمان کرده بود که يك اوات «ژولیس» نومیهد و در مانده به فداکاری در د ناکی گردن نهاده است، ز برادر صحنه بی کی ژنی در برابر ما اجرا کرد، از زبان ژولیس چنین گفت: «شما نمی توانید بفهمید سعادت او سعادت من و خوشی او خوشی من است.»

ژنی، چنانکه فابر هم به من گفته بود نمی توانست لحن کلام راتا اخیر نما یشنا مه نگهدارد، دوسه بار فابر سخن ژنی را قطع کرد تا از او بخواهد با شور بیشتری بازی کند، ظاهراً باز یگر می کوشید، اما موفق نمی شد، آنگاه عصبانی شد و با ایراد تازه نویسنده نما یشنا مه بر افروخته گردید، به جلو صحنه آمد و با نگاه به جستجوی فابردر میان سالون پر داخت.

دو بر کجایی؟ بلی دید متان، کی با تو ست؟

— بر تر ان. —
— بهتر لطفا هر دو نفر بالا بیایید، باشما کار دارم.

فابر گفت:

— حالا ادامه دهید، پس از تمرین خواهیم آمد.

— خیر، تمرین دنبال نخواهد شد من نویسنده باید موضوعی را روشن کنیم و تا موضوع روشن نشود من از بازی خود داری می کنم.

فابر بالحن قاطعی به من گفت:

— زنکه دیوانه شده! —
چرا دیوانه؟ ژنی هوشمندترین وظیفه شنا س ترین باز یگر پاریس است، باید گیش را شنید. چه می خواهد بگوید؟ او باید نقش خود را، آنطور یکه نما یشنا مه تعیین می کند، ایفاء کند، همین و بس، من نویسنده مبتدی نیستم که نیاز مند پند و رهنمای بازیگران نما یشنا مه ام باشم.



هنرمند



ملك شير محمد خان صافي

تساوی حقوق اقوام و ملیت‌های

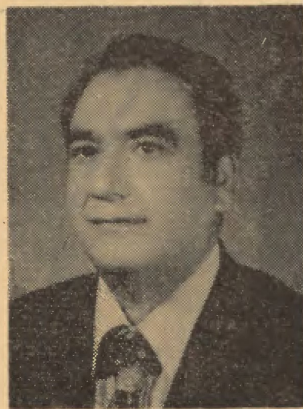
کشور یا دست‌آور ددیگری

از هر حله نوین انقلاب شکوهمند ثور



امروز در کشور ما هیچگو نه‌موا نعی در امر اجرای مرا سم دینی و مذهبی وجود ندارد.

اوس پښتنو قومونو او قبايلوته تايته شوی ده چی جنگ د شه شی لباره دی .



مهر چند و رما رئیس عمومی
اتاق های تجارت

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بحیث روح پیداد با عظمتی در کشور اخیراً دایر گردید بالای حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم ما ارزش خاصی را حایز می‌باشد، طی این پلینوم با اهمیت در حیات زحمت‌کشان میهن مصوبه به تصویب رسید که در آن به حل بنیادی مسئله ملی و برابری حقوق ملیت‌ها و اقوام ساکن

راپور تر مجله در ارتباط بر محتوای ارزشمند این مصوبه با تنی چند از نمایندگان اقوام و قبایل پښتون و نمایندگان اقلیت‌های ملی مذهبی کشور به پای صحبت نشسته گفت و شنودی را در زمینه عمل آورده است که در ذیل توجه شما را بدان جلب می‌نمایم .



ملك تكي خان دوزيرستان
اوسیلونکی

ملیت‌های بلاکشیده میهن‌مآمی باشد حزب دموکراتیک خلق افغانستان از هفده سال بدین سو در راه محو ظلم، استبداد و تبعیضات استثنای مبارزه ملی و تبعیضات استثنای مبارزه بی‌گیری نمی‌آید و محو کامل هرگونه تبعیضات هدف عالی آن را تشکیل می‌دهد .

کشور عزیز ما افغانستان که از لحاظ ترکیب خود متشکل از ملیت‌ها و اقوام مختلف می‌باشد در شرایط کنونی به رشد و انکشاف مادی و معنوی باشند - کان آن ضرورت مبرمی احساس می‌نماید .

خوش بختانه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص مر حله نوین و تکاملی آن در جهت سعادت و بهبود حیات و تحقق آرمان‌های دیرین همه زحمتکشان کشور اعم از اقوام قبایل و ملیت‌های مختلف کشور توجه جدی مبذول میگردد .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان حتی در زمان استبداد شاه‌ها از طریق پارلمان‌خواه ستارپایان بخشیدن به ستم ملی در برابر ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور و تأمین حقوق مساوی آن‌ها گردیده بود .

در پرتو پیروزی مر حله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور در نظر داشت مفکوره عالی انسانی فوق حزب و حکومت به یک سلسله اقدامات و سیمیه در جهت بهبود وضع مادی زحمتکشان متشکل از اقوام و ملیت‌ها

مهر چند و رما رئیس عمومی اتاق‌های تجارت در مورد نقش مصوبه هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمینه حل بنیادی مسئله ملی و تداویری که در این زمینه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در فر و غ پیروزی مر حله نوین و تکاملی انقلاب آزادی بخش ثور برای اجرای این مأموریت‌های دست‌گرفته شده است چنین ابراز نظر کرد :

مصوبه پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحق انعکاس دهنده خواسته‌های مقدس و با ارزش

های مختلف کشور دست یا زیده است. به برکت اتخاذ تدابیر حزب و حکومت اکنون جرایدی به زبان های از بکی، ترکمنی و بلوچی به نشر می رسد و بالآخر مصوبه پلینوم هفتم در نظر است تا برای نشر جراید بزبان های ملیت های مختلف در مراکز ولایاتی که قبلا در آن ها چنین جرایدی نبود آمادگی گرفته می شود و همچنان تدریس در مکاتب و نشرات را دیوانی بزبان های ملیت های مختلف افغانستان آغاز گردیده است.

پلینوم تصویب نموده است تا تدابیر جدیدی در جهت تأمین تساوی حقوق و همکاری میان ملیت و اقوام کشور بعمل آید و برای برآورده شدن این مامول سیستم وسیع و تدابیر اقتصادی و اجتماعی و سیاستی طرح و تحقق یابد، البته در ساحت اقتصادی تصویب پلینوم هفتم هدایت می دهد تا در رشد سریع مناطق زیست آن ملیت ها و اقوامی که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته اند توجه جدی مبذول گردیده و برای بهبود زندگی آن ها از جهت اموال مورد ضرورت اولیه تسهیل فر و شش محصور لات عنعنوی آن ها و استقرار قیم عادلانه برای آن ها تدابیر لازم اتخاذ گردد.

موصوف پیاپی سخاوت این سوال که آیا در شرایط فعلی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان کشور ما بخصوص برای اقلیت های کوچک مذهبی چه آزادی هایی داده شده است و حقیقت این امر چه تفاوتی با تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب نور دارد گفت:

حزب و دولت انقلابی ما با وجود فشار سنگین تحریکات و مداخلات بیشتر مائتد معاضل ارتجاعی، هرگز مو نیستی و امپریالیستی در امور داخلی کشور ما توانسته است در جهت تثبیت، تحکیم و توسعه دست آورد های انقلابی و گام های بلند ی بردارد. تضمین آزادی عقیده و اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان آزادانه یکی از دست آورد های بی نظیر انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن می باشد.

وی گفت: امروز در کشور ما هیچگونه موانعی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی وجود ندارد و همه باشندگان کشور ما در مسایل عقیده و مذهبی خود آزادی عام و نام دارند و این دشمنان انقلاب نور است که حقایق مربوط به وطن، مردم و جامعه ما را وارونه جلوه می دهند و می خواهند افکار جهانیان را در مورد حقایق مربوط به کشور ما مغشوش سازند و بدین ترتیب با استفاده از وسایلی گوناگون مانع عدم پیشرفت میهن و جامعه ما گردند.

ولی مردمان آزاده ما دیگر فریب نمی خورند و حقایق مربوط به وطن انقلاب و جامعه خویش را از نزدیک مشاهده می نمایند و بر تبلیغات چنان ارتجاعی و امپریالیستی که بر ضد مردم ما در و غیرا گنمی نمایند فریب نمی فرستند.

ملک تکی خان یکی از نمایندگان اقوام و قبایل پښتون راجع به اینکه دولت های استعماری گذشته به منظور برآورده ساختن اهداف ننگین خود چگونه سیاستی را برای انداختند و میان مردمان آزادی پسند

سرزمین ما چه خصومت های را ایجاد می نمودند گفت:

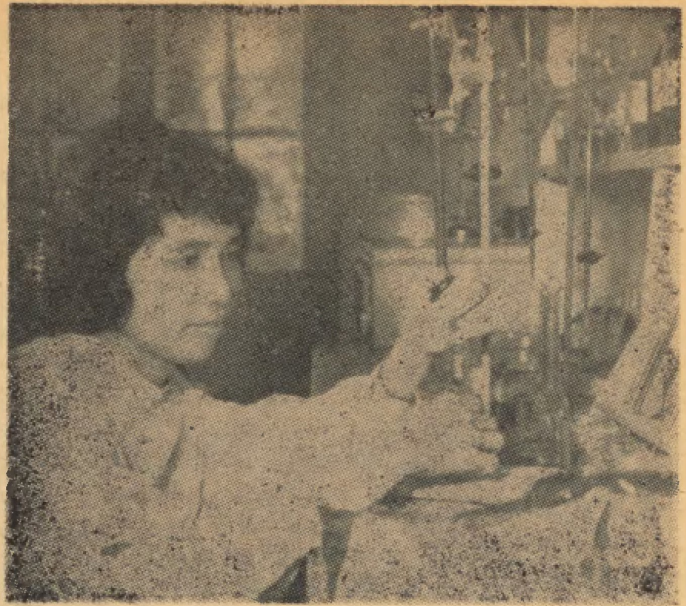
پخوانیو استعماریدو لتونو ته د پو لو هه مېهه لاره دافغانستان پر ضد داوه چی ((بی اتفاق سی و اچوه او حکومت و کړه)) بل دا چه ملی او سیاسی رهبرانو پر ضد ئی د بدبینی زهر آگین تبلیغات خپرو ل، ترڅو پخپل ولس کی ددوی نقش کم کړی او خلک ورت په لمړی قدم کی متفرکړی لکه دافغانستان په آزادیمین امیر امان الله خان پر ضد د انگریزانو تبلیغات چه وروسته دافغانستان خلکو پو هیول چی امان الله یو وطن پرست پاچا وو خو نور دامان الله خان په باره کی آرمان او افسوس له وخت نه تیر شوی وه، خو څه شی چی خلکو ته د تل د پاره خړ گند شو هغه دا وه چی انگریزانو دزا په استعمار په حیث دافغانستان د خلکو لمړی درجه دشمن دی چه نن په نوی رنگ زموږ د هیواد د خلکو د تحریکولوپاره د نوی استعمار د ستر با دار امریکا سره را مخکښی شوی دی. نو موږ ی زیاته کړه:

د نور ملی او دموکراتیک انقلاب په کامیابید و سره وطن دایدی خو شپڅی خوا ته قدم واخیست خو دیر ژر د انقلاب بدنبه پر مختک په لاره کی خنډونه پیدا شول، ملت بی ځا په تحریک شو چی په نتیجه کی څار چی دشمنانو او په وطن کی د ننه زر خریدلو ته زمینه برابره شوه چی شه گته و رڅخه واخلی، خو خو شپڅتا نه د انقلاب دد و هم تکاملی پراو یو ځل بیا د خلکو پر زخمونو پټی کیښو دی او د ملت خلکو ته په وار وار سره دخیلا کو لو د عدالت در سونه ورکړل

اولا و رکوی بی. په هر صورت د پښتنو قومونو او قبایلو لپاره په اوم پلینوم کی تصویب شوی سند چی متن یی درادیو او تلو یزیون له لاری و او رول شو یو ځل بیا پښتنو قومونو اوقبال یلو ته دافغانستان او سوسی انقلابی حزب او دولت نا بته کړه چی د پښتنو قومونو او قبایلو تاریخ، دود او رواج (جرومرکو) ته دیوه تاریخی اصل په حیث گوری او زیات ارزښت و رکوی او ددی د سیاسی حق حقوقو، اجتماعی او اقتصادی او فرهنگی مسایلو لپاره خاصه پاملرنه لری.

ملک شیر محمد خان صافی ددی موضوع په هکله داسی وویل: اوس پښتنو قومونو اوقبایلو ته داخبره ثابته شوی ده چی جنگ دڅه شی لپاره دی آیا مذهبی چکه ده یا سیاسی، نورڅو کدمد هب په نوم نه غولین ی ځکه هرڅوک پوهیدلی دی او پوهیږی چی د اسلام ددین زمه وار پخپله خدای (ج) دی نه امریکا، چین مصر، سعودی عربستان، انگریز او نور.

نو پو لو پښتنو قومونو اوقبال یلو ته دا ضرورتی چی د وطن د آرا می په خاطر راپور ته شی جرگه او مرکه وکړی او یو ځل بیا د پښتنو ددغه منل شوی اصل په نوم د وطن د آرا می فیصله وکړی او د جرگی او مرکی اهمیت لانو رهم د تاریخ په پاڼو کی تازه کړی، د خپل انقلابی دولت او گوند سره دی ملاتړ شی، هر دول دشمنانوته دی ځواب و رکړی ترڅو پلار وطنه ملی جبهه ورو وروقت واخلی او په نتیجه کی ملت اوخلک آرامه شی.



دکتر هوتک انج مایکروبیالوژیست به نسل جدید زنان کارگر ویتنام تعلق دارد.

از مجله و می

مترجم وکیل

پنجده سال مبارزه زنان ویتنام قهرمان برای صلح و مساوات

تاریخ زنان ویتنام با تاریخ هزار ساله بادر نظر گرفتن مشخصات مراحل مختلف اعمار و دفاع آن کشور ارتباط نزدیک دارد. مبارزه زنان رادر اتحادیه های متنوعی چون مبارزه آزمون شده زنان ویتنام علیه متجاوزین اتحادیه زنان برای آزادی - اتحادیه زنان خارجی، قهرمانی - وطن پرستی - وفاداری دموکراتیک اتحادیه زنان اتسی امپریالیست و تجربه انقلابی آنها یکی از افتخارترین عنصرت گردهم آورده بصورت متناوم تلاش بشعور مردم ویتنام بشمار میرود.

دراوایل قرن بیست زمانیکه مردم ویتنام طبقه کارگر در فائیکات جنبش های دهقانی در تحت استثمار و تنظم استثمار یون فرانسوی کشور درکوه هاو فریه جات تسویق و ترغیب و فیدوال هابسر میردند - زنان چه در

فامیل وجه در جامعه از توهین بی جلو حصر رنج میردند. چون زنان نمیخواستند بیش ازین مورد تبعیض قرار بگیرند بهین دلیل بود که اکثریت شان به جنبش های وطن پرستانه پیوستند.

اتحادیه زنان ویتنام که در سال (۱۹۳۰) منع گداشته شده - توانست به اسرع زمان تعداد وسیعی از زنان را بشود جلب نموده و دور نمای جدیدی رادر مبارزه افکانه بسویه ملی اعراض نماید.

این سازمان از طرق متعدد و غیر عنعوی به تاسیس بنیاد های انقلابی سهم گرفتند.

آنها نشنبا از مبارزین حمایت و پشتیبانی بعمل آوردند بلکه همچنان برای خرید - اسلحه و مهمات نظامی جیبه ویت منع پول جمع آوری نمودند در بسیاری ساعات زنان رهبری قیام را بعهده داشتند. درواقع امر جنبش زنان سهم قابل توجهی رادر پیروزی انقلاب ایفا نمود.

پیروزی انقلاب اگست (۱۹۴۶) راه را برای آزادی همه مردم باز نموده هکذا این انقلاب نقش بزرگی رادر تغییر زندگی زنان ویتنام ایفا نمود این انقلاب زن را از اسارت غلامی وار ها نیده زنن را بمشابه اعضای فعال جامعه میدل نمود سازمان زنان هزاران زن رادر دفاع از قدرت انقلابی بسیج نمود. دوآن زمان آنها ه نوز هم در معرض خطر دشمنان فاخلی و خارجی قرار داشتند.

زنان در آن مقطع تاریخی میبایستی علیه فر-پیسوادی و تجاوز خارجی مبارزه مینمودند زنان ویتنامی همراه با مردان آن کشور در مبارزه متناوم - طولانی در عین زمان مشکل علیه استثمار یون فرانسوی سهم فعال گرفتند ملیون هازن در جنبش وطن پرستانه پیوسته و بدین وسیله سیلی محکمی بروی دشمنان حواله نمودند البته این جنبش شامل جنبش می لنج، منلج کایی و بنج تی - تین نیز بود پیروزی تاریخی قوای مسلح مردمی در دین بین - یو در ۷ - می ۱۹۵۶ - شکست نهائی برای استثمار یون فرانسوی محسوب میگردد بعد از کنفرانس (۱۹۵۴) ژنو انقلاب ویتنام وارد مر حله جدید گردیده و دو وظیفه سترا - تیزیک مهم در برابر ان قرار گرفت اعصار سوسیالیسم در شمال ویتنام و ادامه انقلاب ملی و دمو کراتیک در جنوب ویتنام.

در جنوب زنان ویتنام قهرمانانه در صفوف جنگ در تحت شرایط قانونی و نیمه قانونی و غیر قانونی به مبارزه شان ادامه دادند زنان قریه جات فعال بوده - به ذرع مزارع میرداختند از قوای مسلح آزادبیشی دفاع بعمل آورده شو هران و پسران شان را ترغیب مینمودند تادر مبارزه انقلابی ملحق شوند آنها در سال (۱۹۶۸) به قیام - تیت ماوتین و در سال ۱۹۷۵ - به جنبش قهرمانانه

هو چی مین پیوستند. بر علاوه زنان در تربیه اطفال و وظایف اجتماعی سهم برآورده گرفتند. در مبارزه کبیر مبینی صد ها هزار زن به زندان افتیدند - بسیاری از زنان در تحت شکنجه وحشیانه قرار گرفته و تعداد زیاد شان جام شهادت نوشیدند لیکن آنها تا آخرین ساعات زندگی منحیت مبارزان واقعی به مفکوره های راستین انقلاب وفادار ماندند.

در شمال ویتنام - زنان فعالانه جنبش را تحت عنوان نهضت سه مسولیت با شعار های «همه چیز برای تولید همه چیز بخاطر پیروزی بر امپریالیسم امریکا» پراه انداختند آنان در ایجاد یک جیبه قهرمانانه سر تاسری در کشور جدیت نمودند برای دهه های متوالی مادران زنان و خواهران از پسران - برادران و شوهران شان که علیه دشمن در ستگر هاو جبهات مبارزه میکردند دور بودند. هزاران دختر جوان و زنان داوطلبانه علیه دشمن در جبهات جنگ تعمیر زمینند - بدینوسیله جاده هوچی مین در فر جام توانست شمال و جنوب ویتنام را بهم پیوند دهد. زنان ویتنام به انبات رسانیدند که در فعالیت های سازماندهی و رهبری مهارت خارق العاده دارند. زنان نقش قابل ملاحظه یی را در پیکار قهرمانانه قوای مسلح از خود نشان داده ساکنان جنوب ویتنام توانستند (۴۰۰۰۰) طیاره جنگی امریکا را سقوط دهند بعد از آزادی جنوب ویتنام و اتحاد مجدد آن کشور که هنوز زخم های جنگ التیام نیافته و خرابی های جنگ بر طرف نشده بود مردم ویتنام بادو نیروی ارتباطی جدید چون هرز مونیت های چین و حلقه پول بوت یانگ ساری مواجه گردیدند در ولایت سر حتی زنان دوشا دوشی هسمران شان در دفاع هرانج خا و ویتنام سهم گرفتند. در پنج سالیکه گلشت زنان ویتنام فعالانه در اعمار مجددان کشور سهم گرفته اند.



این اولین کودستانی بود که بعد از آزادی در جنوب ویتنام کشته شد. در حالیکه امروز بیش از دو صد باب کودستان درین شهر بشماره میرسد.

زنان در اتحاد شوروی از همه حقوق و امتیازات برخوردارند

ها از قرن ها به اینطرف از جمله قشر های ستمدیده و استثمار شونده بودند و موقوف تا ثرباری را در میان اجتماع داشتند. مشکلات و پروبلم های زنان از جمله مشکلات و پروبلم های بفرنج اجتماع محسوب میشود که در گذشته ها، تیوریسن ها و جامعه

شناسان نظر به خصلت طبقاتی شان اساس مشکلات و پروبلم های زنان را بد رستی حل نموده نتوانسته و آنرا توجیه دگر گونه میکردند و بشکل تراژی پیدای پیولوژیک و نمود میساختند و چنین ابراز عقیده میکردند که این مقام پائین و عدم توانائی زنان است که نمیتوانند بکارهای مهمی دست و پا زنند و افکار و اندیشه های اخلاقی را تبارز دهند مازکس و انگلس به ریشه و اساس این پروبلم ها تماس گرفتند و نمود گردانیدند که نابرابری وعدم مساوات زنان با مردان در جامعه، کانون خانوادگی و اساس های اجتماعی و اقتصادی دارند. لنین، باربار میگفت اصرار میورزد که آزادی و مساوات زنان با بوجود آوردن یک جامعه انقلابی پیوند عمیق و ارتباط ناگسستنی دارد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر برای نخستین بار، در تاریخ، زمینه آزادی اجتماعی و کلتوری زنان را که قرن ها خواب آرمیدیدند پدید آورد. نخستین فرامین حکومت اتحاد شوروی تبعیض میان زن و مرد را لغو گردانید اما مساوات قانونی بین زن و مرد، همان با آزادی زن صورت گرفت از این رو خیلی ضروری بود که آزادی آنها بطور واقعی و موثق اطمینان داده شود تا زنان در زندگی نوین نقش فعالی داشته باشند.

لنن پیرامون این موضوع چنین اظهار داشته است: ((کاری که دولت قدرتمند شوروی آغاز نموده است تنها زمانی پیشرفت می نماید که به عوض صرف چند صد میلیون، میلیون ها زن اتحاد شوروی در سراسر کشور در آن اشتراک ورزند. همچنانما یقین داریم که درین صورت زمینه انکشاف و گسترش سوسیالیسم در صفحه ۵۱

کاری که انجام میدهند سوسیالیسم را بلند میبرد بدین صورت آنها میتوانند دانش فراگیرند به شیوه کارماشین آلات جدید آشنا شوند و تربیه و فشنلی و عمومی خود را بهبود بخشند و در عین حال مسلک تازه ای را نیز فراگیرند. در شوروی تنها در سال ۱۹۷۸ در حدود نه میلیون کارگر زن حاضر شده و بیش از اعشاریه هشت میلیون مشاغل تازه و مسلک های جدید را آموخته اند. در اتحاد شوروی مقررات خاصی در قسمت حمایت کارگران از نگاه وضع صحی، مخصوصا توجیه به صحت و سلامت زنان کارگر وجود دارد همچنان در کشور شو را نمیتوان زنان را به کارهای موفظ گردانند که آنها مجبور گردند اعمال زور و ظلم را که بیش از اندازه ایکه قانون معین گردانیده انجام بدهند زنان که در مسالک سنگین کار میکنند از امتیازات زیادی برخوردارند که امتیازات مذکور عبارت از ساعات کم کار رخصتی بیشتر و طولانی تر و حقوق تقاعد زیاد میباشد همچنان برای مادران کارگر، امتیازات خاصی داده شده است.

دولت اتحاد شوروی همیشه این نکته را در نظر داشته که تضمین بدارد که زنان در شرایط مساعد کار نمایند.

ازجانب دیگر مجهز ساختن مجدد موسسات تکنیکی، بهبود وضع کار، دگرگونی شرایط کار مساوات و برابری مرد و زن در امور اجتماعی فضای بوجود آوردن شرایطی که زنان بتوانند در حیات اجتماعی و تربیه کودکان معقولانه و بصورت موثر سهیم شوند پالیسی و وجایب اخلاقی دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد. زن

که برای زنان لازم پنداشته نمیشود زن ها پنجاه و پنج فیصد محصلان را در مکاتبت ثانوی اختصاصی تشکیل میدهند پنجاه فیصد جمعیت محصلان و موسسات تعلیمات عالی عبارت از زنان میباشند. از ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۷ تعداد زنان متخصصین که تحصیلات عالی و اختصاصی ثانوی دارند هفده بار بلندتر رفته و چهارده اعشاریه هشت میلیون و یا پنجاه و نه فیصد تمام متخصصین را زنان تشکیل

بطور عموم در مورد حقوق و دستمزد کارگران این شعار سوسیالیستی یعنی از هر کس به اندازه کارش وجود داشته و در مورد مرد و زن یکسان تطبیق می شود. در کشور شو را هر گونه تقلیل دستمزد نسبت به جنسیت کارگر و همچنان عمر، نژاد و ملیت ممنوع قرار داده شده است در کلیه شعب اقتصاد ملی معیار دستمزد و معاشات مساوی و انداز کار برای زنان و مردانی که دارای عین درجه، تحصیل



در اتحاد شوروی زنان و مادران تمام حقوق و امتیازات اجتماعی برخوردارند.

میدهند در اتحاد شوروی انواع مختلف تربیه مجدد صورت میگیرد و در هر زمان شیوه تدریسی دگرگون میشود و درجه تحصیل افراد یک به خواهند بلند برده میشود زنان اتحاد شوروی چنان عشق و علاقه شدید به تحصیل و بلند بردن سوسیالیسم و مسلک شان دارند که بعد از مرخصی از وظائف شان به تقویه مسلک خویش میپردازند و در پهلوی

عالمی با شته مراعات میگردد. بر علاوه قوانین اتحاد شوروی، یک سلسله امتیازات و سودمندی برای زنان کارگر است و زمینه تحصیلات به هر شیوه، طبق پروگرام های مرتبه برای هر یک از تبعه شوروی میسر بوده شبکه وسیع و گسترده مکاتبت فنی و تکنیکی وجود دارد و زنان و دختران میتوانند در زمینه های گوناگون به آموزش ببینند از نداشتن استثنای مشاغل

سهم زنان در مبارزات آزادی خواهی

ارتقای نقش روز افزون زنان کشور های رو به انکشاف و نو به استقلال رسیده یکی از مشخصات مرحله کنونی جنبش دموکراتیک بین المللی زنان بشمار میرود. موج جنبش زنان درین کشور ها همپا و همراهِ دینف باجنبش رهایی بخش ملی نیرومندی بی سابقه کسب نموده است و به عنصر پر اهمیت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استعماری مبدل گردیده است.

وضع زنان در تمامی کشور های در حال رشد همگون و یکسان نیست در شرایط کنونی روند تفکیک راه رشد به این کشور ها در پروسه است یک عده آنها راه رشد انقلابی و دموکراتیک را در پیش گرفته اند و در بعضی دیگر این کشور ها مناسبات سرمایه داری نفج گرفته و رشد می یابد در کشورهای که راه انجام دگرگونیهای بنیادی اقتصادی و اجتماعی رادر پیش گرفته اند، شرایط مساعد جهت بهبود بخشیدن وضع زنان تامین می گردد.

خلق های این کشورها در راه تقویه اقتصاد ملی، طرد عقب ماندگی و وابستگی به انحصارات بین المللی گام های فراخی را برداشته اند درین کشور ها تعداد زنان شاغل درده سال اخیر روبه افزایش بوده و ابعاد فعالیت آنها خیلی متنوع است.

به منظور جلب هر چه گسترده تر زن به پروسه تولیدی اقدامات خاصی صورت می پذیرد.

رشد و تحکیم امر دموکراسی و مقاطعه با کلیه اشکال تبعیض نا برابری و ستم، افق های وسیعی در جهت شرکت فعال در حیات اجتماعی در برابر زنان گشوده است. زنان جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر از امکانات مساعد جهت رشد همه جانبه استعداد های خویش برخوردارند.

شرکت زنان الجزایر در قیام ملی ۱۹۵۴ که بعداً به انقلاب ملی و دموکراتیک مبدل گردید خیلی پرباست.

سیمای زنان قهرمان چون جبهه بنت بو علی، جمیله بوخرد جمیله بوباشا، ملکه گووند و دیگران در تاریخ جنبش مقاومت کشور الجزایر جاودانه می درخشند. آنان وصلها زن قهرمان گمنام دیگر در پیشاپیش صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال کشور شان قرار داشتند وقتا که در سال ۱۹۶۲ خلق آزاده

اتحادیه اتحاد ۸ میلیون زن را خواندن و نوشتن آموخته اند.

زنان موزمبیق تا قبل از پیروزی قیام ملی بار ثقل میراث استعمار و ستم را بر شانه می کشیدند از کوچکترین حقوق اجتماعی و مدنی بی بهره بوده به کار های طاقت فرسا گماشته میشدند از دواج اجباری دختران در سنین بسیار

زنان به سواد و دانش

نیاز مبرم دارند

از مسؤولیت های بزرگ اجتماعی زن که عهده دار آن بوده است تربیه نیکو سالم اطفال میباشد. از آن است که حزب و دولت ما به آموزش و پرورش زنان بیش از دیگران اهمیت قایل گردیده تعلیم و تربیت را برای زنان یک امر حیاتی شناخته. تسهیلات لازمه در جهت فرا گیری سواد و دانش را به آنها مساعد می گرداند.

امتیازی که زن از مرد دارد این است که زن مربی و تربیه کننده مرد است در صورتی زن می تواند فرزندان لایق فهیم و با دانشی پرورد که خودش فهمیده بودمو از تمام مزایای علم و دانش آگاه باشد این در صورتی امکان پذیر است که باید مردان این حق را به زنان قایل باشند و آنها را نباید اسیر و برده پندارند و مانع تحصیل و آموزش شان گردیده از فعالیت اجتماعی آنها جلو گیری بعمل آورند.

زن باید آزادی فکر، عمل بیان و غیره داشته کرامت و شخصیت او در نزد مرد قابل توجه

باشد هر گز زنان تحت فشار و مراقبت بی مورد قادر بان نیستند که کودکان سالم و مفید تربیه نمایند چه آنها مدام العمر زیر شکنجه روحی قرار دارند چون یک زن لغائی در چار دیواری خانه محبوس بوده از رمزحیات اجتماعی بکلی آگاهی نمی داشته باشند، پس پرونده دست ایشان نیز همان گونه ناآگاه و محروم همه چیز بار میاید که بالاخر بار دوش جامعه گردیده مضر خود و دیگران می گردد.

این یک امر واضح و بارز است که زن مستقل و آزاد مرد آزادی خواه و مبارز تربیه می کند دیگر بشاوت به زنان محیط و مملکت ما که دست آورد مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور پشتیبانی و حمایت قاطع و همه جانبه خویش را از حقوق زنان بعمل آورده و زمینه هر نوع مساعدت به زنان محروم و در بند ما میسر است امید زنان بیلار و خود آگاه مادر پرتو و عنمود های سوهمند حزب و دولت انقلابی شان مفید جامعه و مبین شان گردند.

چند نکته سودمند

بدون اشتراك زنان ، هیچ جنبشی نمیتواند به پیروزی برسد

انجیلا دیویس را بشناسید

انجیلا دیویس زن مبارز سیاه پوست و دختر قهرمان خلق آمریکا که راه جانبازی ها و راه پیکار بخاطر سعادت زحمتکشان را پذیرفته است .

نام و شهرت این زن دلیر ، دختر قهرمان و پر آوازه خلق آمریکا در سالهای ۱۹۷۰ سراسر کره زمین را گرفت . فریاد های (انجیلا دیویس باید ، آزاد گردد) همه روزه رساتر از حنجره ها طنین انداز بود و حتی این فریاد ها در سایر قاره ها نیز می پیچید .

در یکی از شبهای زمستانی محافظ یکی از زندانیهای شهر کلفورنیا به قتل می رسد و به قتل آن سه نفر سیاه پوست متهم میگردد . بعد ها این سه نفر اعدام شدند و در آن هم زنجیر شهرت می یابند .

انجیلا دیویس زن مبارز و قهرمان خلق آمریکا گرچه در مسافرت بود مگر به جرم دست داشتن در حوادث قتل سوء قصد متهم دانسته شد . او که راه مبارزه به خاطر انسان های محروم ستم دیده و تحقیر شده جامعه پر زرق و برق آمریکا را برگزیده است میگوید - راه ام راه واقعیت و سعادت انسان است او همه عمر تحت تعقیب پولیس قرار داشته (۲۱) ماه شکنجه های زندان و دخمه های هولناک را متحمل شده است جرئت فقط داشتن وجدان پاکیزه احساس بشر دوستی و عدالت پسندی است او که قلبش به خاطر آسایش انسان

ها می طپد میگوید : این طریقه را برگزیده ام (زیرا من انسانم و کمونست) قانون شکنان و پولیس در برابر خواست انسان جهانیان عقب نشینی نمود و انجیلا دیویس رها گردید .

آزادی انجیلا دیویس از زندان بالاخره بعد از به موج نیرومند اعتراض و خشم استعماری فرمان روایان ایالات متحده گردید . انجیلا دیویس در محله نیک رایتی بر مینگام ایالت جنوبی آمریکا در سال ۱۹۴۴ بدنیا آمد . او از همان کودکی استعداد شگرفی از خود نشان داد و در سن پانزده سالگی موفق بدینافت بوسجامعه لیبرال رضا کاران گردید و به تحصیل خویش در پوهنتون برادیسکی ادامه داد .

بعد تر در پوهنتون های فرا نفورک و سیاسی در رشته های ادبیات هنر های زیبا - فلسفه - اقتصاد سیاسی ... تحصیل نموده است .

زندگی و پیکار انجیلا دیویس عضو کمیته مرکزی حزب کمونست آمریکا مبارزه برحق است و به غرض هموار نمودن راه سعادت زحمتکشان و رنجبران جوامع بشری به خاطر فردای مسعود و پیروز . او در راس سازمانی قرار دارد که علیه راسیسم و اختناق می رزمند . شبکه های این سازمان در چهل ایالت آمریکا فعال است .

انجیلا دیویس ! راه تو پیروز و افتخار تو بزرگ است .

به منظور انجام بهتر کارها و وظایف روزمره ، بدون احساس خستگی و ماندگی که نتیجه آن سبب پیشرفت امور و نشاط روحی است مطابق عقاید دانشمندان رعایت نکات ذیل برای همه سودمند و مفید پنداشته میشود :

۱- سعی نمائید شبانه خواب وزود بخواهید و تا آنجا که ممکن است اوقات اولیه شب را با خوشی و شادی بگذرانید و بویکه یابید دیدن یکی از دوستان خوب بروید و با اینکه کتاب خوبی را مطالعه نمائید و یا هم به بازی و تفریح های سالم بپردازید زیرا اگر شب به شما خوش گذشت باشد روز بند به نیروی تازه کار می کنید و نیروی همادو برابر خواهد گردید .

۲- صبح زود از خواب برخیزید و چند دقیقه گردش و ورزش مناسب نموده هوای پاک و صاف تنفس نمائید .

لازم است درد قایق اولیه روز افکار مثبت و مفید داشته باشید زیرا افکار منفی نیروی مبارزه هدر میدهد و بهترین راه برای داشتن افکار مثبت اینست که برای موفقیت خود نقشه و هدفی داشته باشید و اگر در یکی از کارها پیروزی نداشتید بپیوده افسرده و نا امید نشوید .

۳- در کارهای روزانه با فاطمیت تصمیم نگیرید هیچگاه در انجام کاری تردید و دودلی نداشته باشید زیرا همین تردید توان جسمی و روحی شما را بپیوده صرف مینماید .

۴- از عوامل خارجی که موجب ناراحتی و بهم خوردن تمرکز حواس شما میشود مانند سرو صدا جلو گیری کنید .

و نگذارید بیلزوم به اطاق کار شما داخل شوند زیرا همین عوامل در اثر ضیاع انرژی از قدرت کار شما میکاهد .

۵- از حرفهای بپیوده و از مباحثات بی نتیجه و طولانی بپرهیزید زیرا اینها با ایجاد خستگی فکری و جسمی قدرت کار شما کم مینماید .

۶- در ضمن روز چند دقیقه وقت خود را صرف انجام کارهای فکری نمائید مثلا بازی شطرنج و یا حل جدول بپردازید زیرا این دقایق شما کمک میکند که با افکار تازه بدون خستگی فکری مسائل را حل نمائید .

۷- گوشش نمائید با رعایت نظم و اصول علمی با دوستان به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته و ضمن مباحثه بپیوده عصبانی

و ناراحت نشوید .

۱- بیشتر است هفته یکبار و در سال یکبار یا در صورت امکان بیشتر برخصی بروید و از تعطیلات خود جهت تفریح استفاده نمائید . در اجتماعیکه حیات بسر میریم تحولات و پیشرفت های شگرفی قدم بقدیم پیرویه خود را طی میکنید و بشریت موج بهوج ازینک پیروزی به پیروزی های دیگری نایل میگردد انسان زحمتکار در امر تحولات و پیشرفت نقش خود را جاودانه متباز زمین سازد اگر اندک ژرف توجه کنیم مسیر تحولات را مردان بازنان پیش میرند سهم گیری زنان را نمیتوان در امر

تحول جامعه نادیده گرفت زن همواره در مسیر تاریخ نیروی جاویدان و خلاق بود و است متاسفانه در جوامع عقب مانده نقش زن نادیده گرفته میشود و زنان جز از پیکر اجتماع شمرده نمیشوند و از خلافت و نقش فعال زنان در امر تحول انکار میگردد و این موجود شریف به بیرحمانه ترین شرایط استعمار میگردد .

اگر تاریخ کشور را ورق بزنیم بوضاحت نمونه های بارز استعمار زنان را میتوان در بافت وزن امروزی زن دیروز نیست زن امروز به مفهوم واقعی کلمه جزء پیکر اجتماع است که بدون اشتراك زنان ، هیچ تحول و پیشرفت نمیتواند به انجام رسد .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که یگانه آرمان آن سعادت توده های ملیونی کشور است همواره از آوان تاسیس خود نقش زنان را در شگوفانی جامعه امر مهم و جدا نا پذیر دانسته بدین منظور مبارزات پیگیر و داهندار را در بین اقشار زنان گسترش داده است . سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که گردان پیشتاز زنان امروز پیشرفت ها و تحولات پس از زنده را در حیات سیاسی زنان گمانی کرده است .

ولی دشمنان پیشرفت و ترقی کشور ماکه به دستور اربابان خارجی شان یعنی امپریالیستهای آمریکا ، هژمونیزم چین و دیگر حلقهات ارتجاعی الهام میگردد هرگز چشم آنها ندارند که زنان با شجاعت و با ترقیات مزید عنصر مفید در جامعه تبارز کنند و با مبدلانات و تبلیغات ضد بشری خود میکوشند اذهان عامه دهمورد قسرس زن قریب دغد ولی آنها این آرزو را بشود می برند برخلاف خواست دشمنان زن صنف شان را فشرده بایک تن واحد از دست آورد های انقلاب دفاع و خود را جزء پیکر جامعه شگوفان خود می شمارند .

اينك يك پارچه شعر بزيمن
حسن زاده شاعر پر شور آذربايجان
شوروی که تحت عنوان نمیتوانسد
بگنجد بوسیله شاهین فاضل تر -
جمه گردیده نیز دريجا تقدیم می
میشود .

يك دختر
در انتظار دیدار ...
باد میوزد ...

در قلبم است
مرکز عشق من
اشك
خبری شنیدم
در باره اشك
میگویند اشك
بچشم فائده دارد
میگویند اشك
چشمها را سالم و پاك نگاه می
دارد .

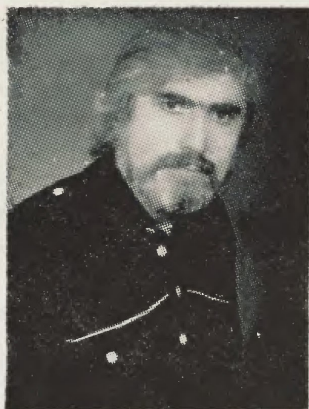
در این صورت باید بگوئیم تا
از چشمها
به گونه ها
عدم قطرات اشك بریزد

نماید بلکه خودش نیز بلسان دری
شعر می سراید و از عهده ترجمه
اشعار دری بزبان آذربایجان طوری
که لازم است و توقع میرود بدر می
آید .

شاهین فاضل نه تنها به اشعار
شعراي افغانستان علاقمندی دارد
بلکه به سایر شون مختلفه حیا تی
خلق دوست افغانستان دلچسپی
دارد و روی همین علاقمندی در دوره
های مختلفی در افغانستان ایفای
وظیفه کرده است در اینجا معنی
آثار این شاعر مردمی دو سه نمونه
شاهین فاضل «فرضی علی» در
سال ۱۹۴۰ - در آذر بایجان شو -
روی متولد شده است . بعد از اتمام
دوره تعلیمات متوسط در سال ۱۹۵۹
در بوهندون شهر باکو به فاکو لته
خاور شناسی داخل شده در سال
۱۹۶۴ - آنرا به اتمام رسانیده است
در سال ۱۹۷۴ دوره اسپیر انتوری
را در اکادمی علوم آذربایجان شو -
روی تکمیل و در رشته علوم
تاریخ (قرون اسطی) دکتورای خود را
بدست آورد .

شاهین فاضل از سال ۱۹۷۸ به
اینطرف اشعار شعراي افغانستان

دوکتور ابهر



شاهین فاضل

شاعر با استعداد آذربایجان شوروی

اشعار او برای مطالعه علاقمندان
مجله وزین ژوندون که در راه معرفی
شعرا و علما کشورهای برادر و دوست
سهم بارزی گرفته و می گیرد تقدیم
میشود .

مرکز عشق

کسی را که دوست دارم
از قلب دوست دارم

چنین است عشق من

چنین است عشق من

من با قلب دوست دارم

زیرا

در چشمم نیست

را بلسان از بایجان ی ترجمه و نشر
مینماید . تا کنون بیش از (۳۰)
پارچه اشعار شعراي افغانستان
«منجمله» دستگیر پنجشیری بازق -
شفیعی سلیمان لایق - ضیا قاریزاده
و غیره) از طرف او ترجمه و در
جرايد و مجلات مختلف آذر بایجان
نشر گردیده است . شاهین فاضل
شاعر آذربایجان در این روز ها کتابی
را در باره «تو عشق منی» نامگذاری
کرده در دست تهیه دارد . در این
کتاب اشعار يك تعداد شعراي
معاصر افغانیان جمع آوری و تدوین
شده است .

شاهین فاضل نه تنها اشعار دری
را به لسان آذربایجان ترجمه می

يك دختر
باران میبارد ...
ودختر

بویادامچه تشنه :
در انتظارش باشد
یا بخانه بر گردد ؟
يك دختر
و

در قلبش يك دنیا محبت
و عشقی که
چقواند
به يك خانه بگنجد

فقط نه به گریه
بگذار اشك از چشمان براید

باخته و قهقهه

انسان

زمین سرمایه من ،

هوا - سرود من است .

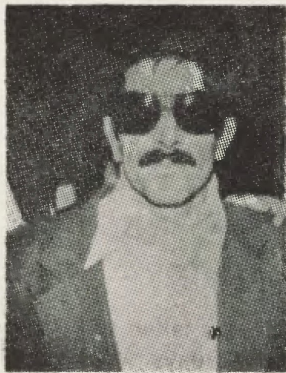
آیا که گفت ناچیز ؟

که می گوید فقیرم ،

مگر نمی بینید که هست

دربالای سرم نیم پاره آسمان

درویر پایم کره زمین ؟



محمود ابو دانتس

مبارزه خلق فلسطین از عقب

میله های زندان علیه صهیونیسم

خودم با ید برای خود و کیل دعوی تعیین نمایم نه شما اگر برای من این حق داده نمیشود من میتوانم که بدون وکیل از خود دفاع نمایم. در جلسه محاکماتی قاضی برایم اجازه نداد تا در رد آنها مانیکه بر من وارد بود بیرون بزنم و به ایشان گفتم که این شماست که بکمک دادارهای بزرگتان و طن ما را بزور اشغال و ما را از خانه و کاشانه ما بیرون رانده اید.

با استماع این سخنان پولیس نظر به امر قاضی در حضور نماینده صلیب سرخ بین المللی چون حیوان وحشی بر من حمله نموده و ضرب محکمی بر بینی من حواله نمود که منجر بشکستن استخوان بینی من شده بعد از آن من بقاضی گفتم که: ((در صورتیکه شما بمن اجازه نمیدهید تا از خود دفاع کنم پس محاکمه من چه مفهومی دارد. هر چند لتان میخورد همه نظور در باره من فیصله صادر کنید.))

با ید متذکر شد که اکثر مبارزان فلسطین که بدست صهیونیست ها اسیر میشوند بدون اینکه قانوناً مجاز محاکمه شوند یا برای شان حق داد شود که از خود دفاع کنند مجازات میشوند. واکثر شان بدون اینکه از محاکمه خود باخبر شوند فیصله محکمه در غیاب شان صورت گرفته و در زندان برای شان ابلاغ میشود.

و اما در مورد من بعد از اینکه قاضی حسب الخواهش خود بدونی اینکه بمن حق دفاع بقیه در صفحه ۵۰

شان زجر دادن زندانیان به انواع مختلف بود بدین منظور تربیه و گماشته بودند. بعد از یک سلسله تحقیقات مزید مرا بزندان مرکزی رام الله انتقال دادند که آخرین مرحله تحقیقات من در زندان ببر شیب اختتام یافت. تعامل صهیونیست ها چنین است که وقتی کسی را اسیر میکنند به منظور فریب اذهان جهانیان نفر مذکور را غرض ملاقات با نماینده صلیب سرخ بین المللی میبرند. ولی در حصة من این موضوع صدق نداشت زیرا وقتی من بدست آنها اسیر شدم برای مدت ششماه برایم اجازه ندادند تا نماینده صلیب سرخ را ملاقات کنم. وقتی نماینده مذکور می آمد تا زندانیان را از نزدیک ملاقات و از مشکلات آنها و برخورد زندانیان با آنها آگاهی حاصل کند. پولیس زندان مرا از نظر آنها در یک سئول تنگ الی زمانیکه نماینده های مذکور محیط زندان را ترک میکرد مخفی نگه میداشتند. هم چنان برایم اجازه نمیدادند تا کسانی را که بدیدن من بزندان میامدند ملاقات کنم.

جریان محاکمه من -

بمقتصد محاکمه زندانیان اسرا نیلی یا ردیگر مرا بزندان هیرونی بردند. چراغ محاکمه کاملاً ساکتی بود. زیرا پولیس دشمن بمن گفت که ایشان وکیل دعوی برایم تعیین نموده اند که در واقعیت امر این شخص پولیس مخفی بود که به منظور کسب معلومات مورد نظر شان از من گماشته شده بود. من نظر آنها را رد نموده و خاطر نشان ساختم که من

تا بر ضد دشمن استعما ل نمایم تفنگ خود را نیز شکستادم تا دشمن از آن استفاده کرده نتواند آنها بمن خود را رسا نموده و گرفتارم نموندند مگر از همان لحظه گرفتاری شکنجه جسمی بامشیت ولگد و وسیله تفنگ آغاز گردید یک افسر دشمن با تفنگچه خود در قسمت بالائی چشم ضرب وارد نمود که باعث شکستن استخوان پیشانی من گردید و به این ترتیب در چشم چپ نیز از نعمت بینائی محروم گردیدم در نتیجه این زدو خورد بیست و پنج جراحت شدید بدست و وارد آمده و دشمن نیز تلفات مزیدی را متحمل گردید و باعث قتل دو سرگروپ عساکر دشمن گردید.

بعد ازین همه زد و خورد مرا بزندان هبرون انتقال نمودند که در آنجا برای مدت چندین روز بدون کدام کمک اولیه غذا و آب ماندم. هدف دشمن ازین همه فشار و شکنجه روحی و جسمی این بود تا من هرگونه معلومات لازمه را که در باره مسایل کماندو ها با شد بدسترس شان بگذارم ولی تحت هرگونه شرایط و فشار تسلیم خواستم بلید دشمن نشدم.

استنتاج از من سوال نمود که ((چرا به اینجا آمده ام؟)) جواب دادم که ((من به اینجا آمده ام تا شما را که وطن ما را بزور اشغال نموده اید نابود سازم.)) با شنیدن این سخنان آنها بخشم آمده و سیلی محکمی بر رویم زدند. مدیر زندانیان و معاو نشن که انسانهای خیلی سنگدل و وحشی بودند یک گروپ مخصوص را که وظیفه

محمود ابو دانتس مبارز سر سخت خلق فلسطین میباشد و مدت هفت سال را در زندان دولست نام نهاد اسرا نیل سیری نموده است سرگذشت روزهای تلخ زندان را که خیلی ها آموخته اند و چهره واقعی امیر یا لیزم و صهیونیسم را بر ملا میسازد بشرح زیر قصه میکند:

من در اثنای جنگ در حالیکه جراحت شدید نیز برداشته بودم در ناحیه هلمبول بدست عساکر دشمن اسیر گردیدم. من خوب میدانستم که از جها ر طرف در محاصره دشمن قرار دارم و ولی تصمیم گرفتم که تا به آخرین رمق حیات بجنگ علیه دشمن ادامه دهم. محلی که در آنجا جنگ بین من و عساکر دشمن واقع شد یک منطقه کاملاً کوهستانی بود برخورد مسلحانه ما برای چندین ساعت دوام کرد تا اینکه همه بیهوشی دستهایم خلاص شده و جز چند مرمی چیز دیگری نداشتیم. روی این اصل برای دفاعی چند از فیر آتش علیه دشمن خود داری نمودم آنها فکر کردند که من کشته شده ام ولی جرنست نمیکردند که نزد یک من بیایند و از فاصله چند صد متری توسط لود سپیکر صدا میدادند که باید تسلیم شویم. وقتی آنها بمن نزدیک شدند بار دیگر به آنها فیر نمودم که این تباردله آتش چندین ساعت دوام کرد تا اینکه همه مرمی ها بمن به انتها رسید که جراحت شدیدی بر تمام بدنم وارد آمده و از همه برتر جراحتی بود که در چشم راست خود برداشتم که منجر یکوریم من گردید. چون دیگر مرمی و بم دستی موجود نبود

نگاه آشنا

در آغوشم گل دوشینه جادداشت
 که هر برگش بهاری رونما داشت
 به شمع می همنشین بودم شب دوش
 که چون خورشید و مه پروانه ها داشت
 پریشان سنبلی کز تار هر مو
 هزار آهوی چین را خونپهاداشت
 بدستی دسته گل داشت چون صبح
 بدستی دامن زلف دو تار داشت
 به نرگس شیوه های عشرت امروز
 برابر و عقده های دلکشا داشت
 نه بر آئین خوبان چشم بد دور
 گل رویش نسیمی از وفا داشت
 ز گرد دامنش تار دامن صبح
 نفس داد و ستد با توتیا داشت
 هزاران شیوه بیگانه سوز
 نهان در هر نگاه آشنا داشت
 برویش موج میزد حسن گویی
 گلش بر چشمه خورشید جا داشت
 (طالب آملی)



پیمان

وطن دانی که در هر تار و بودم
 به هر جا در سرا پای وجودم
 به اشعار و بگفتار و سرودم
 زمهرت یک جهان احساس دارم
 ترا تا زنده ام من با سدازم
 • • •
 کنو نکه انقلابت اوج گیر است
 ظفر از جنبش رونی پذیراست
 نو ای فتح می آید بگویم
 که دشمن خوار و پامال و حقیر
 است
 • • •
 اگر یک مشت بی فرهنگ و نادان
 بد ستور سیه کاران، دو نان
 • • •
 ترا خواهند بدفر جام و ویران
 مگر نو باو گان رز مجویت
 به خون خود بر آرند آرزویت
 • • •
 کنون ای ! میهن آزاد مردان
 ستیغت پرور شکاه عقابان
 به خون خویش بندم باتو پیمان
 که کوشم در ره آبادی تو
 بی آرامش و آزادی تو
 ۱۶ - جدی - ۱۳۶۰
 افشار سیلو - کابل
 نور محمد «فیضی» اسفنده بی

دنیوی سوله

شوه دهر شیولد له مرکه ...
 یکی پا تی هم او تا نت شو
 لالهند پسی و له ها یم ...
 نه خو سوله ، نه دیتا نت
 شو !! ؟
 دو کتور زیار



حیدری وجودی

نگاه رسا

خمار میکشدم ساقیا شراب کجاست
 شراب ناب به شبهای ماهتاب کجاست
 بیک پیاله لب خشک من نگر دتر
 بنو شم و بخروشم خم شراب کجاست
 ز نور ماه نشد کشور دلم روشن
 گرفته خاطر، ای عشق آفتاب کجا ست
 درین بهار دلم با کسی نمیچوشد
 ندانم آن چمن پر گل گلاب کجا ست
 بجز صحیفه روی تو ای معلم عشق
 بدوق اهل نظر بهتر ین کتاب کجا ست
 بدیده ای که بود جلوه گاه چون تو گلی
 جهان آتش و آبست جای خواب کجا ست
 که دیده دردل شب چشم نمیخواب ترا
 بمن بگو که آن خانمان خراب کجا ست
 مرا ببال محبت کشد بعالم نور
 بجز نگاه رسای تو شعر ناب کجا ست

بشارت باران

بسم الله «نزهت»

غزل

ز آب زند گانی گرنه لعل او نشان دارد
چرا خضر خطش بر چشمه حیوان مکان دارد
کسی از قدر و عزت پابه فرقی فرقدان دارد
که روز و شب درین درگاه سر بر آستان دارد
ز ابروی کج و وزناوک مژگان خونریز
بقصد قتل من چشم تو تیری در کمان دارد
به این جسم نحیف و لاغر هر کس بیندم گوید
که این بیچاره اندر دل غم موی میان دارد
طبیعا می توان از ضعف تن فهمید احوال
کجا راز هویدا حاجت شرح و بیان دارد
سراپا برق حسرت آور این انتظارم سوخت
که یارب آن پیرو تا کی از من رخ نهان دارد
مباش از کید چشم پر فسونش لحظه ای غافل
که از مادل بصد نیرنگ برد و قصد جان دارد
به استقبال نازش از مسرت جشن برپا کن
که سرو قامتش امروز میل گلستان دارد
ندانم شعر «نزهت» از کجا شد اینقدر شیرین
مگر طوطی طبع او شکراندر دهان دارد



بمیرد

بگذار که ابلیس گمشکار بمیرد
آن مرتجع گمره مکار بمیرد
بگذار که آن بنده او هام و خرافات
در خلسه کابوسی شب تار بمیرد
آن مسخره شعبده بازان سیاست
و آن ملعبه دالر و کلدار بمیرد
آن دشمن بیداری و آگاهی مردم
آن مغل علم و هنر و کار بمیرد
در جامه اسلام چو آراسته خود را
آن مرتد بد نام ریا کار بمیرد
از روشنی در کومه کوه هاشمه پنهان
آنجا بقم و حسرت و ادبار بمیرد
کارش چو بود غارت دارایی مردم
آن جیفه گر غاصب طرار بمیرد
آن قاتل مرد و زن و بیچاره و مظلوم
و آن فتنه گر خائن خونخوار بمیرد
آن نوکر بی همت امریکو انگریز
و آن فاسق و سردسته اشرا و بمیرد

بنگر که آفتاب
بر شبان تیره و مرداب و ارتو
بر لحظه های هستی خاموش و بی
ترانه ات
چگونه با تمامیت روشنائی خود
سرخاو تمندانه می تابد
و باران، این واژه ی همیشه مقدس
انسان
رخساره ی زند گانی چرکین ترا
می شوید
با صمیمیت
و ایمان بیاور به روشنائی، به
خوشید، به باران
به لحظه های سرشار پر بار
و روز های آفتابی
آسمان لاجوردی - آبی
به سبزه های از خواب زمستانی
بیدار گشته
به گل به گیاه به شکوفه های
نورس
و به درختانی که پنجه ی بیداد،
قامت های شان را به خاک می انداخت

و درختانی که در برابر بیداد
باد،
خشم توفان، همچنان قامت افرا -
خته ماندند
در عمق فاجعه، در لحظه های
پدرود
- تاریک، غمناک، پردود
به سوی آفتاب، به سوی باران
دست های خود را تکان دادند
در برابر بیداد شانه خم نکردند
زانو نزدند
همچنان بی هراس، بی تردید
سر بلند، با امید
قامت افرا خته ماندند
بشارت باران و حماسه ی شهادت
را بپذیرفتند
بنگر به آفتاب به باران، به سبزه
به گل به گیاه -
که نام دلاوران را چگونه تکرار
می کنند

کابل - زمستان ۱۳۵۹

م. عاقل

بیرنگ کوهدا منی

سلام

زمن به نرگس شهبازیت ای نگار سلام
به حلقه حلقه مو های تا بدار سلام
ز من به خنجر مژگان و تیغ ابرویت
بیک نگاه دوچشمان پر خمار سلام
سلام به قامت مو زون حسن زیبایت
زمن به مهر تو ای سرو گلستان سلام
بخنده های دل انگیز لعل میگوشت
به عشق پاک و نگا های پر شرار سلام
سلام به دین دزدانه و خموشی بدن
به قهر و جنگ و ادا های بی شمار سلام
طمع ز قلب پریشان من چه میداری
پتو ز دیده غمناک و قلب زار سلام
سرم فدای رخت ای گل امید دلم
پوعده های سحر گاه و شام تار سلام
سلام «رویش» خود را بتا قبول فرما
بگونه عاشق غمگین و داغدار سلام

محمد عزیز «رویش»

عادی میشود یکنوع سرخی در قسمت رخسار کودک به مشا هده میرسد و یا بعضاً رنگ طفل به اصطلاح پریده معلوم میشود این علامت بسیار مشخص است که کودک در مرحله شروع یکنوع بیماری است و درصدد هرچه زود تر تدای آن بر آمد .

۶- موقعیکه برای طفل اسهال و یسا استفراغ پیش میشود که این مریضی اگر در اثر کشیدن دندان ها نباشد بسیا خطرناک بوده و به زود تر فرصت آب وجود کودک کم میشود پس وظیفه ما دران ویدران است که هرچه زودتر با داکتر در تماس بشوند تا جلوا این بیماری گرفته شود .

۷- اگر کودک گرفتار سرفه و ضما از بینی وچشمان کودک آب جاری باشد و با مشکل نفس بکشد این سه علامه است که باهم یکجا ظاهر میشوند و به منزله هو شیار باش برای بدران و مادران است که مراقب کودک باشند و در صورت لزوم با داکتر به تماس شوند .

۸- مو قعیکه کودک گوش خود را میخارد و یا مالش مید هد و اگر بسیار خرد است سر خود را شور مید هد و گریه را سر می- دهده که درین موقع مادر باید متوجه طفل باشد و او را نزد داکتر ببرد .

۹- مو قعیکه دانه های سرخ خورد در روی پوست صورت و یا نقاط دیگر بدن کودک ظاهر شود که ممکن عادت یکنوع بیماری باشد که حتما با داکتر در تماس شد .

۱۰- اگر در پاها و بازو ها و صورت کودک یکنوع تمنتج پیدا شود و کودک خود را ناراحت احساس کند باید هر چه زود تر جلو آن گرفته شود .

۱۱- اگر گردن کودک یکنوع شخی پیدا کند و کودک از سر دردی شکایت کند و گردن خود را به راست و چپ حرکت دا ده نتواند هرچه زودتر با داکتر در تماس شود .



اطفال امروز

علایم بیماری در کودکان

مادران می توانند قبل از بیماری کودک خود مطلع شوند

۱- موقعیکه کودک در ساعت غا دی و معمولی بغواب نرود و بیمار باشد و گریه را سردهد، بدبختانه ، بعضی از مادران درین موقع بدون آنکه توجه به حالت عادی کودک کنند او را تشبیه می کنند و از خشمونت و بی حوصله گی کار می گیرند در حالیکه باید بدانند که خواب نکردن کودک در موقع معین علی دارد و باید جستجوی آن شنواکی دوام پیدا نمود با داکتر در تماس شود .

۲- موقعیکه کودک در ساعت غا دی و معمولی بغواب نرود و بیمار باشد و گریه را سردهد، بدبختانه ، بعضی از مادران درین موقع بدون آنکه توجه به حالت عادی کودک کنند او را تشبیه می کنند و از خشمونت و بی حوصله گی کار می گیرند در حالیکه باید بدانند که خواب نکردن کودک در موقع معین علی دارد و باید جستجوی آن شنواکی دوام پیدا نمود با داکتر در تماس شود .

۳- در وقتیکه کودک اشتباهی خود را از دست میدهد و به خوردن غذا علاقه نشان نمی دهد درین موقع اصرار زیاد به کودک که غذا بخورد فایده ای ندارد بلکه باید در صدد فهمیدن علت بی اشتیایی که همان شروع یک نوع بیماری است بر آمد .

معمولا اگر بیماری در مراحل اولیه تشخیص داده شود علاج و یا درمان آن به مراتب سهل تر و آسانتر خواهد بود و دوره در مان بیماری نیز به همین ترتیب کوتاه تر میشود در مورد کودکان معمولا مادران قبل از هرکس می توانند متوجه دگرگونی و تغییرات در حالت ظاهری کودک خود شوند و در همان مراحل اولیه تشخیص دهند که کودک در حالت عادی قرار ندارد و یک ناراحتی پیدا کرده است ، این تشخیص بوق خیلی مهم است و موجب میشود که کودک از خطر در مان

بماند و علاوه بیماری به دیگران سرایت نکرده قبل از آنکه به دیگران سرایت کند تحت کنترل قرارگیرد ، درین جا ما بزبان بسیار ساده علائم و نشانه های شروع بیماری را در اطفال ذکر می کنیم و با بغاظر سیر دن این علائم ، بدران و مادران می توانند مراقب وضع عمومی کودک خود باشند و به مجردیکه این علائم را در کودک مشاهده کردند وی را نزد داکتر ببرند تا تحت تدای قرار گیرد .

۱- وقتیکه کودک بطور غیر طبیعی حالت قهر و حساسیت پیدا میکند و بدون جهت بهانه گیر شده و گریه را سر می دهد درین وقت وظیفه مادر است بدون تشبیه و خشمونت رویه درست را با کودک پیش گرفته و با او از راه محبت و نوازش مادری بیش آمد کند و هرچه زودتر با داکتر در تماس شود .

۲- مواقعی که کودک در شرایط عادی و معمولی، خواب آلود به نظر رسیده و به سا مان های بازی خود که معمولا همیشه به آن



شناخت استعداد کودکان

سه الی شش ساله

والدین گرامی و مهربان عزیز تحت این عنوان کودکان را مورد مطالعه قرار می دهید که سن سه سالگی را آغاز نموده اند و اولاً کودکانی را مورد مطالعه قرار میدهم که سن آنها از سه تا چهار سال می باشد .

این سن از نظر تکمیل شخصیت کودک از هر جهت قابل توجه و در خور اهمیت است که یک دوره مهم و استثنائی بشمار میرود، ما در این دوره حس میکند که کودک او دیگر کاملاً تابع او نیست ، بلکه یک شخصیت مستقل است که دارای تمایلات و خواسته های جداگانه می باشد و کودک درین دوران از جمله کلمات که زیاد تکرار می رود کلمه « چرا » است ، او می خواهد دلیل دستورات پدر و مادر خود و حرف هائی را که می زند بفهمد و تا دلیل آنرا نگوید دست بردار نمی شود در حقیقت مادر و پدر صبر و حوصله زیادی داشته باشند تا بتوانند به تمام سوالات او جواب بگویند و درین جامه قصد مادر، مربی معلمین کودکان هاست ، که این مسؤولیت بعد از پدر و مادر متوجه آنهاست .

البته درین سه ، شخصیت کودک زیادتر رشد میکند و صفات او شکل می گیرد ، وقتی کار کوچکی را انجام می دهد ، خوشحال می شود و تشویق می گردد اما و قتیکه بسا اطرافیان به توافق نرسید ، او قات او تلخ شده و از آنها انتقاد می نماید .

بعضی از پدران و مادران ناکامان متوجه میشوند که کودک آنها دارای خصوصیات ناپسند شده است مثلاً ممکن است که طفل حسود شود و به همه حسادت کند و یا در صدد آزار دیگران بر آید ، کار هائی که نزد پدر و مادر سابقه ندارد طفل انجام میدهد اما وظیفه آنهاست که زیاده نگران و دلخور نشوند زیرا در حقیقت این شخصیت کودک است که آهسته آهسته شکل می گیرد و از همین جهت صفات خوب و بد در او ظاهر می شود و طفل مانند بزرگان این خصوصیات را نمیتواند کنترل کند .

کودک درین دوران بخوبی متوجه جنس خود میشود و میداند که پسر است یا دختر او بعلاوه خوب میفهمد که بطور مثال اگر دختر است روزی مانند مادر خود یک زن خواهد شد و مانند مادر خود مادر .

درین سن پدران و مادران باید انتظار داشته باشند که به سوالات کودکان خود در امور جنسی مواجه میشوند ، سوالاتی که حتماً باید به آن پاسخ لازم بدهند

و کودک را در ابهام باقی نگذارند . بزرگترین سوال آنها هم اینست که بچه و یا دختر چطور بو جود می آید و یا اصولاً خود آنها چطور بدنیا آمده اند و درین مورد کافی است که به آنها گفته شود که بچه ها و دختران در شکم مادران رشد می کنند و وقتی به اندازه کافی بزرگ شد آنوقت از شکم مادر خارج میشوند .

درین سن بعلاوه کودکان خصوصیات جنسی خود را هم پیدا می کنند ، مثلاً پسر ها احساس می کنند و می خواهند دائماً با مادر خود باشند به پدر خود که شب با مادرش در یک اتاق می خوابد حسادت می ورزد و نظیر این احساس را دختر هائست به مادر خود دارند ، در همین سن نیز ممکن است پس ها دچار بیخوابی شوند و از خواب بپرند و به اتاق خواب مادر و پدر خود بیایند وقتی آنها را کنار یکدیگر به بینند بیشتر ناراحت میشوند و دیگر به اتاق خواب خود نمی خواهند برگردند .

اینها البته جریان های عادی است که در هر کودک درین سن ، بطور ضعیف یا شدید ظاهر میشود و در این موقع باید پدران و مادران به کودک خویش کمک کنند تا او بتواند بر احساسات خود غلبه کند و این در حقیقت با آنهاست که در رفع نا راحتی کودک خود کوشش کنند .

بعضی از مادران معمولاً خوششان می آید

و افتخار می کنند ، و قتی می بینند که پسر کوچک شان آنها را در آغوش گرفته و از خدمت معمول زیاده تر عشق به مادر خویش نشان می دهند و لی بر مادران است که راه حل درین مورد جستجو که در محبت به کودک مرز و حدودی قائل شوند و برای کودک بفهمانند و قتیکه تو بزرگ شدی می توانی از دواج کنی و همسری داشته باشی و با او زندگی کنی .

در هر حال اگر پدر و مادر عاقلانه در این مورد رفتار کنند حسادت کودک کان بزودی از بین میرود ، دیگر پدر برای آنها یک رقیب نیست بلکه ولی نعمت و رئیس خانواده است و کودک سعی میکند چون پدر خود بتواند تازوی مانند پدر خود خانواده ای را تشکیل دهد و صاحب همسر و فرزند گردد . این مثال در حقیقت از نظر پرورشی آینده کودک حائز اهمیت می باشد .

کودکان چهار تا پنج ساله:

رشد کودک در چهار سالگی کاملاً محسوس درین سن میتوان با او درست صحبت نمود و حرف زد و مسائل مختلف را برایش تشریح کرد .

کودک در این سن بهتر حرکت می کند ، بهتر حرف میزند و بهتر نقاشی می کشد ، استعداد های سال گذشته کودک حالا شکل ثابتی بخود می گیرند و بایک تست عادی می توان تشخیص داد که عوش و ذکاوت و احساسات او تا چه حد تکامل نموده است ، این تست یا امتحان ساده است :

مثلاً کودک می خواهد شکل انسان را بکشد ، در این مورد نباید به او دستور داد که شکل یک انسان را نقاشی کند ، بلکه خود کودک معمولاً درین سن با علاقه ای که به نقاشی

دارد این کار را میکند ، آنوقت باید دقت و توجه کرد که او شکل را چطور کشیده است ، در اینجا نباید صحبت از این که کودک شکل انسان را از نظر نقاشی خوب و قشنگ کشیده است نیست ، بلکه مهم این است که او از اعضای بدن انسان آ یا همه را کشیده است یا نه ؟ یک کودک چهار ساله قبلاً از آنکه وارد پنج سالگی شود باید بتواند برای شکل انسان سر ، چشم ، بینی ، دهن ، پا و بالاخره تنه بکشد دختران معمولاً ذوق نقاشی بیشتری در این سن از پسر ها دارند و آنها قاعدتاً باید اشکال که رسم می کنند درست نقاشی کنند .

از نقاشی هائیکه توسط کودکان می شود نه فقط هوش آنها بلکه میزان تکامل احساسات شان را هم می توان تشخیص داد اگر شکل نقاشی شده خود را خط خط می کنند و یا فاصله های میان سر و بدن را درست ترسیم نمی کنند دلیل آن این است که از نظر احساسات و روان اختلافاتی در آنها موجود است ، کودکانی هستند که در اشکال و نقاشیهای آنها ، انسانی که کشیده اند ، دستش قطع شده است یا آنکه چشمانش را از حلقه بیرون کشیده اند و یا پشت او خمیده است این نقاشیهها حکایت از یکنوع ناآرامی درونی کودک و اختلال در احساسات او می کند .

حقیقت قضیه در نقاشی هائی کودکان آنست که آنها در این سن معمولاً خود را کمی شناخته اند و تصاویری که از یک انسان می کشیدند ، فقط یک تصویر خیالی و ذهنی نیست بلکه تصویری از آن چیز هاست که در خود شان یافته و کشف کرده اند ، مادران دلیق که در هر حال متوجه آینه کودک خود هستند بقیه در صفحه ۳۵



انرژی های نوگاران

عمر بعضی از حیوانات

گفته می شود که در جمله حیوانات فیل زیاد عمر می کند و یک فیل تا هفتاد سال زندگی کرده می تواند اسب ها که اقسام و انواع مختلف دارند طول عمرشان تا پنجاه سال میرسد به همین قسم اسب آبی چهل و یک سال، خرس سی و چهار سال، شادی بیست سال، پشک بیست و سه سال، و سگ ۲۲ سال عمر می کنند.

در پرندگان گرس ۵۲ سال، طوطی ۵۵ سال، گوربت ۵۵ سال، سایره ۱۷ سال، کتری ۲۲ سال، گلسر ۲۳ سال، و کرده اند.

کاردنبال سی سال عمر دارند. بهمین ترتیب یک نوع ماهی که «کارک» نامیده می شود عمر زیاد دارد که عمر آن ۲۵ سال نشان داده شده است و یک نوع ماهی دیگر که در آبهای سواحل کوه های انگلستان پیدا می شود شصت سال زندگی می کند.

در حیوانات کوچک کشت عمر زیاد دارد و یک نوع آن که موریتوس نامیده می شود یکصد و پنجاه و دو سال عمر می کند بهمین قسم در قسمت های جنوبی امریکا کشت های پیدا می شود که یکصد و سی سال عمر ۲۲ سال، گلسر ۲۳ سال، و کرده اند.

صابون چه وقت ساخته شد؟

استفاده از صابون برای نخستین بار در روم رواج پیدا کرد مگر نه اینطور که اکنون مورد استفاده قرار دارد در آن زمان بعد ازین که توسط یک نوع غنچه های سبز بدن را مالش می دادند به تعقیب آن بعد از خود را ذریعه مکنیز می شستند. مگر صابون بشکل امروزی (البته با کمی تفاوت) در قرن هفتم میلادی ساخته شد. در قرن هشتم مسلمانان هم به ساختن صابون شروع کردند مگر ساختن صابون در اروپا در قرن نهم آغاز یافت در لندن تا قرن دوازدهم صنعت صابون سازی شروع نشده بود تا اینکه در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم صابون در آنجا ساخته شد در سال ۱۶۵۳ زمانی که ملکه انگلستان الیزابت وفات کرد اولین شستن بود که صابون را برای شستن بدن وی به کار بردند. در امریکا صابون در سال ۱۶۰۸ ساخته شد.

ارتفاع برج ایفل

در طول چهار فصل تغییر می کند. هر کس میداند که برج ایفل ۳۰۰ متر ارتفاع دارد مگر فکر می کنیم برای بسیاری مردم این موضوع معلوم نباشد که این ارتفاع در هر فصل سال و در هر قسم شرایط جوی یکسان نیست و با تغییر درجه حرارت فرق می کند. طوری که برای ما

معلوم است زما نیکه یک میله آهنی که ۳۰۰ متر طول داشته باشد در چه حرارت داده شود ۳ میلی متر به طول آن افزوده می شود و به این اساس زما نیکه هوا به اندازه یک درجه گرم شود باید به ارتفاع برج ایفل هم ۳ میلی متر افزوده شود مواد آهنی از آن متأثر شده عکس العمل آن ظاهر می گردد.

تغییراتی که در برج ایفل بوجود می آید بواسطه یک میله فولادی نکل دار معلوم می گردد خاصیت این میله فولادی که با برج ایفل یکجا نصب گردیده چنین است که با کم و زیاد شدن درجه حرارت در طول آن تغییرات نمی آید و دائماً به یک حالت ثابت می باشد از این سبب است که در روزهای گرم قله برج ایفل به اندازه ۱۲ سانتی متر ازین میله فولادی بلند می شود مگر شکفت تر از آن نیست که این میله فولادی تغییر ناپذیر که بسیار خاصیت خوب گردیده است که برج ایفل به دراز آرمایش مستقیم معلوم دارد یک دینار هم ارزش ندارد.

احترام هلیکوپتر جدید

در اوایل سال ۱۹۸۰ هلیکوپتر جدید بنام ((تاو روس)) توسط یک گروه دانشمندان پولندی اختراع گردیده و مورد استفاده قرار گرفت.

این هلیکوپتر جدید که ظرفیت انتقال ده سواری و سه نفر پیلوت و عملیه طیاره را دارد بر علاوه اینکه وظیفه امبولانس را اجرا می کند همچنان در وقت ضرورت می تواند اموال تجارتن را نیز حمل نماید به همین ترتیب پولند در معرض نمایش قرار این هلیکوپتر برای فرستادن داده شد.

ادویه شیرین!

عسل علاوه بر اینکه یک غذای شیرین است ارزش دارویی هم دارد. در زمانهای باستان مردم به منظور علاج زکام و ریزش یک قاشق عسل را با شیر و لیمو در چای انداخته و به قسم دوا صرف می کردند. یک نشریه بلغاریایی می نویسد که اکنون این موضوع در مشاهدات کلینیکی به اثبات رسیده است که عسل برای کاستن ستریت معده و زخم معده، تیزاب معده، و گاستریک

اسید و فشار خون و تشویش اعصاب یک دای مفید محسوب شده می تواند. اگر روزانه سیالی چهل گرم عسل خورده شود هاضمه را نورمال نگه میدارد و ناشمندها معتقدند که عسل هشتاد نوع مواد مختلف دارد که مواد مذکور برای عضو است انسان ضروری است و آن باشند عبارت از تمام ویتامین ها، آنزیم ها، اسیدهای عضوی، نمک های معدنی، هورمون ها، انتی بیوتیک ها و غیره می باشند.

بزرگترین آتشفشان جهان

یکی از بزرگترین و وحشتناکترین انفجار آتشفشانی که نظیر آن طی هزار سال اخیر دیده نشده عبارت از (تمپوره در جزیره سو مباوه) است که بتاريخ ۵ ابریل سال ۱۸۵۱ در اندونیزیا بود و قوای بسیار ست، آواز انفجار آن بعدی مد هشت بود که از فاصله ۱۸۰۰ کیلومتر متری شنیده شده بود فوران این آتشفشان خیلی شدید بود و از ۱۰ الی ۱۲ ابریل ادامه داشته و باعث جدایی کتله بزرگی از دهانه آن گردید. همچنان در فاصله پنجمصد کیلومتر دور آتشفشان مذکور مدت سه روز تا ریکی مطلق حکمفرما بود. از مرکز آتشفشان جفله سنگ های که قطر آن به ۱۵

سانتی متر می رسید به فاصله ۰۷ کیلومتر به اطراف پرتاب می گردید. تمام قسمت فوقانی قله آتشفشان که ارتفاع آن به بیش از چهار هزار متر می رسید دهانه بزرگی از آتشفشان را بوجود آورد که قطر آن به ۶۶ کیلومتر و عمق آن به ۶۰۰ الی ۷۰۰ متر می رسید.

طی فعالیت آتشفشان مذکور مواد زیادی از دهانه آن به اطراف پرتاب گردید و طبقه ضخیمی را از خاکستر و جفله ها روی جزیره تمپوره بوجود آورد. بر علاوه آنکه باغهای پر شکوفه و زمین های مزروع طعمه حریق گردید ۹۳ هزار نفر چه از اثر گر سنگی آتشفشان و چه از اثر گرسنگی ناشی از آن به هلاکت رسیدند.

از انرژی بحر چگون استفاده کرد

این منبع انرژی از اختلاف حرارت آب سطح بحر و اعماق آن بدست می آید. مهمترین موقعیت این منبع انرژی حرارتی بحر در دو هزار کیلومتری اطراف خط استوای زمین قرار دارد که بین خط سرطان و خط جدی تصادف میکند. در اینجا بین اعماق ۷۵۰ و ۱۰۰۰ متری بحر اختلاف حرارت از ۱۵ الی ۲۵ درجه سانتی گراد در تحول بود و نظر به سطح بحر به همین اندازه سرد تر می باشد و این انرژی حرارتی بحر در سال ۱۹۳۰ در ساحل کیوبا اعمار گردید. اکنون چندین دستگاه آن در نقاط مختلف ساخته شده که انرژی حرارتی آن مورد استفاده قرار دارد و بنام دستگاه اوتیک یاد می شود. پیشنهادات عملی در مورد بکار انداختن دستگاه های مذکور در دو تصنیف گنجینه می شود. دستگاه های سیستم سایکل بسته و دستگاه های سیستم سایکل باز.

در دستگاه های سیستم سایکل بسته مایع بحر به همین اندازه سرد تر می باشد و این انرژی حرارتی بحر در سال ۱۹۳۰ در

حرارت سطح آب بحر، آمونیا تبخیر میگردد، آمونیا که باین ترتیب به تبخیر میرسد قوه حرارتی آن باعث گردش موتور علیحده میگردد، موتور مذکور چون بیک جنر اتور دیگر وصل است بنابر حرکت آن قوه برق بخوبی تولید شده میتواند.

بعد از آنکه آمونیا تبخیر شده از توربین خارج میگردد در تیوپ علیحده به حرکت افتاد موقعیکه در آب سرد اعماق پائین تر بحر میرسد دوباره به مانع مبدل میشود بعد از آن عملیه پمپ کردن دوباره در توربین رهنمایی میگردد تا در اثر حرارت آب سطح بحر داخل توربین تبخیر گردد و باین ترتیب با سایکل های

بقیه صفحه ۳۳

شناخت استعداد

به تقاضای کودکان خود نیز توجه داشته و می توانید به بسیاری از روایات آنها پی ببرید و بفهمند که آیا کودک آنها واقعا با مشکل و ناراحتی درونی روبروست؟ آیا احتیاج به توجه و مراقبت زیادت دارد؟ آیا دچار نگرانی و ترس شده است و از چیزی دائم در وحشت و نگرانی است؟ و یا آنکه خوشبختانه کودکی از هر جهت سالم و بدون هیچ عارضه و اختلال درونی است.

کودکان چهار ساله می توانند با قیچی، کاغذ علاقه فراوان نشان می دهند و اگر «سکاج تپ» به اختیار آنها گذاشته شود حتی ساعت ها به آن مصروف خواهند شد. کودکان در فاصله سن پنج سالگی علاقه و توجه زیادی به جریاناتی دارند که در اطراف آنها اتفاق می افتد. پدران و مادران می توانند در باره این اتفاقات و حساسیت ها کودکان خود به سبب آنها صحبت کنند و ذهن آنها را با واقعیت های عادی زندگی آشنا سازند که از ابلاهی این گفتار قسم زبانی آنها را زیاد تر می کند.

مثلا در باره اینکه ما می چرا در آبنزدگی می کند؟ انسان از چه ساخته شده است؟ برای اینکه آب را جوش بدهد از چه استفاده کرد؟ چرا انسان کار میکند؟ چرا چنانست کاران را زندانی میکنند؟ اموظیفه مادران و پدران و در قدم دوم از معلمین کودکانست - هاست که به آنها جواب درست و قناعت بخش دهند تا ذهن آنها کلمات و جملات درست را ثبت نماید و به آنها می توان از سن بسیار خودی این هنر را یاد داد که در آینده آنها می تواند به جرات صحبت نماید و صحبت آنها حقیقت داشته باشد باید درین قسمت زیاد تمرین کرد با او زیاد صحبت نمود، حرف زد و از آنها سوال کرد و جواب قناعت بخش شنید و قنیه آنها جواب درست دادند آنها را تشویق کرد که تشویق در بلند بردن و یا بیدار ساختن استعداد های آنها نقش مهمی را بازی می کند.

کلمات کرد یعنی یک کلمه را گفت و از آنها خواست هر چه راجع به این کلمه باشد می آید بگوید مثلا توپ بازی و غیره. ولی مهم این است که این تمرینات نباید به عنوان درس انجام گیرد بلکه این تمرینات جنبه بازی و تفریح داشته باشد و کودک از این کار لذت ببرد و از آن نتیجه بهتر خواهد گرفت و بدین ترتیب کمک مهمی به تکامل و پیشرفت استعداد او خواهند کرد.

کادگان پنج تا شش ساله:

کودکان پنج ساله دو زبان طولانی و پراز تحول را پشت سر گذاشته اند و در حقیقت کودکان رسیده اند آنها قیافه ای مطمئن تر از کودکان چهار ساله دارند و از آنها جدی تر و مستقل تر بنظر میرسند.

کودکان درین سن گاهی مایل هستند از پدران و مادران خود دوری اختیار کنند و دوستانی برای خود پیدا میکنند که به آنها بازی کنند و سرگرم شوند. اما بعد از اندک مدت که با دوست خود مصروف بازی باشد بیاد مادر خود می افتد و علاقه مند میشود زودتر به خانه برود و مادر خود را ببیند. بطور خلاصه: همه چیز حکایت از آن دارد که کودک به زودی آمادگی برای رفتن مکتب و قدم گذاشتن به جامعه و تماس با همسالان را فرا می گیرد اما بعضا پدران و مادران درین سن نگران می شوند و با خود میگویند آیا دختر و پسر ما که به مکتب رفتن استعداد فرا گرفتن دروس را خواهد داشت؟ و درین سن خود کودک نیز متوجه این نکته میشود که سال آینده به مکتب خواهد رفت، نگرانی و تشویش نیز نزد او ایجاد می شود و با هیجان زیاد منتظر روز بیست که از خانه به مکتب برود.

درین جا فقط توجه مادران و پدران را می خواهم که هرگز استعداد کودکان را ناچیز تصور نکنند و به آنها اطمینان داشته باشند و حالا خوشبختانه فرصت این کار در مکتب بارویکار آ مدن توجه که در قسمت ثریه آینده سازان این کوره است این آرزو شما برآورده خواهد شد که استعداد های نهفته آنها بیدار شده و آنها را متوجه مسؤولیت های آینده که در پیش رو برای شکوفائی با کودکان درین سن می توان بازی توسط

آنها که جایزه هارا...

از او میسر سم نظرش در باره نو پر دا زی و شعر نو چیست و آیا او این فورم شعری را می پسندد ، یا خیر ؟ ، میگوید :
اگر منظور از نو پر دا زی این باشد که شاعر به او زان شعری بی اعتنا باشد و آنرا نشناسد و کلام آهنگین را شعر پندارد و یابی سبب در طول مصراع ها کمی و افزونی وارد آورد زیاد به آن خو شبین نیستم و هر گاه مراد آن باشد که شاعر فرزند زمان خود باشد و به جای تقلید کو را نه از شاعران متقدم و به کارگرفتن همان استعاره و تشبیهاتی که صد ها بار در شعر پیشینیان آمده است خود خلاقیست و آفرینندگی هنری داشته باشد و مضمون و محتوی شعر را نو گرداند و در این زمینه از کهنه گراهی پیر هیزد سخت به آن معتقدم و به کار چنین شاعرانی ارج میگذرم .
دکتر خیر خواه در پاسخ به یک پرسش دیگر در این زمینه که وی کدام سبک شعری را ترجیح میدهد و خوبتر میتواند اندیشه اش را در آن بپیرد و راند و انعکاس دهد میگوید :
من در هنر به ریا لیزم اعتقاد دارم و به این عقیده ام که با این سبک هنر مند خواهد شاعر باشد و یا نو پسندد و یا نقاش و...
بهرتر میتواند زندگی عینی جامعه خود را انعکاس دهد و درقا لب مفاهیم هنری آنرا به دیگران القاء کند خود هم در همین روال میسرایم و میگویم در شعرم زندگی مردم میهن خود را آنکو نه که جریان دارد انعکاس دهم او در یک زمینه دیگر میگوید :
شعر باید آئینه را ستین نماید دردهای اجتماعی باشد ((نه بیان کنند دردهای درونی و کمال فردی شاعر چه در این صورت شاعر فقط خود و احساس و کاستی های خود را مینماید و نه جامعه و مردم خود را ، و برای اینکه شاعر بتواند درد مردم را انعکاس دهد باید در میان آنان زندگی کند)) این درد ها را حس نماید ، از آن متاثر گردد و باز آنرا در تخیل شاعرانه بازتاب دهد .
از دکتر خیر خواه خواهش میکنم برای آشنایی بیشتر خوانندگان ژوندون نمونه هایی از شعر خود را در اختیارم قرار دهد و او دو بار چه شعر ((دافغان مهر مان ولس ته)) و ((د انقلاب دفاع)) را که از نظرش و جدهمان خصوصیت های بی است که وی از آن دفاع میکند در اختیارم قرار میدهد .
شما را به خواندن این پارچه شعر ها دعوت میدارم :

دافغان قهر مان ولس ته

داستبداد خنجر دی مات کره قهر مان ولس ته
نوی نظام دی مبارک شه افغان ولس ته
تا په ملی قیام ما بی دستبداد په تکه کره
تا که ترسره د عمر و نولوی ارمان ولس ته
له دایره مارو ستمگر و نه دی خلاص کره خلک
له زور او شو رنه دی خبر شو نول جهان ولس ته
چی به زموږ په سر نو شت او هستی لوی کیدی
لاپ لوی ختم شولونور هغه دوران ولس ته
دغه نظام زموږ په ژوند کښی دید لو ن نقطه ده
د انقلاب په کړی ترسره هرا رمان ولس ته
د شرافت او عزت ژوند به هر افغان و لری
د قدر و پده کارگران او دهقانان ولس ته
ای د عمرو نو زور ید لو زیار ایستو نکو خلکو
درنه شول لیری ټول غمونو او خفگان ولس ته
هر یو ارمان به د ملی نظام تحقق و مومی
سم د تاریخ په مسیر او س شو لوروان ولس ته
په یو وحدت سره وتلی یو خدمت د پاره
په خپل همت سره وطن به کړ وودان ولس ته

دا خپل ملی پیر غ به لوړ پدی جهان کښی سا تو
وطن به ساتو په سرو وینو د خپل خان ولس ته

د انقلاب دفاع

د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی
راغلی دا بدلون د هر کارگر په گټه ده
دا هر فیصله لوی د بزگر په گټه ده
د خپل ملی نظام نه کارگر انقلاب کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی
په غه انقلاب کښی سود خورو کړی تا واندی
خاښی او رشوت خور له وطن تښتی بړی خفگان دی
له پاکو ارمانونه بزگران دفاع کوی
په زیاتو ولولوترینه دهقان دفاع کوی
د ثور انقلاب لری سپیڅلوی هد فونه
چی ټول خلک آزادم شی لری داسی پلانونه
نو ځکه تری زموږ زیار کښی دفاع کوی
د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی
تاریخ سره چه سم ځی خامخا به کامیابیږی
د داسی سیلاب مخه چه څوکی نیسی محو کیری
د خلکو نه د خلکو لوی جهان دفاع کوی
د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوی



شکریه برنده جایزه تشویقی
میناتور

او که از سال ۱۳۵۷ کار مینا-
تور را به آغاز گرفته است تا
اکنون بیش از بیست و پنج اثر
مینا توری دارد و غلام جیلانی
روحانی را استادش معرفی
میکند .

شکریه در جواب به یک پرس-
شش با حرکات دست و مایم
و حالت های چهره جواب میدهد

که با روی آوری به هنر و بس-
پرو رش گرفتار استعدادش در
این زمینه اکنون رنج معیوب بودن
را کمتر احساس میکند و میگوید -
شد آنچه را که نمیتواند بازبان
به گفت آورد آنرا با زبان هنر به
بیان آورد .

او که معیوبیت موجب شده
است که نتواند به تحصیل تش-
بیش از صنف سوم ادا مه دهد
آرزو دارد با کار متداوم و آموزش
مینا تور بیست و پنج جسته یی
گردد و آثار ممتازی را در این
بخش هنری به وجود آورد .

شکریه در موقع خدا حافظی
به خواهرش می فها ند به من
بگوید که از علاقمندان مجله
ژوندون است و همیشه شما ره
های این مجله را میخرد و مطالب
اثر برنده جایزه شناخته شده

زن فریب خورده...

فایر گفت :

خوب چه شده ؟

— قضیه این است که من نمی توانم این متن را اجرا کنم ... چوّل این زن مهر بان شما عادی نیست، بامن اینطور درک می کنم ، من انگیزه رفتار او را نمی فهمم ، وجود شما احساس نمی کنم ، خلاصه نمی توانم در نقش او ظاهر شوم ، یعنی چه ؟ زنی که در کمال ناشیگری به او خبر می دهند شوهرش بازن دیگری به سفر رفته ، شوهرش را می پرسند و تنها واکنشش این است که در جواب بگوید :

— « مهم نیست ، همینکه خوش و راضی است ، من هم خوشحالم — » چنین چیزی ممکن نیست ، خود مانیم روبرو ، تو رفیقهای زیادی داشته ای ، آیا هرگز زنی دیده ای که به هنگام عاشقی رفتاری مانند این کرکتر در نمایشنا مه تو داشته باشد ؟

فایر با غرور تمام جـواب داد :

— تنها یکزن ، و این همان است که در نمایشنامه « زن فریب خورده » وصف می کنم ، درواقع همین صحنه ای که به نظر شما غیر واقعی است ، عین واقعیت است ، برای اولین بار همه مصالح کارم را از واقعیت های زندگی گرفته ام ، شاهد آن هم بر تر آن است که در صحنه حقیقی او طرف صحبت زنی بوده است که اینک شما در نقش او بازی می کنید ، زنی به طرف من برگشت و گفت :

— پس مسوول این مـزخرفات تو هستی ؟ چنین مطلبی را تو با گوش های خود شنیده ای ؟ ممکن نیست ... یا این زنکه ابله بوده که

در آنصورت من نمی خواهم در نقش یک ابله بازی کنم و یا اینکه تظاهر به بزرگواری کرده است ، چون خود او با کمال علاقه در صدد استفاده از آزادی بوده است که در این صورت چهره طبیعی و انسانی دارد ، اما این مطلب مایه نمایشنا مه دیگری است .

در محصله عجیبی رفتار شده بودم ، زنی کاملاً حق داشت او با فراست هنری به وضع ژولیسـت واقعی در صحنه زندگی پی برده

بود ، اشکال کار این بود که من نمی توانستم حقیقت قضایا را به او بگویم ، چه در آن صورت هم به روبرخیانت می کردم و هم به اورت سسکوت اختیار کردم .

ژنی گفت :

لطفاً جوابم را بده ، تو خودت این ژولیسـت را دیده ای یا خیر ؟ اگر واقعا او را دیده ای ، چنین زنی را چگونه آدمی میدانند ؟

فایر هم با تشدد گفت :

بلی ، بر تران حرف بزن !

من اکنون یادم نمی آید چه جواب دادم ، تعدادی جملات بی سر و ته یادم است ، تلاش های مذبو حانه ای برای تغییر شکل قهرمان و توجیه رفتار او در نزد ژنی به کار بردم و در عین حال سعی کردم اورت را در نزد فایر رسوا نگردانم ، اما هیچ یک از تلاش های من مؤثر نیفتاد و زنی در عین کامیابی فریادزد :

— خوب دیدی ، بر تران هم معتقد به صفا و پاکی ژولیسـت نیست .

— من چنین چیزی نگفتم ! — جرات گفتنش را ندارید ولی از گفته های شما به خوبی همین مطلب مستفاد می گردد .

از این لحظه فایر از ما فاصله گرفت ، به او نگاه کردم ، قیافه اش وحشتناک بود ، از این طرف به آن طرف صحنه میرفت ، سرش را به شدت تکان میداد ، گاهی دستانش را در موی سرش فرو میبرد و گاهی ناخنهایش را می جوید ، ناگهان به سوی من آمد ، دستهایش را باز کرده انگشت سیاه را به جلو گرفته بود ، چشمهایش سرشار از خشم و تهدید بود ، رو به من کرد و گفت :

— فهمیدم زنی را ست می گوید ، تو ای که دروغ گفته ای ، رفتار من بچکانه بود ، برای اقدامی که تنها از دست دوستی ساخته بود من به فاسق اورت مراجعه کردم چـون تصور می کردم که دوست منی . یکی از آن خنده های کذایی را که شبیه شیشه اسب بود . سر داد :

از آن خنده های نمایشی ، خشناک شدم و گفتم :

— من دوست تو بودم و هستم ، ولی دوست اورت هستم دوستش و نه فاسقش ، تو این مطلب را خوب میدانی ، وقتی خودت مرا در موقعیت

حساسی قرار میدهی گناه — چیسـت ؟ گفت :

— پس اعتراف می کنی که اورت مطا لیبی به تو ابراز داشته بود که از من مخفی کرده ای ؟

— من اعتراض نمی کنم ، منظورم اینست که وضع من در میان شما دو نفر مشکل بود .

ولی او دیگر به سختم گوش نمی داد ، به طرف ته سالون براه افتاد ، کلمات نا مفهوم می زیر لب زمزمه می کرد ، آنگاه با چهره بازو تقریباً خندان به سوی من و ژنی آمد دو دستش را روی شانه های ژنی گذاشت و با خوشرویی تحسین آمیزی به او تگریست و گفت :

— تو هنرمند بزرگی هستی ، بسیار بزرگ ، توسط با غریزه هنری فهمیدی که موضوع نمایشنا مه من نه راست بود و نه واقعگرا نه و من نیز که هنرمند بزرگی هستم همینکه زاهدانه من نشان دادی علی الرغم تمایل و غرورم آنرا تعقیب کردم ، در آنی به واقعیت پی بردم و به زودی آن واقعیت را خواهم نوشت ، نمایشنا مه بسیار خوبی خواهد نوشت ، حال باید این نمایشنا مه را از نو بنویسم به تو قول میدهم که اینبار تو در نقش شما یسته آن بازی خواهی کرد . ژنی با قیافه متاثر گفت : « انشاء الله »

آنگاه به من گفت :

— اما تو ، باید به من کمک کنی . در این هنگام در بان تماشاخانه آمد و به فایر گفت :

— خانم با موثر آمده و انتظار شما را دارد .

صدای همان خنده کذایی به گوش رسید :

— خانم پایین است ؟ بگو بیاید اینجا .

لحظه ای بعد اورت خندان از دره در آمد و گفت :

— عجب امروز من هم حق دارم وارد شوم ؟ بر تر آن هم ؟ این قدر کار تمرین پیشرفته ؟ زنی سلام !

فایر در حالیکه سرش را تکان میداد سری تکان داد و گفت :

— خیلی بد جنسی ولی باز هم دوستت دارم و تو هم چه بخوای و چه نخواهی دوستم داری ، بلی تنها مرا دوست داری ، اودت عزیز ، به زودی زیبا ترین نمایشنا مه ام را خواهیم نوشت .

زنش جواب داد :

— منظورت از منی فهمم ولی گیت را باور می کنم .

فایر خیلی کار نمی کرد ، سالی یک نمایشنا مه می نوشت و کنار نگارش آن هم سه چهار هفته وقتش را بیشتر نمی گرفت ، در موقع کار بسیار جدی بود ، ابتدا موضوع نمایشنا مه اش را به هر کس که بر می خورد تعریف می کرد تا تأثیر آنرا بسنجد ، صدا های مختلف را تقلید می کرد ، قیافه های گوناگون به خود می گرفت و از تحول قصه الهام می گرفت ، وقتی از سناریو مطمئن میشد ، صحنه ها یی از آنرا در حالیکه در اتاق کارش قدم می زد به منشی اش دیکته می کرد و به نوبت جانشین همه بازیگران نمایشنا مه اش میشد ، سرانجام چـرکتو پس را می خواند ، در این مرحله کارگاه های با من مشوره می کرد نمایشنا مه « زن فریب خورده » در فورم تازه ای خود به نظرم زیبا بود ، با شما متی شگفت انگیز حساس ترین جنبه های واقعیت در دناک در آن بررسی شده بود ، درامی شده بود راستین و گیرا ، هنر لیات از تند و وشدت آن میکاست و تضاد موفقی با صحنه های زننده پدید می آورد . وقتیکه نمایشنا مه را برای ژنی خواند من حضور نداشتم ، ولی چند روز بعد ژنی را دیدم و او از من پرسید :

— نمایشنا مه « زن فریب خورده » در شکل نو آن شنیدی ، واقعا خوب است ، نه ؟ عین زندگی است بی رنگ و روغن .

— پس از نقش خودت را ضعی هستی ؟

— کیف می کنم ، باز گو کردن آن ، احساس آن ساده است مشکلی وجود ندارد .

— تمرین ها به سهولت و سرعت بر گزار شد .

گاهی فایر مرا هم دعوت می کرد و اورت را در آنجا میدیدم پس از آنکه شوهرش بویی از قضایا برده بود ، من دیگر او را ندیده بودم ، چه در تماشاخانه و چه در مجالس و محافل ، وقتیکه با هم دیده میشدند قیافه کاملاً عادی داشتند و اشاره ای به اختلاف هم نمی کردند ، به زودی شروع نمایش « زن فریب

بقیه در صفحه ۵۵

تجربه های بهائیان

نمونه نوشتاری از شاگردان کورس ادبیات
اتحادیه نویسندگان

در جستجوی تو باشم .
پرود گارا !
تو مرا یاری بده و مرا رهنما باش
تا درد و غم خویش را با عبادت تو
فراموش کنم ، فریادی را که در دل
شب از ذرات جانم بر می خیزد به
عرش برسانم .
خداوند !
خداوند !

بنده ات را ببخش و صبری
برایش بده که بی مانند باشد ، زیرا
همه چیز برای وی شوم است . مانند
غریقی است در بحر زندگی که همه
هستیش با کشتی حوادث در میان
امواج خروشان رها شده باشد .
خدا یا !
تو مرا نا امید مساز ، من
تشنه محبتم و تویی نهایت مهر -
بانی ، مرا نجات بده و از درماندگی
دورم کن .
خدا یا !
فریاد مرا بشنو به بنده ات
رحمی کن ، خدا یا ! خدا یا !

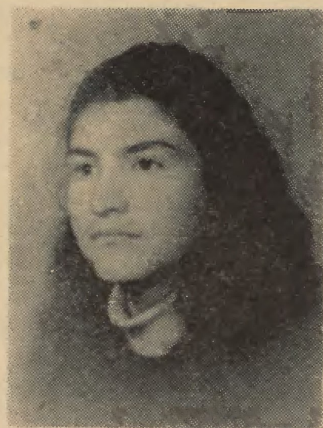
اندیشه

آن نقش انسان دوستی ، مهر به
انسان و مقام انسانی را مشاهده می
کردیم .

ای کاش این همه انسان هایی که
از یک اصل و جوهر اند . کمر به
قتل یکدیگر نمی بستند ، از ساحل
لبریز سعادت و گل های آرزوی
دیگران گل نمی چیدند . ولی افسوس
که همه انسان ها یکسان نیستند به
مقام انسان اوزشی را نمی پذیرند ،
بینوایان و زجر کشیده گان جامعه را
به چشم حقارت می نگرند ، همه
خوشی ها و سعادت ها را از آن خود
میدانند ، مایه شادی و خوشبختی
را تنها به خود می جویند . ولی
خوشا دسته یی دیگر اند که زندگی
خود را وقف دیگران ساخته اند .
خوشبختی و سعادت خود را در
سیمای دیگران جستجو می کنند .
و به خاطر سعادت دیگران رنج می
کشند .

ای کاش همه انسان ها چنین
خصلتی می داشتند ، انسان های
سخت دل و خود خواه وجود نمید-
داشتند ، تا عشق و محبت به انسان
و ارزش به مقام انسان همیشه
جاویدان میبود .

ای کاش چنین خصلت نیکویی
همه جامعه را پربار و عشق و
جاذبه و صمیمیت در تن و روان همه
جاودانه زنده گردد .



طاهره افضلی معلم صنف دوازده
لیسه انقلاب

ای کاش زندگی انسان همواره
آمیخته با فرزانه گی می بود ، تا گل
های آرزو همیشه سر سبز میبودند .
ای کاش زندگی انسانی که آرزو-
مند بود ، به زودترین فرصت با گل
های جوان و مالا مال از امید و
آرزو از بین نمی رفت .

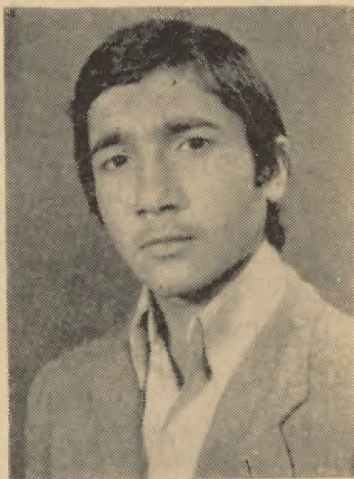
ای کاش زندگی انسانی که در آن
چیزی ندیده بود و از آن گل عیشی
نه چیده بود ، در منجلاب به سر
برده و عبیر امیدش بدون پندوک
باقی مانده بود ، به زودترین فرصت
به خواب ابد فرو نمی رفت .

ای کاش قلب انسان ها که خانه
مهر و صفاست همیشه روشن می
بود و همچو آئینه با صداقت . تادر

توشه آینده

بشت خمیده ریش سپید و عصا
به دستی در حرکت میباشد پیابه
نظرم میرسد ، یک حس ترجم ، توأم
با ناراحتی برایم دست میدهد ،
لحظه یی خود را فراموش کرده غرق
دنیای خیال میشوم و یاد آن ایامی
را تصور می کنم که همچو این پیر
مرد خزان ندیده ، خزان زندگیم فرا
رسد و دست بی رحم روزگار پال
های پر قوت جوانیم رادر هم شکسته
خرد و بیچاره ام گرداند و جز یاد
خاطره ها چیزی از من دل سوخته
ساخته نباشد .

و با خود تعهد می سپارم که:
حال که قوت و نیروی در خود می
بینم باید از آن بهره و به ره مطلوب
به کار برم تا توشه یی در
هنگام کمهولت و مایه یی برای بسا
افتخار زیستن داشته باشم .



حبیب «تجیب»

نیایش

ای هستی و زندگی من !

آغاز گر سر نوشتم تویی ، من
ترا می جویم ، نام تو در قلم نقش
بسته است می خواهم به زبان بیاورم
اما میدانم که صدای مرا خواهی
شنید و خواهی دید که مالک آن تنها
تویی ، تو که آفریدگار منی .

من حالا به خاطر عشق تو زنده ام
مرا بگذار تا ترا همیشه عبادت کنم و



ملالی کبیر

برادر کارگر

ای برادر کارگر، که از فیض و جلال دستان پر آبله تو مردم تمام جهان به آسودگی زیست میکنند، سخنانم را بشنو:

در دورا نهی گذشته به زندگی تو و همکاران تو توجه نمیشد. اما حال که انقلاب تو (انقلاب کارگری) در میهن به پیروزی رسیده و پیرویه تکامل خود را تکمیل میکند، به تو اطمینان میدهم و ایمان راسخ دارم که زندگی تو از بنیاد تغییر خواهد کرد.

برادر عزیز، چون هدف‌های انقلاب هدف‌های تو یکپسند است، سپس به خاطر تحقق بخشیدن هدف‌های یگانه باید بایک دست چرخ ماشین و با دست دیگر ت سلاح بر دست‌از انقلابت دفاع کنی و تا وقتی که قطره خون در بدن داری با برادران سرباز و جوانان دلیر میهن برای نابودی کامل دشمنان ناموس، میهن و انقلاب به مبارزه پرداز. و اگر لازم بیافتد در این راه جام‌شهادت بنوش و حماسه دیگری بیا فرین، و نام نامیت زادرج تاریخ مبارزین واقعی کشور کن.



هما متعلم صنف ۱۲

برادر، به این امر ایمان کامل داشته باش که انقلاب از خودت است و برای تو کاری را انجام می دهد. پس وظیفه توست که در گام نخست از آن دفاع بکنی. و در گام دوم سطح تولید را بالا ببری و چون آفتاب فیض رسان باشی.

خاطره



زرمینه نظری متعلم صنف ۱۲
لیسه انقلاب

بدر، ندای قلبی را به یاد آر که سالهاست فریاد میزند که کجایی؟ و اکنون با صدای گرفته در تاریکی شب باز هم می گوید به سویم باز گرد، گوش کن و تحلیل کن. که آیا میتوانم؟ باوجود دوری تو در این

چند سال باز هم ترا مانند دوران کودکی دوست بدارم. آیا میتوانم؟ با صدای قلبی که مملو از عشق و محبت یک دختر نسبت به پدرش است ابراز نمایم که محبت تو مانند رو- شنی مهتاب انسان را از وحشت تاریکی نجات می بخشد.

آیا به یاد داری آن لحظاتی را که با هم در زیر یک سقف زندگی می کردیم، دست پر نواز شت را به سرم می کشیدی و با گفتن (دخترم) مرا از محبت در زندگی لبریز می نمودی، فضای خانه با بودن تو نمایانگر خوشی ها بود.

اما دریغ! که زندگی بالاخره با همه یک نواختی‌ها، جدایی‌ها خوشی‌ها و ملال هایش سر میرسد و از تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها به جز خاطره‌ای در ذهن چیزی باقی نمی ماند، آری من امروز تنها یادی از آن روزها می نمایم و جز خاطره‌ای بیش چیزی در مخیله ندارم.

یادم است آن روز یکه مرا به

مکتب شامل ساختی و شبها نادیر برآیم درس می آموختی و مرا به آینده امید واری کردی به خاطر دارم آن روزیکه برای اولین بار پارچه ام را که در صنف اول بودم گرفتم و در خانه آودرم مرا بی اختیار درآغوش کشیدی، و یکبار دیگر برایم ثابت شد که واقعا تو موجودی هستی قابل ستایش.

به ویژه توای پدر محبوبم، که برای آرامی من زندگی را به کام خود تلخ ساختی، بلی تنهایی، جدایی و دوری و همه ملال‌ها را متحمل شدی.

باز هم برایت می نویسم، آیابه یاد داری هنگام رفتن را؟ بلی در حافظه هم هنوز هم باقیست آن روز بهاری هنگام غروب دامنه‌های ابر رنگ شقایق را به خود گرفته بود مانند این که عاشقی را کشته باشند که از خون او دامنه‌های ابر سرخ شده باشد، درخت هادر اثر وزش با دلرزه براندام داشت و شر شر آب که از لابلاي درختان تپه به تندی سرازیر میشد موج می گرفت و می گذشت نمایانگر آن بود که زندگی نیز چنان است که موج می گیرد و بالاخره از هم می پاشد، لحظه‌ها میگذرند و خاطره‌ها باقی

نغمه دل

وای کاش مرا فردا های بیشمار می بود تا اندر آبادی میهنم جان شرین، خود را نثار میکردم.

وای کاشی کودکی می بودم تا به صحرای سرخ شفق زار به پذیرایی کاروان سعادت گام می نهادم، و همگام با این کاروان به شهر زیبایی‌ها و شهر علم و عرفان برای یکسک زندگی واقعی می آمدم.

وای کاش ویرانه‌ها را به دست های خودم آباد میکردم، نه چنانکه مرغی را از داشتن کاشانه بسی نصیب میکردم، بلکه برای چوپه هایش نیز مخفی گاهی میساختم تا در زمان ترس و وحشت پناگا هی میشد برایشان رضایت بخش و خوش آیند.

وای کاش دهقانی راهمواره میدیدم که با دستش دانه های هرزه را از میانه کشتش برمی چیند به دورش می افکند.

می ماند. بلی در همین روز زیبا بود که به خانه باز گشتی چهره ات نمایانگر آن بود که اندوه بزرگی را در دل نهفته میداری و می دیدی که رنج بدبختی همه به مارو آورده است، تو آن روز بیشتر از هر روز دگر مرا نوازش میکردی و گویا خود را مسئول میدانستی که برای آرامی و خوشبختی من و فراهم شدن زمینه درس و تعلیم جدایی و دوری را قبول کنی تا بتوانی شرایط را برای من مساعد سازی که خوب زندگی کنم، خوب بخوانم و به زندگی آینده امید وار باشم، بلی از نزدمن به فرسنگ ها دور رفتی، دوری تو برایم طاقت فرسا بود اما آهسته آهسته عادت کردم.

اگر چه مانند تاریکی شب که همه درختان و کوه های سربه فلک کشیده و خورشید را به کام خود می کشند آرزو هایم به تیره گی گرایید، اما امروز تنها چیز یکه باز هم مرا امید وار میسازد نامه های نوست که برای رسیدن آن لحظه شماری می کنم، باز هم انتظار ترا می کشم و امیدوارم که روزی خواهی آمد.

یا در آن هنگام که آفتاب شعاع سوزا نش را به رگ، رگ وجود توای دهقان می پاشید، ای کاش ابری می بودم و بر سرت سایه می انداختم.

وای کاش! طوفانی میشدم عظیم تالانه مفت خواران را با خشم ویران میکردم.

و چشمات نشان را از خواب غفلت بیکبارگی باز می نمودم و به کار و زحمت فرامیخواندمشان تا میدانستن که دهقان کیست و کار چیست.



ناهید (بشر دوست)

پاسخ‌ها، پرداختها و اسلوبها

نخست، درود گرم ما نشان
دوستان و گرامیان باد!

و اما بعد،
چون پاسخگوی پیشین یا یار
مهربان ما و دوست گرامی شما
مضرو فیتهای فراوان دیگری داشتند
بارگران و پر مسوویت این صفحه
را به من کمیته کمترین سپردند.
یعنی پس از این من کمیته به پای
بزم سخنبا و ترانه های شما خواهم
نشست و با یاری جستن از بر خی
کار کرد های خجسته آن دوست
عزیز به یاری شما دوستاندا ران
صفحه (پاسخبا) خواهم شتافت.
امید وارم که از مهربانیهای خود
نکاهید و با فرستادن نامه های خوب
و خواندنی به رنگینی صفحه خود
بیفزایید.

از سوی دیگر،
شما بهتر می دانید و آگاهید،
که گپی به نام (سنت) هست، و
گپی هم به نام (سنت شکنی).
سنت اگر نیکو و پسندیده بود،
میمانند، دوام می یابد و به گونه ای
پرستیده می شود، و اگر نباشد
خواهی نخواهی روزی و روز گاری
شکسته میشود و باید هم بشود و
پشکند، زیرا چسبیدن به سنتی که
دیگر به ناهم مانی رسیده است و
تیره گی و تحجر، نه تنها شایسته
تقدیس و پرستیدن نیست، بل
سزاوار شکستن و از میان برداشتن
نیز هست. باری رسالت در آن
است که همچو سنتی باید شکستانده
شود.

روال یا شیوه کار در صفحه
«پاسخ به نامه ها» به گونه ای از
«سنت» مبدل شده بود سنتی، که
تا مرزی پسندیده بود و تا مرزی
هم همراه با یکتواختی. دوست
گرامی ما پاسخگوی پیشین از بس
که مصروف بود و مشغولیت داشت،
نمی توانست برخی نامه ها را با
فراغت و بی شتاب بخواند و با
آرامش خاطر به تحلیل و تجزیه آن

ها بپردازد، یا گاهی در میانه کار
های دیگر و نامه های محبت آمیز
شما چنان غرق می شد که شما
نمی رسید و ما نگوئیم. به هر حال،
بیاییم بر سر گیمهای دیگر.
من که چند گاهی به جای پاسخ-
گوی پیشین مسوولیت بررسی
صفحه (پاسخ به نامه های دوستان)
دیروزی یا (پاسخبا، پرداختها و
اسلوبهای) امروزی را پذیرفته ام،
عرایض و سخنهایی نیز دارم که
باید همین حالا با شما دوستان و
دوستانداران این صفحه در میان
بگذارم و منتظر نظریات شما. بمانم
تا چه فرمایید و چه نویسید.

نخستین سخن این، که ما گاهی
هر چند نا رسا در مرز سنت شکنی
پر داشتیم و با سیاس فراوان از
کار کردهای پاسخگوی پیشین عنوان
صفحه را تغییر دادیم. چه کسی
دیدیم، که در این صفحه تنها مساله
پاسخ مطرح نیست، بل مسایل
دیگری چون پرسش، انتقاد،
توضیح، تفسیر، نشر مستقیم و
بدون تصرف یگان نبشته، گزینش
و نشر یگان پارچه شعر و مانند اینها
نیز مطرح است، پس به دنبال
واژه «پاسخ» دو واژه دیگر «پردا-
ختها و اسلوبها» را نیز به جای
(نامه های دوستان) افزودیم تا باز-
تاب راستین مطالب و موضوعهای
وابسته به این صفحه باشد. ببینیم
که نظر شما در این زمینه چیست.
دومین سخن این، که در اسلوب
پاسخبا نیز راهی تازه تر بر گزیدیم،
باری گزینش این راه در نحوه پاسخ
ها و تحلیل نامه های شما نهفته
است، امید واریم که مطلوب و
پسندیده واقع شود.

صومین و فرجامین سخن این
که در صمیمیت و بی ریا بودن با
دوستان و نیز در تتر سیدن از بد
خواهان و کژ اندیشان مانده شما
خواهیم بود. باشد، ببینیم تا چه
پیش آید. اینک به امید یاریهای بی
دریغانه شما میپردازیم به پاسخ

و بررسی فرستاده هایتان.
نخستین نامه را، که کشودیم،
به نبشته یی زیبا از خالده لیمپ-
نیازی بر خوردیم این خواهر گرامی
ما نبشته خود را همراه با سلا می
گرم جهت نشر به صفحه ادبی مجله
فرستاده اند، ولی ما آنرا در این
صفحه مناسبتر یا فتمیم، باری پیش
از نشر این نوشته خوب، یاد آور
می شویم که:

خواهر گرامی خالده لیمپ نیازی:
شما در نوشتن پارچه های منشور
ادبی استعداد و توانایی خوبی دارید
پارچه شعری را که در ذیل نامه خود
فرستاده اید، نیز زیباست. ما
باور داریم که با مطالعه و پژوهش
گسترده تر شعر شما عران نامور
معاصر، استعداد شما بسیار زود
به شکوفایی میرسد و درخشش
بیشتری می یابد. اینک به امید
همکاری های دوامدار شما بخشی از
نوشته شما را باندک تعدیل و تصرف
و شعر شما را بدون تصرف به نشر
می سپاریم. شاد و سلا مسرت
باشید.

... در میان این دفتر گشوده در
مقابل من آنچه، که در خورد مجله
ژوندون باشد، نیست، طبع نا-
رسای من کجا و چشم مو شکاف و
پخته جوی شما کجا؟ اما بگذارید
یکبار دیگر، بجویم، شاید بر شما
نقشی از یک آرزوی خفته را بیایم
و برایتان بفرستیم.
آری، همین از «هیچ» بهتر است
همین نظم گسسته محبت، همین
جام شکسته مهر همین آرزوی خفته
در خاک و همین در جستجوی همصدای
خوب را با هم یکجا بخوانیم...
من ترانه می نویسم، ترانه یی که
همصداست و هم فریاد. صدا و
فریادی، که همواره با من است و
مرا زنده میدارد...

به من از عشق بگو
به من از عشق بگو
به من از قصه پر درد جدایی
هایش

ز آشنایی هایش
که تو تنها قصه گوی شب تنهای
منی
که از عشق هنوز
با تو بودن را میدانم و بس
نه جدایی ها را
و نه شبهای پریشانای و بسی
سامانی
آسمان دل من
با فروزانی مهتاب وفا
مظهر عاطفه و مهر و صفا ست
نه جدایی و فراق و هجران
نه کمین گاه شب تار جفا ست
تا جهان ابدیت دل عشاق یکپاست
با هم و بی همشان
هم زیبا ست

دوست عزیز عبدالقدوس (نهفت)

فراهی
سلام صمیمانه ما را نیز بپذیرید
نامه جالب شما را خواندیم، بر-
عکس گفته شما هم (پخته) بود و هم
«پیام» داشت. به راستی تا هنوز
همچو مطلبی را نه شنیده بودیم و نه
خوانده. اما از برکت وجود و فیض
قلم شما هم خواندیم و هم شنیدیم
برادر محترم، شما به کار بسی
با ارزشی پرداخته حتی به گونه ای
که در تحقیقات علمی نزدیک شده اید
کار و کوشش شما درین زمینه
بسیار پر بها است، و از رهگذر
خدمت به زبان، به ویژه از نگار
خدمت در معرفی لجه معمول و مروری
در محل و محیط مان ارزش خاص
دارد. بنابر این، امید واریم به کمال
نکته زیر توجه فرمایید:

۱- مقدار زیادی مثلا صد تا هشتاد
و سه صد یا تا هر چندی، که شما
توانید از همین گونه واژه ها بکار
فراهم بیاورید و جمع کنید، بعد گرد
ها را به ترتیب الفبایی تنظیم نمایم
آنگاه به شکلی که در ورق درج
نوشته اید، بنویسید. و نیز لغت
ممکن باشد که هست یکبار به دانش
فرهنگها و لغتنا مه های معتبر
مانند (فرهنگ معین) و (لغت نامه دهخدا)
مراجعه کنید، و شیوه کار و

ها را در بخش تحلیل و ارزیابی یک‌واژه و معنای آن ببینید. دیدن این فرهنگها شما را یاری میدهد، که واژه های خاص لهجه مورد نظر را با اسلوب بهتر و علمیتری بنگارید.

۲- هر گاه در امر بر آوردن نکته اول موفق شدید، به نظر ما بهتر می نماید، که با مدیریت مجله (فرهنگ مردم) تماس بگیرید، چه بجای نشر همچو مطالبی در آن مجله به خوبی و گسترده گوی میبایست. استواری نثار گامهای تان باد! و پیروزی نثار راهتان!

همکار گرامی حسین «فخری»:

پس از تقدیم سلام گرم متقابل و طلب صحتمندی برای شما این، که: شعر شما را با عنوان «ستایش» دریافتیم و خواندیم. توانایی شعری شما ستایش انگیز است، و لی در (وزن) کمی نارسایی دارید. به گونه مثال وزن چند مصرع در همین شعر شما بر هم خورده بود، ما به اجازه شما آنرا اصلاح کردیم، باری آنرا با اصلش که خواهی نخواهی نزد خود دارید، مقایسه نمایید و ببینید که نارسایی در کجا بوده است. از سوی دیگر، اشعار شاعران بزرگ و شناخته شده را در همین زمینه بیشتر بخوانید. با خواندن چند دفتر شعر خوب از شاعران رسا - لئمنده معاصر، گامهای بلند در شعر و شاعری بر خواهید داشت. به امید همکاری همیشه گوی شما.

ستایش

ای حزب قهرمان!
امروز ما همه به شکوه تو خیره ایم
ایمان پاک ما ز تو سیراب گشته است
فرزند پر حرارت و با همت توایم
در عمر کوچکت چه فراز و نشیب ها
پیکار ها که جمله ز فولاد و خار و سخت
غولان زور و زر همه در صحنه ستیز
در پیش قوت همه بشکست و خاک گشت
هر چند یک و یا دو سه فرزند ناخلف
بر دامن مطهر و انسانی تو تاخت
هرگز نگشت مشعل پر نور تو خاموش
محروم گشت نا خلفان از همه شناخت
آری ستایش تو و تکریم تو به ما
فرض است چونکه ناز تو آبا دگشته ایم
ایکاش عمر مهلت آنرا به ما دهد
تا بار شانه های ترا باز کم کنیم
هم دشت های خشک و تب آلوده ترا
آباد و پر سخاوت و معمور و پر نسیم

دوست گرامی محمد ظاهر ایوبی معلم صنف یازدهم ساینس لیسه شهر شپید.

نوشته خوب شما را دریافتیم و خواندیم. لطفاً به نکات زیر توجه

۱- حس کنجکاو و نگاه جستجوگر شما سزاوار سپاس فراوان است
۲- کمتر شاگردی پیدا میشود که چون شما به مسایل دانش و فرهنگ دقیق شود و دقایق موضوعهای مهم علمی را کشف و درک نماید
۳- تا برای این، در حالی، که احساس و ادراک شما را در این زمینه می بینیم، انتظار داریم که از کار و پرداخت و مطالعه همیشگی خویش بکامید و با ارسال نوشته های بهتر و ستوده تر ما را شادمان

۲- (فرهنگ عمید) و رساله (اغلاط مشهور) همان سان، که شما قیاساً توجه شده اید از ارزش و اعتباری که فرهنگهای نظیر (فرهنگ معین) نیز آفت نامه دهخدا و «برهان قاطع» دارند، بی بهره اند. محققان و دانشمندان زبده زبان دری به «فرهنگ عمید» و «اغلاط مشهور» توجه نمی نهند و برای دوتا استناد نمی ورزند. همین امر، مبین آن است، که اگرچه ارزش علمی «فرهنگ عمید» و به خصوص (اغلاط مشهور) بسیار کم

کابحدود است. از سوی دیگر، رساله «اغلاط مشهور» فراهم آورده

رکن زاده - آدمیت، که سالها قبل به چاپ رسیده آنگاه از نادرستی ها و اشتباهات و هیچ ضرورت نیست که برای رساله کم ارزش و پر غلط استناد شود زیرا این رساله نه تنها در ست راهنمایی نمی کند، بل سبب تشویش و انحراف فکری خواننده نیز می گردد.

به پاسخ نامه بی شماره پیشین

یا سخگو:

سلام ما بر تو باد، برادر خشمگین.
گیرم قلم شکست، از زانترین قلم دیگر میخرم. خوب شد نگفتید که فکر مفاصل شده است که آنوقت ((فکر دیگر خردن)) مشکل تواند بود. این یکی که خبر خود را از گوشه رستاخ گرفته است، هیچی به من مربوط نیست، نه طبیب نه بیطار، سراغ کس دیگری را بگیرد. با زهم و ضیق الباب کرده اید خدمت حضور، عرض شود که اینجا مجله ژوندون است و نه شما را به مجله ((دکمیا نوایس)) معطوف میداریم. تنها به نزد قاضی رفته اید برادر عزیز. از آن تو هین ها و تحقیر ها که میگویند یکی آنرا مثال زنید.

شاید بگویند ((تشویق های بیجا چه کسی را هنر مند ساخته است.)) براستی کسی را هنر مند نساخته است، اما میگویند ((در وجود هر انسانی هنر مندی خوابیده است و تنها آموزش و پرورش در ست این هنر مند را بیدار میکند)) کوشش نماید آن هنر مند درونی و جود را بیدار کنید و به تشویق ها بسیا رحساب نکنید که دروغ مصلحت آمیز است، راست میگویند ((هیچکس در اولین گام بر داری به منزل نمی رسد)) و باز را ست میگویند ((که هیچ کس در نخستین کار خود کامیاب نبوده است)) «سالها باید که تایلک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن»

اگر در یک روز، در چند شماره مجله ژوندون به تشویق ها کسی هنر مند میشود. بیا بیدار شو بت آسیای با به ثبت نام کنید و چندین شماره مجله را به سیاه مشق ها و تمرینات ادبی اختصاص میدهیم تا دنیا گلزار شود و کشورمان پر از هنر مند. آدرس را یاد داشت کنید که این چانس طلا ببارد یگر میسر نیست.

مجله ژوندون - صندوق پرورش هنر مند - مربوط صفحه جواب نامه ها. و میرسیم بر سر کلمه ((جیب)) که جنجال بر سر او است، گفتیم دو کلمه جیب داریم یکی به معنی کیسه و خریطه و دیگری به معنی گریبان و ...

و دلیلش گفتیم که چرا کیسه و خریطه پنداشته بودم و حالا شما بگویند و باری دیگر بفرهنگ عمید تا نمره جعه کنید که آیا کلمه جیب معنی کیسه و خریطه را هم میدهد یا نه؟

یا اینکه یا سخگو آن معنی را از خود فرموده است و بقول شما از معده خود بیرون آورده است.

و گفتید مغز خام خود را بر تراز کامپیوتر دانسته ام. عجب! فهم سخن گر نکند مستمرا

قوت طبع ز متکلم مجوی

برا در بر آشفته، در آنجا این چنین نوشته بودم ((... مغز برتر از کامپیوتر! چنین سبوی را یاد داشت نکرده ...)) و خوب میدانید که آنجمله علامت تعجب به دنبال داشت و معنای جز شوخی و مطالبه چیز دیگری در نظر نبود و راستش هم کسی نمیتواند با مغز کامپیوتر رقابت ورزد.

و خاضعانه عرض شود که منظور به رخ کشیدن سند و سجل نبود، و آننگهی لیسانسه شدن چه بها دارد که به رخ شما بکشیم. والسلام

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

بس است

مرد کو بائی در یکی از رستورانهای امریکا، مشروب زیاده خورده بود، بطوریکه بزحمّت میتوانست سر پای خود استاده شود... ولی بازهم به پیشخدمت سفارش مشروب را میداد... پیشخدمت رو به او کرده گفت: - ولی آقا، بهتر است که دیگر مشروب را بس کنید. - چرا... برای چه؟ - چون شما بسیار مست هستید! - کو بای خنده پی کرد و گفت: - نی جانم... هیچ اینطور نیست... من کاملاً به هوش و هوشیارم... و بعد با دست در هو تل نشان داد و گفت: - برای اینکه اشتباه نکرده آن گر به را که می خواهید داخل هتل شود می بینی، فقط دو تا چشم داره... در حالیکه اگر من مست می بودم آنرا چهار چشمی می دیدم. - پیشخدمت سری تکان داد و گفت: - ولی شما اشتباه میکنید. - چطور من اشتباه میکنم! - برای اینکه آن گر به د مش را بلند کرده و می خواهد از هو تل خارج شود!!



بدون شرح



عزیزم در راباز کرده ام خوش باشی که خانم در خانه نیست.



برسا نمتان!
نی امروز ناوقت شده خودم پیاده میرم بای، بای!

فقط يك دالر داشت

اسکا تلندی پسرش را بگوشه پی خواست و با عصا نیت گفت: - کنی...
- پسر خجالت بکش... خوب، حالا بگو دیشب چقدر - چرا پدر... برای چه خجالت بگیری!
پسر جوان جواب داد: - پدر فقط يك دالر! تو مطمئنی که بیشتر خرج نکر دی؟
- بلی پدر جان... مطمئن هستم چون آن دختر يك بیشتر از این پول همراه نداشت!!

خانه را آتش گرفت

نمایش بجای حساسی خود رسیده بود که ناگهان خانم از جایش پریده و وحشت زده به شوهرش گفت: - عزیزم... میدانی... من یادم رفته که وال سا کیت اتوی برقی را از اتاق خواب بکشم...
زود شو تا خانه را آتش نگرفته بپندم.

اشترک در اولین مسابقه

شاگردان ملا نصرالدین

-۲-

واقعۀ جهانی - حادثۀ ای که دهان‌های پر خنده را بسته کرد، چشم‌های بی‌آب را بگریه آورد، جوان‌ها را پیر ساخت و پیرها را جوان. نمیدانم بکدام زبان این واقعۀ خطرناک را برایتان بازگو نمایم؟ آیا با همین زبانی که درد هنرم است؟

نمی‌توانی - خدا این زبان را تنه بسازد که آن حادثۀ را بیان کرده بتواند.

اما... اما... دردا... و... در یفا -

چه درد سر تا نبد هم... بلی... در همین موقع حساس بود که یک نفر ناشناس «سر کرده» میداند ((لم داده آمد و با صدای وحشتناک خود گفت: «مسابقه امروز خلاص شد» این بود حادثۀ ای که همه قلب‌ها را ایستاد و معده‌ها را از خنده بازماند، آن واقعۀ هولناک. با شنیدن این گپ متوجه شدم که کارکنان و تماشاچیان با دهن‌های پر خنده و چشم‌های پر اشک بسوی (ریل خنده) روان شدند. من هم رفته به یک اطاق ریل بالا شدم، اما بعد از مدتی دیدم که درین اطاق همه هنرمندان و شاگردان بودند و ایمن اطاق مخصوص بود. درین‌جا من با اعضای فعال (اتحادیه فکاهی) یعنی در و غکو ها، دیوانه‌ها و لاف‌و‌ک‌ها آشنا شدم.

عجب جانی بود. در چوکی پیشرویم دیوانه‌ها که ریاست اتحادیه را به عهد داشتند نشسته بودند.

موتردر حرکت و همه کس مشغول خود. که دیوانۀ پیشرویم از جایش برخاست و رویش را سوی من دور داد و گفت: او... او... سلام احمد جان موهایت تغییر کرده.

اعصابم خراب شد فریاد زدم: می‌بخشید نامم احمد نیست نام من لبوک است.

دیوانه گفت: او نام تان هم تغییر کرده.

بقیه در صفحه ۵۱

خون بود برایم گفت که: امروز ز زخم به من سفارش داد که چار ساعت وقت تراز دفتر بیرون شوم و چون در سینما «پول پرست» فلم تازه وارد هندی بنام «سیوس» که سراپا رنگین و دارای محتوای عالی و بسیار بلندگمراه کننده می باشد، چار قطعه تکت برای دونفر بگیرم. با وجود آنکه یک پول هم نداشتم، بخاطر یک سخی خانم صاحب را بزمین نه انداخته با ششم پول چار قطعه تکت وچپس گرم را قرض کردم.

اما در نیمه راه خدا خیر ندهد این (کیسه بر) های مزاحم را که جیب‌هایم را خالی کرده بود.

ناچار با دست‌های خالی بخانه رفتم و خانم با دار بدون آنکه دلیل یا سختم را بشنود دید که تکت نکر فته ام مرا به ایمن حال انداخت... می... هی... هو... هو... هو... هو... او را

بگریه ای خود شگذاشتم وچیزی نگفتم و خودم رفتم که کارروایی های دیگر شاگردان ملا نصرالدین را تماشا نمایم. و همه تماشاچیان با دلچسپی خاص متوجه نمایشات بی نظیر بودند.

اما درین موقع حساس که همه با چهار و نیم چشم به سوی هنرمندان؟! متوجه بودند حادثۀ بزگی در میدان بود قوع پیوست. حادثۀ ای که همه را تکان داد، واقعۀ رخا شو کشفند که تماچیان را چارده متر از جا پراند.

بلی... بلی... زبان قادر به بیان کردن آن نیست.

و گپ‌های کلان‌کلان و خوردخوردبه کلانی زبان مورچه و به خوردی کوه هندو کش جور می‌کنند و بیچاره زن‌ها و دخترها را عصبانی می‌سازند.

اما من به شاگردان ملا نصیحت کردم که متوجه باشند که بعد ازین دخترها و زن‌ها را چیزی نگویند و اگر نه موی کنک خواهند شد و یا پوست و روی شان پرت پرت.

اما که گپ را بشنود و قبول کند هنوز می‌خواستیم که بیشتر نصیحت‌شان کنم که کمی دور تر از من دو نفر پیس پیسک می‌کردند، یکی از دیگری می‌پرسید که رادیو مونث است یا مذکر؟

دو می‌جواب داد. مونث. اولی باز پرسید که چرا؟

دو می‌گفت: بخاطر یک رادیو از صبح تا خفتن گپ می‌زند و هیچ خسته نمی‌شود. بخاطر این مونث است.

اعصابم خراب شد بسوی آندو دویدم، آن نفر را بالا کرده و خود را بزمین زدم و از پیش‌آن نفر فرار نمودم، درین میان شخصی پیشرویم آمد و گفت: چرا اینطور می‌گریزی؟ نی که زنت با جا رود و پشتت روان است؟ وضع مرا خود تان حدس می‌زنید.

بهر حال: من رفتم و به یک کنج میدان از ترس پنهان شدم که صدای غالمفال و داد و فریاد یک نفر بلند گردید. طاقتم نیامد بسوی پیش رفته و از وی جو یا شدم که چه گپ است؟

در حالیکه سرو کله اش پر

در قسمت دیگر میدان رجب‌خان در حالیکه (سکرت لایتری) بدست دارد و کمی متأثر بنظر می‌رسد بسوی عجب خان می‌رود و به وی می‌گوید:

فکر نمی‌کنی سگرت لایتری جای گ و گرد را بگیرد؟

عجب خان با پوزخندی به وسعت غارهای بینی اش جواب می‌دهد:

احمق نشو - کی می‌تواند که با سگرت لایتری دندان‌ها و گوش‌هایش را پاک کند؟

رجب خان با شنیدن این جواب امیدوار کننده از خنده خیزک می‌زند و به همان راه که آمده پس می‌رود.

در گوشه دیگر میدان چند نفر از شاگردهای ملا با هم جمع شده بودند و صحبت از دوازده ماه می‌کردند.

یکی از آنها از دیگری پرسید: تو چه ماه ای را بیش از سایر ماه‌ها دوست داری؟

او بلافاصله جواب می‌دهد:

ماه حوت را.

او لی با تعجب (دهن باز کن) پرسید:

از نظر تو ماه حوت چه مزیتی دارد؟

دومی گوئی که شباهت تمامه لیلسو فی را گرفته جواب داد: هیچ، چون ماه حوت ۳۹ روز است و یک روز کمتر گرفتار خائیر حرفی ز نمی‌شوم.

خدا انصاف بدهد شاگردان ملارا با استادشان که همیشه پشت زن‌ها پرو پا کند می‌کنند



پنج‌جاه سال مبارزه...

۶۰ فیصد نیروی بشری رادزدراعت زنان تشکیل میدهد. آنها وظایف مهم رادر ذراعت، نگهداری حیوانات و اقتصاد کشور ایفا میکنند. قابل یادآور است که هشتاد فیصد زنان در امور تجارت و چهل فیصدشان در کارهای صنعتی اشتغال دارند. بهمین منوال شصت فیصد کارکنان تعلیم و تربیه صحت و تجارت دولتی را زنان احتوا میکنند. انکشاف سریع کادوزنان در سایش و تکنالوژی نیز چشمگیر است در سال ۱۹۵۶ تعداد قلیل زنان درین ساحه فعالیت داشتند در حالیکه امروز به ده ها هزار زن درین رشته مصروفیت دارند. ناگفته نباید گذاشت که چهل فیصد از انجیران آنکشور رازن تشکیل میدهد آنها موفقانه به تحقیقات علمی می پردازند دوکتوران و ادویه سازان مقدم بر هم توجه شانرا به صحت طفل و مادر معطوف میدارند.

تعداد قابل توجه آنها به ساختن ماشین آلات فلز کاری - آپرسانی - ترانسپورت و صنعت برق مصرف دارند در ساحه تعلیم و تربیه زنان فعالانه در تحریک دو جهت کار مینمایند. در تدریس خوب و فرا گرفتن خوب، در ساحه ادبیات و هنر زنان کادشانرا با علاقه و اشتیاق بکارهای خلافت و وقف نموده و همه روزه در تلاش آنند تا توانائی هاو استعداد های شانرا در خدمت مردم بکار بیاندازند.

بدینوسیله فعالیت های انقلابی بسیاری از کادرهای زنان ابدیده شده و امروز مقام قابل ملاحظه ای را در وهبری دولت - اقتصاد و اجتماع بدست آورده اند. در نخستین دوره مقننه اسمبله ملی فیصدی اعضای انات پارلمان را (۲۴۸) احتوا مینمود در حالیکه در ششمین دوره مقننه در سال ۱۹۷۶ فیصدی شان به (۳۶۹) ارتقا نموده در تمام سطوح شوراهای مردمی فیصدی نمایندگان زنان به ۲۷ تا ۳۰ فیصد میرسد.

در ویتنام امروز ۲۳ نفر از وزرا ۲ معاونین و وزیران دولتی را زنان تشکیل میدهند. جمهوری سوسیالیستی ویتنام در صد آن است تا شرایطی را برای زنان فراهم نماید که آنان بتوانند وظایف شانرا بمشابه یک مادر خوب بسر رسانند اطفال شانرا بشکل درست تربیه نموده و آنها را متحیت افراد صالح به جامعه تقدیم نمایند.

اتحادیه زنان ویتنام که توجه اولیاش را

به برابری های مربوط به فامیل و تربیه اطفال میذول میدارد نقش مهمی را درین ساحه ایفا نموده است. ملین ها مادر ویتنامی اطفال شانرا بمشابه افراد با استعداد و شجاع جامعه تربیه کرده اند.

هوچی مین باری در مورد زنان ویتنام گفته بود: «مردم ما به مادران دو منطقه کشور ماحه شمال و جنوب بخاطر بیمان آوردن و تربیه یک نسل کامل قهرمان سیاسی بیکرانی را مدیون اند.» علی الرغم آنکه پنجاه سال مبارزه انقلابی یک دوره طولانی نیست لیک این دوره گویای تغییرات ژرف انقلابی است که مشخصه زندگی زنان کشور ویتنام را تشکیل میدهد.

اتحادیه زنان ویتنام بحیث قدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان مانند همه زنان مترقی گیتی بالاخص زنان اتحاد شوروی و جامعه سوسیالیستی بخاطر همبستگی کار و بیکار نموده و از آن پشتیبانی بعمل آورده اند، اتحادیه مزبور با همه نیرو و توانش از مبارزات انقلابی زنان همه کشورها - از مبارزات عادلانه مردم جهان بخاطر صلح - آزادی ملی دموکراسی و ترقی اجتماعی پشتیبانی نموده است.

بقیه صفحه ۱۶

واقعات مهم...

پس از آنکه رهبری نا تو اعلام کرد که راکت های هسته ای میان برد امریکایی را در اروپای غربی مستقر خواهند ساخت، در سراسر اروپای غربی و امریکا اعتراضات براف افند. تظاهرات سرخپوستان امریکا برابر احقاق حقوق شان از جمله رویداد های مهم امریکا ست و راه پیمایی گسترده نمودند و حقایق تکان دهنده این مدافعان حقوق بشر را (!) فاش کردند.

سران ۹ کشور عضو بازار مشترک اروپا در لکسمبورگ گردیدند و جمع شدند هدف شان اتخاذ سیاست مشترک در برابر یک رشته مسائل مهمی بود که در برابر آنها قرار داشت اما هیچ گونه تدابیر نتوانست، بحران های گوناگون این بازار را چاره سازی

جستجو برای...

«موزا زو ک» که یکی از مناطقی که هستانی را در آنکشور احتوا مینماید امکانات خوبی برای برمه کاری چاه های نفت و گاز موجود بوده است. طبق پروگرام مرتبه در حوزه های «براهما - پوترا، تراپو را، گاشچا ر و میکا لایا» واقع در ایالت اسام هند به اعماق مختلف امور برمه کاری واستخراج نفت و گاز زروی دست گرفته و بشدت جریانی دارد. هم چنان در بنگال غربی نیز چندین چاه نفت به عمق های متنوع حفر و آماده بهره برداری شده است. در حال حاضر تحت نظر جیو لو جستان کاردردو چاه جدید الاحداث این منطقه بشدت جریانی دارد قرار است تا اواسط تابستان سال آینده کاملاً آماده گردد. در ایالت اندیرا پردیش هند نیز در چاه های نفت و گاز کار جریانی دارد.

بطوریکه در اوایل سال (۱۹۸۱) در این محل یک چاه نفت مورد بهره برداری قرار گرفته و گفته میشود پلان برای حفر چاه های متعدد دیگر نیز در این منطقه رویدست گرفته خواهد شد.

دا نشمندان و جیو لو جستان امور معادن و کروی جیالوشی آنکشور تا اوایل ماه جولان (۱۹۸۱) اضافی از (۳۹) چاه نفت و گاز را در ایالت گجرات (۸) چاه را در ایالت اسام و یک چاه نفت و گاز را در ایالت «نگالند» کشف برای بهره برداری آماده ساختند.

تثبیت واستخراج و بهره برداری از چاه های سواحل بحر در کشور هند انقدر سابقه طولانی نداشته و بلکه یکی از پروژه های جدید الاحداث در سکتور استخراج نفت و گاز محسوب میگردد. اولین چاه نفت این پروژه در ماه فبرواری سال (۱۹۷۴) در سواحل بمبئی به فعالیت شروع نمود و اما کاهای تولیدات تجارتی در ماه می سال (۱۹۷۶) آغاز گردید در سال های اول حجم مجموع استحصال نفت از این معدن روزانه به (۴۰۰۰) بیرل میرسید لیک اینک امروز حجم مجموعی تولیدات در روز به بیش از (۱۰ هزار) بیرل بالغ میگردد. بر حسب راپورهای تازه در حاضر حجم تولیدات و بهره برداری از چاه های ساحلی آنکشور سالانه به اضافه ا هشت میلیون تن میرسد که در ماه هر روز حجم آن (۱۵۰۰۰) بیرل خواهد بود. چاه جدیدی در این تازه گی ها در نزدیکی شمشیر بمبئی کشف و به تولید آغاز گردید است بدون شک حجم استحصال نفت را در آنکشور تا سال (۱۹۸۵) دو چند خواهد ساخت.

شیوه‌های اولی طبابت در بلغاریای باستان



تصویری از یک محقق و طبیب دوره های باستانی بلغاریا

بین می برد . یونانیها با گرایش به مسیحیت قبل از آن بلغاریا هارا از شستن و جود در روزهای چهار سنبه و جمعه منع کرده بودند .

همین اکنون معلومات و سیمی در باره این موضوع توسط دانشمندان گرد آوری شده که مردم بلغاریای باستان چگونه چمجه را عملیات می کردند و در شگافتن چمجه از چه روش ها و چه وسایلی کار می گرفتند . عملیات و شگافتن چمجه چه از نگاه تصورات آنها در مورد و جود مرض و چه از نگاه بلند رفتن سطح معلومات شان در زمینه چرا حی

وشناخت اعضای و جود انسان و همچنان آمدن بهبود در تکنیک عملیات دارای اهمیت بخصوص است . شگافتن چمجه بعد از زخم

بر داشتن سر در چنگ سبب شد تا در بخش جراحی و انکشاف چشمگیر طبابت، پیشرفت های زیادی بدست آید . و سایل خشن و

ابتدایی جراحی آنز مان برای چنین عملیات دقیق عبارت بود از سنگ چقماق ، شاخ آهو،

پوست سنگ پشت و امثال آن که در مرور زمان جای این وسایل را آلات دقیق و

پیشرفته جراحی گرفت و با آن تراش استخوان و داغ کردن آن نیز بمیان آمد .

داغ کردن قسمت های آسیب دیده چمجه یا (موخا) بعیث یک روش جراحی بیشتر توسط

ترکیا در این حوزه بکار می رفت اما بعدا مردم بلغاریا آنرا در سراسر بالکان رواج دادند . آنها برای داغ کردن واز بین بردن

عوارض مرضی از ریشه بوبریا ، پشم آلوده باخرب و انواع دیگر روغن باب کار می گرفتند

همچنان گیاهها و سبزی باب بعیث وسیله بیوشی بکار گرفته میشد .

چون در چنگ ها سر و چمجه جنگجویان بیشتر صدمه و جراحات بر میداشت ، لذا

ضرورت تدای عاجل و عملیات آن به اصطلاح امروزی جراحی چمجه از یاد انکشاف

داد و وسایل جدید طبی در خدمت گرفته شد . یک چمجه مربوط قرن ۸ و ۹ میلادی که از

سوویج بدست آمده و توسط دانشمندی بنام بوریف مورد کاوش علمی قرار گرفته است ،

بوضاحت نشان میدهد که با مهارت تمام قسمت آسیب دیده آن جراحی شده و تدای گردیده است عمق قسمت جراحی شده این

چمجه و شگافتن منظم آن نشان می دهد که جراحان آنوقت بلغاریا در این رشته پیشرفت

خوبی کرده بودند .

در شهر های بلغاریا - سواد ، زو کینین و بلیار ساخته شد .

کاوشهای که در قسمت پائین وسط یکی از بنا های معتبر آن زمان بنام قصر سفید صورت گرفته ، نشان میدهد که این

قصر دارای تسهیلات مرکز گرمی بوده است . همچنان در فرش این قصر تل های

سفالین وجود دارد که از آنها آب بصورت افقی و عمودی بر طرف چریان می یافت .

بقایای عین سیستم در شهر بلیار نیز پیدا شده است . خصوصا مرکز گرمی آن از نمونه

مرکز گرمی می باشد که قبلا رو من هاترا بکار می بردند .

همچنان تسهیلات و قایوی و بهداشتی به پیمان و سمج در مراکز شهر های بلیسکا و

پرسلاف بلغاریا وجود داشته است . در بخش غربی قصر کوچک بلیسکا و پرسلاف

بلغاریا وجود داشته است . در بخش غربی قصر کوچک بلیسکا کار شناسان بلغاریای

منازل بزرگ آبی ، دو حوض و یک مرکز مواد فاضله ساخته بودند که بخشی از

ساختمان این قصر را تشکیل میداد و حوض ها چنان پخته و اساسی ساخته شده بود

که از آن هرگز آب نفوذ کرده نمی توانست تسهیلات رسانیدن آب ، گرم ساختن منزل

و حمام تقریبا جزء هر محل مسکونی آنوقت بود .

گسترش خدمات بهداشتی نسل های بنیانگذار بلغاریای امروز ، در مرور زمان شیوه های ممنوع سازی شستن و جود را از

علاقه تجارتی و مبادلات فرهنگی ، پرورش مواشی و همچنان زراعت و صنایع دستی و محلی ، باعث آن شد تا علاقمندی به علوم طبیعی ، طبابت و وسایل مربوط به صحت و امراض ، شفا یابی و سایر مسائل مربوط به معالجه شیوه های مقداتی تدای و خدمات صحتی پیدا شود و این بخش مهم زندگی مورد مطالعه قرار گیرد . مردم مان

اولی بلغاریا عقیده داشتند که بعضی سنگ ها دارای مواد اعجاب انگیز شفا بخش می باشند . جواب شماره ۶۲ پاپ نیکولاس اول

که «بلغاریایی ها سنگی یافته اند که بعضی اوقات علالت را رفع و بعضی اوقات نمی کنند نشان می دهد که اعتقاد به سحر بصورت متوازی

باجاراب عملی در زمینه تدای پیش رفته است . او لین کتله های مقیم در بلغاریا

از میدگی سنگ های مدارا و از سه کیلو متری آن یعنی از میدگی سنگ تیفه های

نزدیک قریه کالو گیر تسایر شفا یابی استفاده می کردند . تا آخر قرن ۱۹ در

طبابت عتقوی بلغاریا از ریگ سرخ برای رفع ضعف و دفع اثر چشم بد استفاده

می کردند ، ریگ سرخ و یا خاک سرخ بنام (ارکیلا دوبرا) بعد از میده کردن در آب

و یا مشروب حل شده و بیمار آنرا صرف می کرد . این رسم برای مدت طولانی وجود

داشت . با این اعتقاد که سنگ سرخ حاوی مواد مفید بوده و هم از نگاه اعتقاد مردم باین

باور بودند که صرف آن صحت آنها را بهبود می بخشد .

اما در مرور زمان اعتقاد و رسوم چایش را به مشاهدات ، تجارب و بکار بردن مواد

مفید و آزمایش شده داد .

همان بود که بنا های بزرگ در گریته و لکان و پسائتر در منطقه دانیوب بلغاریا

ساخته شد . سیستم های زیر زمینی آب رسانی بمیان آمده ، همین اکنون بقایای

زیادی از این گونه تل های زیر زمینی در بلغاریا وجود دارد که نشان میدهد آب

بصورت بسیار مصنوعی و صحتی به منازل و محلات انتقال می یافت . حوض ها و فواره ها

همچنان مطالعات تاریخی را در باره فرهنگ و کشور و یاجا معه و قتی کامل میدادند شامل تمام بخشهای زندگی و موضوعات که شیوه زندگی آنرا خصوصیت بارز می بخشد ، روش ، مواد و وسایلی که تدای مردم یک سرزمین همزمان با آغاز

کالندری فرهنگی آن بکار میرفته ، گواه بسیار آمده است از اینکه فرهنگ آن جا معه در

ز و یا مراحل بعدی در کدام سطح و معیار

داشته است . زیرا تا مین صحت و سلامت مردم همیشه موضوع اولی است

حل هر جا معه در زمینه همه قابلیت و تدایر

سابقه بکار می برد و کمتر فرو گذاشتی درین

این صورت می گیرد . لذا آشنایی با شیوه

تدای و وسایل تدای توده های اولی ،

ت در بنیان جوامع بعدی را گذاشته اند ، در

گاست آشنایی با معیار فرهنگی مردم آن

چالش و این بخش امروز خصوصا با علاقمندی

رو زمان می شود .

مردمان اولی بلغاریا عقیده داشتند که از

بعضی سنگ ها به عنوان دوا و شفا بخش استفاده کنند .

با اینصورت مطالعه همه جانبه تاریخ متضمن

که معلومات در باره معیار صحتی و روش های

اولی در بخش تدای قبایل و ملل مورد دیدن می باشد . کشور بلغاریا درین زمینه



يك نمونه از كار هاي میناتورى حیدری

معرفی میناتورست جوان



نورعلی (حیدری)

نورعلی حیدری نام دارد در قریه شا داب و مملو از گل وریاحین خدای ترکمن سرخ پارسا دیده به جهان گشوده است. حیدری که تحصیلات ابتدائی خود را در مکتب خدای تعلیمات متوسط خویش را تاصنف دوازده در کابل تکمیل کرده است فعلا بحیث معاون توزیع کتاب خانه عامه کابل مصروف کار است.

وی که آرزوی زیاد تحصیلات عالی را بدلی می پروراند به نسبت ضعف اقتصادی نتوانست به آرزویش برسد وی جوانی است متواضع خوش معاشرت و پابند بوظیفه و مسلک، حیدری از طفولیت که هنوز در صنف

هوای فرحبخش، زیبایی های طبیعت کشور ما در جهان نظیر ندارد و این خصوصیت طبیعی باعث گردیده است استعداد های شگرف در رشته های فرهنگ و ادب پرورش یابد و به رشد کمال و جوانی برسد، استعداد های جوشان در هر کج و کنار و طن عزیز موجود است و بدون شک به اندک تقدیر و نوازش و پرورش تاباوری می کند، وادی های سر سبز و شا داب، آبخاران نوحه گر و دم ساز فضای صاف و نقره فام همه هنر آفرین است، چه بسا استعداد های که بدون رهت و استاد از طبیعت الهام می گیرند و در تخلیق آثار باعث اعجاب دیگران می گردد، از زهره همچو گامهای طبیعی و خود رو از گلی نام می بریم که در دامان وادی های پر جلال و عظمت بامیان، پرورش یافته و کمال هنری خود را از طبیعت باز یافته، این هنر منده که

ابتدائی کسب علم میکرد، به رسامی و نقاشی علاقه داشت و گاهی با کشیدن تصویر و صورت طبیعت عطش هنر مندی خود را فرو می نشاند، و لی این استعداد همواره با وی بود و از چند وقت باینطرف است که در خلال کار های رسمی به ترسیم تا بلوی های میناتوری مبادرت می ورزد وی از مکتب بهرژاد نقاش معروف و استاد بی نظیر گشتور در قرن نهم پیروی می کند، بدون تردید این هنرمند با استعداد جوان به پشتکار خود

از مجله زنان شوروی

ترجمه از:

نیا زمحمد ((سلووی))

حیوانات دست آورد هنری يك

آر تیسست هندی سخن میگویند!

سعدی، نظامی، پو شکین و یو فسکی را اظهار و بیان میدارند ارزش کار هنری آینه آهو



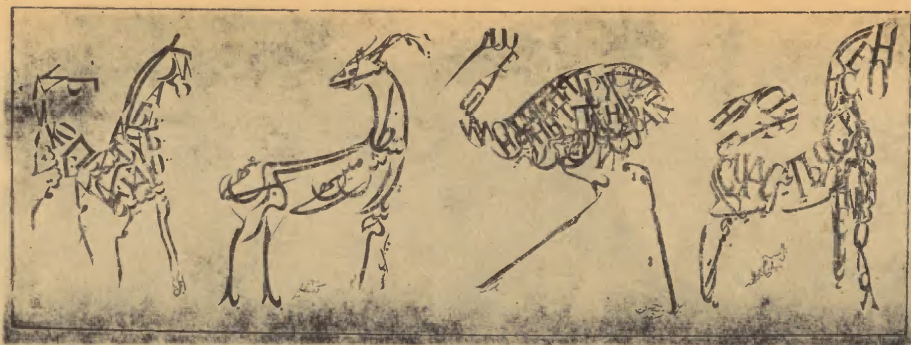
چندی قبل نمایش رستمهای که از ظرفی هنر مند هندی بنا م آینه آهو جا تهیه شده بود در اطاق دوستی مسکو بمعرض نمايش گذاشته شده و توجه علاقه مندان هنر و دو ستدا را ن حرفوی را بخود جلب نمود.

نقطه جالب در کار هنری آینه چه بود؟

شکل ترکیب و شیوه رنگ آمیزی و شکل خیلی عادی و ابتدائی را دارد. طور مثال اگر در وسط سالون بیننده قرار میگیرد و به دور دور نندار تون نظر اندازی نماید به سهولت میتواند تمام ساختمان حیوان و پرند ه های نقاشی شده را با استفاده شیوه خاص که بکمرنگ رنگ هندی بکار برده ببیند. آینه آهو جابه شیوه و سبک سابقه

دودمان حیوانات را بشکل حقیقی و واقعی آن مجسم و خلق مینماید تماشاچی بخوبی میتواند درک نماید که حیوانات و پرند ه ها شروع بگرفتن مینماید، و آنها نظر متفکرین بزرگ را مانند

آینه آهو جا آر تیسست هندی بالباس کنوا تس (الباس مخصوص رسامی)



نمونه از هنر آئینه آخوجا هنر مندهندوستانی که در آفرینش هنر خود از حروف دیو-عربی و اوستایی استفاده نهوده است .

کو لو ز یا کیلا ز (تصویری که از ترکیب طور غیر عادی پا رجهای کاغذ، تکه و ساقه گندم ساخته شده باشد) یکی از اشکال مشکل آرت است که از عهده این کار تعداد محدودی مو فقا نه بر آمده میتوانند در حالیکه آئینه کا ملا درین نوع دو لسمینا که از نما یشگاه د یلن هنر مسلط است آئینه در اجرای بعمل آورد در باره هنر آئینه گفت این هنر از مهارت خاصی بابکار

انداختن انگشتان ما هر زمانه خود از سنگهای خورد و ریزه برگ ها، ملمع کاری و پر قو طوری استفاده بعمل می آورده که در صورت میگرد .

خویش با تلاش زیاد کار نما یم هنر آئینه شامل معانی و پهلوی های مختلف از قبیل احساس حقوق و وظایف ، پوشش برای انسانیت ، دوستی و تفقد است آئینه در کار هنری خود و ظایف هنری و رنگهای متنوع را مو فقا نه بکار برده است .

۲۳ . ۱۱ . ۶۰

یفجینیا سیمونووا ستاره زیبای

سینمای شوروی

انگلیسی بود ، وی میگوید که بزبان انگلیسی علاقه خاصی دارد خوش دارد لغات های جدید انگلیسی را بیرون نویسد و از یاد نماید . یکی از خاطرات واضح تیاتر وی نیز با علاقه وی به انگلیسی ارتباط می گرد یعنی حینیکه وی چهار سال داشت برای تماشای درام (رومیو و جولیت) در تیاتر

سیار شکسپیر رفت و برای مدت زیادی بعد از آن وقت وی و برادر بزرگش یوری در مقابل اقارب شان آنچه را که در تیاتر دیده بودند اکت می کردند ، بدین ترتیب زمانیکه وی طفل بود تیاتر قسمتی از زندگی اش را تشکیل میداد .

بقیه در صفحه ۵۳



یفجینیا سیمونووا در اوج شهرت قرار دارد.

یفجینیا سیمونووا) یک ستاره زیبای و با استعداد سینمای شوروی می باشد که فلم های وی در کشور های مختلف جهان نمایش گذاشته شده و شهرت زیادی را کسب نموده است ، وی با گروه ستارگان سینمای شوروی به امریکای لاتین ، فرانسه ، سوئیس ، استرالیا ، د نمارک و چکسلواکیا مسافرت های نموده و بگرمی استقبال گردیده است . (سیمونووا) طی یک مصاحبه اظهار داشت که با کار های خود ادامه خواهد داد و از آن راضی می باشد . وی می افزاید که تنها راه ستاره بودن آموزش و پرورش مداوم وجود و احساسات است . سال گذشته وی در دو فلم رول های اول را بازی نموده و مشغول شوتینگ دو فلم دیگر بود و اکنون از اینکه کار هایش کم است راحت به نظر میرسد مگر اکتور ها تمایل بغد نیستند و سیمونووا نیز استثنا بوده نمی تواند . پیشه غیظ آوری در قدم اول مربوط به توانایی وی در انجام کار هایش و بر آمدن از عهده آن و بلند رفتن به درجات بلند می باشد . حینیکه مردم در باره سیمونووا سخن می زنند همه بغاضب می آورند که وی اولین بار شامل مکتب تیاتر شوگین گردید و نخستین موفقیت فلمی خود را در سن هفده سالگی بدست

سیمونووا اعتراف می کند که اگر وی قادر به کسب موفقیت در امتحان مکتب تیاتر شوگین نمی شد در آن صورت شامل انستیتوت پداگوژی می شد تا یک معلم و یا اینکه ترجمان شود مانند مادرش که وی نیز معلم ز بان

در کشور های در حال رشد به اندازه زیاد است که حتی در کشور های انکشاف یافته غیر قابل قبول پنداشته میشود. بتاسف باید گفت که در سایر کشور های در حال رشد هنوز هم والدین، کارکنان صحتی و رهبران سیاسی دوام این تراژیدی را عادی میپندارند و با وجود ارزانی و تسهیلات لازم دسترسی به خدمات معیشتی تا هنوز فقط برای کمتر از ده درصد هشتاد میلیون طفلی که سالها نه در کشور های روبه انکشاف چشم بجهان میکشانید امکان استفاده از خدمات معیشتی میسر است.

قابل یادآوری مینماید که از جمله شش بیماری ساری و معالجت پذیرنده برای اطفال که در وفيات اطفال بیش از دیگران پیشمیجسته اند عبارتند از سرخک، خکان سیاه، سرخه و تیتانوس. اطفال نو زاده، طوریکه در حدود یک تا ده درصد وفيات اطفال در کشور های در حال رشد از اثر دو مرض اولی بوجود رسیده و بعضاً بیشتر از آنهم (البته نزد اطفال خردسال تر و اطفالی که تغذیه درست نشده باشند) دیده میشود. تیتانوس اطفال نو زاده کمتر از دو فیصد وفيات اطفال را سبب شده مگر در حدود هفتاد تا نود درصد اطفال کشور های در حال رشد از اثر بیماریهای گوناگون مکرر و بی چشم از جهان میروند.

پولیومیلیت (فلج اطفال) فلج کننده ترین بیماری اطفال بشمار میرود.

بیماری دیگر یک حیات اطفال را (بیشتر اطفال کشور های در حال رشد را) تهدید میکند که عامل مرضی آن با سیل کوخ میباشند با سیل کوخ میتوانند در اعضا مختلف بدن توزیع نموده باعث مصاب شدن عضو مربوط به مرضی تو بر کلوژ (سل) گردند که میتوان بطور مثال از تو بر کلوژ ریه ها، تو بر کلوژ امعاء، التهاب تو بر کلوژ يك سحایاو غیره نام برد.



مترجم: علی زاد

از مجله وورد هیل

مبارزه مردمان جهان علیه امراض کشنده ساری که باعث وفيات میلیونها طفل در سال میشوند پیر و زشد نیست

این خدمات شان جزء اساسی و عمده کمکهای اولیه حفظ الصحتی و یک سترا تیژی کاملاً نوین انقلابی جهان تطبیق پیروزمندانه اعلامیه سازمان صحتی جهان که در آن گفته شده:

((صحت برای همه تاسال دو هزار عیسوی)) تلقی میگردد. هم اکنون پروگرام وسیع معالجتی بر ضد شش بیماری (زمان طفولیت (دیفتیری، سیاه سرفه، تیتانوس، سرخک، فلج اطفال و تو بر کلوژ (سل) روی دست است که مطابق به آن تمامی کشور ها خواهند توانست از واکسین های ضد بیماری فوق الذکر استفاده لازم نموده همچنان زمینه تحقیقات بیشتر را

بسان سالهای گذشته در سال جاری نیز در کشور های در حال رشد میلیونها طفل از اثر امراض ساری که در کشور های انکشاف یافته کاملاً از بین رفته اند جانهای شیرین شان را از دست خواهند داد. جهت از بین بردن این نابرابری اشکار تمامی ملل عضو سازمان صحتی جهان هر گونه آماده گیشان را جهت تدارک خدمات معالجتی برای هر کودک در سراسر جهان تا سال ۱۹۹۰ ابراز داشته اند که

لازم مینماید تا تمامی سرویسهای مربوطه معا فیتی فعالیتهایشان را برای سالیان متمادی بصورت پیگیر و بلا وقفه دنبال نمایند و از همین است که در تمامی کشورهای جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایت صحت طفل و مادر گردیده است ارزش و اهمیت این ضم گردیدن سرویسهای انجام خدمات معا فیت کتلی با مراکز حمایت صحت طفل و مادر اینست که حمایت

تعمد اساسی عبارت از آنست تا تمامی کشورهای تعهد نمایند که تا سال ۱۹۹۰ عیسوی مخارج سرویسهای معا فیتی را برای کلیه اطفال کشورهایشان از بودجه ملیشان تدارک ببینند همچنان باید یک اداره پروگرام و مرکز حمایتی برای هر پروگرام ملی اختصاص یابد، قدم دوم پروگرام عبارت از پیاده نمودن ضمایم و جزئیات پلانهای که به تطبیق کامل و پیروزمندانه پروگرام می انجامد می باشد.

بعمل آمد با آنکه سالها نه در حدود یکصد هزار طفلیکه کمتر از پنجسال عمردارند جانهای شیرین خود را از اثر این مرض اذ دست میدهند کمتر دیده میشود.

یک چلنج سر نوشت ساز:

آیا چگونه میتوان این وضع را بهبود بخشید؟ تمامی کشورهای در حال رشد سخت در تلاش اند تا خدمات معا فیتی را برای تمامی اطفال جوان معشان بدون در نظر داشت تبعیضات نژادی، ملی قبیله و غیره

گرچه تو بر کلو ز در مر حله ابتدائی خود نزد اطفال اعراض نشان نمیدهد مگر میتواند بعد از گذشت چند سال باعث یک بیماری فعال تو بر کلو ز یک معیوبیت و یا مرگ طفل گردد. مرض تو بر کلو ز (سل) با سه و نیم میلیون واقعه جدید در سال و وفیات نیم میلیون نفر در سال بسا ن یک معضله عمده صحتی ثابت و یا برجا باقیمانده است. گرچه با تطبیق واکسین (بی سی جی)



در تمامی کشورهای جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایت صحت طفل و مادر گردیده است.

صحت طفل و مادر بدون معا فیت نامکمل میباشد، نقش سالزمان صحتی جهان در تطبیق موافقانه پروگرام معا فیت کتلی در سطح جهانی، منطقوی و کشوری بسان یک کتلیست میباشد. سالزمان مزبور جوانی بگوی نیازها و خواستهای خاص کشورهای عضو که موجب تطبیق پیروزمندانه پروگرام معا فیت کتلی بوسیله جهانی میگردد میباشد.

این برنامه نه تنها برای ایجاد یک اداره سال جهت تطبیق موافقانه پروگرام ضروری بوده بلکه نمایندگان بین المللی و کشورهای که در جهت تطبیق کتلی بوسیله جهانی از قبول هیچگونه مساعی و مساعدت های قوای بشری، فنی و اقتصادی دریغ ننموده و نمینمایند باید نافع و سودمند مینماید. باید گفت که جهت تطبیق هر چه موافقانه تر پروگرام معا فیت کتلی

تأمین نمایند. که جهت نیل به هدف والا و انسانی فقط به تدارک خدمات ساده و ارزانی بهای برای همه ضروری پنداشته شده و به مصارف کم شکن اقتصاد و برای طرح و ساختن کمپلکس های عصری تکنولوژی طبی کوچتری نیاز احساس نمیشود و میتواند با پرسوئل رسیده تعهد ملی برای تطبیق سرتاسری پروگرام به این مامول دسترس سی حاصل کرد.

میتوان خود و اطفال خود را در مقابل مرض سل و قایه نمود مگر از باعث اینکه مرض برای مدت زمان طولانی از نظر پوشیده میماند اغلبا واکسین (بی سی جی) برخلاف واکسینهای دیگر که خیلی ها زود اثر میکنند بعد از گذشت چند سال تولید معا فیت میکنند. واقعات بیماری و وفیات حاصله از دیفتری بمقاوم بیماریهای که از آنها فوقاند کار

مبارزه خلق فلسطین...

داده شود در مورد من فیصله صا در نمود و برایم قرائت گردید مرا بن دندان شکنو انتقال و مدت هفت سال را در زندان مذکور سپری نمودم. شرایط زندگی در داخل زندان خیلی طاقت فرسا و پیش آمد زندانیان نا غیر قابل تحمل بود. مقامات مسئول زندان از همه زندانیان تقاضا داشتند تا در ورکشاپ زندان کار نموده و سهم از زنده را در تولید بازی کنند کسانیکه از این امر سرکشی می نمودند جدا مجازات میگردد. در یکی از روزها عمر شایا بی که یک زندانی بود از رفتن به ورکشاپ سرباز زد پولیس زندان باست و کوب مزید او را مجبور ساخت تا در ورکشاپ کار کند و قتی او به ورکشاپ رفت یک سالان مهم برق را شکستند که پولیس زندان او را نزد جستر فیله مدیر زندان برد و مدتی مذکور او را بحدی شکنجه داد که بیسوس گردید و بعد از چند روز جان سپرد، مقامات ذیصلاح زندان بعوض اینکه قاتلین عمر شایا را مجازات نمایند و از آنها باز پرس قاتل نوئی کند آنها را مورد مکافات قرار داد. اینست بر خور د ضد انسانی و خلاف کرامت بشری صهیونیزم که از پشتیبانی بیدریغ امپریالیزم امریکا که داد از حقوق بشر میزند در مقابل مردم ما نیکه از خانه و وطن بزور را نده شده و بخاطر احقاق حقوق خود مبارزه عادلانه را برانداخته اند.

اعتصاب غذائی -

در ۱۱ دسمبر ۱۹۷۶ ما دست به اعتصاب غذائی زدیم. خواسته های ما این بود که تمام زندانی های مرئی و زخمی که منتهی شام آنها بودم آزاد گردیده و زندانیان در پیش آمد خشن خود تجدید نظر نموده و نیز قاتلین عمر شایا محاکمه شوند. مقامات مسئول زندان به منظور فریب مزید ما بعضی اصلاحات را که جنبه ظاهری فریبی داشت بوجود آورد.

ولی چون ما از اعمال خائنه

دروازه بزرگ زندان ما را ز نشد که در نتیجه آن مبارز پنیکه بدیگر زندان منتقل گردیده بودند نیز دست به اعتصاب زدند.

که این اعتصاب تا ۲۴ جنوری ۱۹۷۷ نظر به امر کمیته ذیصلاح که از طرف زندانیان تعیین شده بود ادامه پیدا کرد. چون مدیر زندان بخواسته های ما عمل نکرد با رد یگر در ۲۴ فبروری اعلان اعتصاب کردیم که اضافه از بیست روز دوا کرد تا اینکه به بعضی از تقاضا های ما پاسخ مثبت داده شد. در داخل زندان تعامل چنین بود که معمولاً خبر نگاران خارجی و صهیونیستی بملاقات زندانیان میامدند که مدیر زندان یک زندانی را میخواست تا به سوال خبر نگاران مطابق منافع صهیونیزم و امپریالیزم جواب بگوید. اگر زندانی خلاف گفته مدیر یا معاون زندان در حضور خبرنگار چیزی میگفت که مغایر با پالیسی صهیونیزم می بود بعد از اینکه خبر نگاران صحنه زندان را ترک میکردند مدیر زندان زندانی را خواسته و شدیدا او را توبیخ و کوب می نمود.

من در زندان بیر شیب بودم که خبر آزادی خود را شنیدم طوری که در یکی از روزها پولیس به اطاق ما آمده مرا و سه زندانی دیگر را صدا زد تا به اطاق دیگر رفته و کالاهای خود را تبدیل کنیم. بعد از آن در حالیکه دست و پای ما بسته بود ما را در یک موتور نظامی انداختند و موثر بحرکت افتاده و در دهن

این رسم تست...

با پیکری استخوانی و جوی های گلگون که از میج های تو جاریست... (۱) ، از خسرو گلسترخی، کتابی به اسم (سیاست شعر، سیاست هنر) اخیراً تجدید چاپ شده و عطفه گر گین همسر پیکارجوی هنرمندش پاره یی از شعرهای چاپ نشده همسر قهرمان نشر را نیز انتشار داده است، با نقل شعر کاملی از گلسترخی، یاد او را گرامی میداریم:

(۱) ولادیمیر مایاکوفسکی شاعر انقلابی شوروی (۱۸۹۳-۱۹۳۰)

بدین سو
سر ریز می کنند
نان و گرسنگی
به تساوی، تقسیم می شود
ای سزوا یستاده!
این مرگ تست که
در تو ترانه های خنجر و خون سازد
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرود فتح
این گونه چشم های تو روشن
هرگز نبود است!!
با خون تو
میدان تو پخانه
در خشم خلق
بیدار می شود.
مردم، از آن سوی تو پخانه،

بدین سو
سر ریز می کنند
نان و گرسنگی
به تساوی، تقسیم می شود
ای سزوا یستاده!
این مرگ تست که
در تو ترانه های خنجر و خون سازد
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرود فتح
این گونه چشم های تو روشن
هرگز نبود است!!
با خون تو
میدان تو پخانه
در خشم خلق
بیدار می شود.
مردم، از آن سوی تو پخانه،

زنان در اتحاد شوروی

لیزم نیز بر مبنای درستی صورت خواهد پذیرفت.)) حزب کمونیست و دولت شوروی به حل و فصل مشکلات و پراپلم ها و مسایل زنان در کلیه امور ساختن یک جامعه سوسیالیستی، توجه عمیق و خاصی مبذول داشته و بر مبنای دگرگونی کلی قیافه اجتماع را به حل مشکلات و پراپلم های زنان را پیدا نموده و کارهای خلاق و موثر و مساوی آفرین را در جهت رفع نیازمندی ها و خوشبختی زنان انجام داده است. هر قانونی و مقرره ای اتحاد شوروی که طی سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۴ و ۱۹۳۶ بار تباطر حله ای معین ساختن جامعه سوسیالیستی بمان آمده بودند اثر موثری در بهبود زندگی زنان داشته است.

قوانین که در سال ۱۹۲۷ در اتحاد شوروی به تصویب رسید موافقت ها و پیروزی های سوسیالیزم را، قانونا در مورد برای مساوات کلیه زنان با مردان در حیات اجتماعی، سیاسی، فامیلی و کار تضمین میدارد. آنچه که امروز از همه چشمگیرتر است عبارت از کمک های مادیست که به زنان بخصوص مادران صورت میگیرد. برخورداری از فرصت های مساعد و امتیازات در جمله تضمین های مساوات و برای زنان در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت گردیده یکی هم برابری استفاده در کار استخدا م است. شرکت زنان در کارهای مفید و مولد اجتماعی منجر به آن میشود که از یکطرف زنان از نگاه اقتصادی مستقل و آزاد شوند و از جانی اساسی حقیقی و واقعی، برابری زنان با مردان محکمتر گردد. در اتحاد شوروی، حق و حقوق هر تبعه ای آن سرزمین، بشمول مرد و زن توسط ملکیت عامه و وسایل تولید و تشکیلات سوسیالیستی طرح و تضمین گردیده است. در اتحاد شوروی

اتحاد شوروی تطبیق حقوق زنان کارگر از طرف هیات مخصوص - ص و با صلاحیت نظارت و کنترل میگردد. یعنی بوسیله نمایندگان مردم اتحاد شوروی شعبات حقوق و اتحادیه های تجاری و همچنین کمیسیون های عامل کار زنان و بهبود شرایط زندگی اطفال و مادران که زیر نظر شورای عالی اتحاد شوروی فعالیت میکند. موظف است تا تطبیق حقوق زنان را در جلسه شورای عالی اتحادیه جمهوری خود مختار دوا پر و موسسات اتحاد شوروی تعقیب نماید و بهبود شرایط زندگی زنان کارگر را همیشه مد نظر

اولی جواب داد: عجب آدم احمقی هستی، درست است که افریقا بی ندارد زیرا همه آنرا من کشتم. از شنیدن این کلمات بی سر و پا نزدیک بود که دیوانه شوم. اما از همه بدتر که در یوریل ما سر کرده لافوکا بود. او ریل را چنان به تنیدی می دواند که سه برابر سرعت طیاره جت. از سرعت زیاد هر چه او را منع کردیم اما قبول نکرد. تا اینکه وای وای ... تا اینکه ریل خنده از قطار خارج و شدیدا با یک کراچی تکر کرد ازین تصادم سرم بشدت به کله نفر پهلویم خورد و درد شدیدی را در سرم احساس کردم. اما خوشبختانه که در همین هنگام حساس بود که از خواب بیدار شدم. ولی بعد از بیداری متوجه گردیدم که هیچ کاری نشده و فقط سرم به دیوار خانه خورده است. پایان

اشتراک در اولین...

اولین بر جای نشیست و من ازین چوکی برخاستم و پشت چوکی لافوکاها نشستم. آن جادو لافوک چنان مصروف گفتگو بودند که در دهن هر کدام شان هشتاد مگس داخل شده بود و آنها خبر نداشتند. اولی می گفت: من در تمام جهان سفر کرده ام و کویچه کویچه ای هر مملکت را بلد هستم. دومی گفت: به فرا نسه هم سفر کرده ای؟ اولی با غرور خاصی جواب داد: در فرا نسه آنقدر آشنا هستم که حتی نام تمام نفوس آنرا با نمره خانه های شان یاد دارم. دومی باز پرسید: خیر جغرافیه را خوب بلد هستی؟ اولی سرش را خاراند و پاسخ داد: ها - هشت ماه در جغرافیه هم زندگی کرده ام. من تعجب نمودم که این جغرافیه کدام مملکت یا شهر است که این

بقیه صفحه ۴۳

خاتون کله وژرید؟

۱۳۵ مخ پاتی

دوی یو ه درنده او له عزت نه ډکه سو له او او روغه جوړه غواړی ، داسی روغه چی د هغوی لپاره همیشنی او دهغوی په گټه وی ... یوه عا دلا نه سو له که پرون مو ښ داسی سو له کوله چی ددوه تر بر و نو د اختلاف اوازی پی را نه ، نن دیو ه وطن ، د یوه ولس لپاره سو له غواړو ... دعزت سو له او همیشنی سو له داسی سو له چی نور پی خو ک ما ته نکړی شی ...

انقلاب داسی سو له را وستل غواړی چی ملک یی تر سیوری لاندی آرام او ودان شی ، خو ک دچاپر حق خپه وانه چوی او خو ک دبل چا تر پښو لاندی کول خپل پلار نی حق و نه گټی ... داسی سو له چی زمو ښ د زیارا یستونکو دعزت شمله پکی لو په او او چته شی او س و پوهید ی چی و لی دولس نه غواړی ستا او د (صیب) په شان کسانو پیشنهاده سو له ومنی ... ځکه چی دزیار ایستونکو سروونه بیاد هغوی مز دوری او غلامی ته پټوی ... او داسم هغه کار دی چی انقلاب خلکو ته حق ورکړی چی مخالفت ورسره وکړی او پرته له ویری او ډاره مخالفت ورسره وکړی ...

دلال ټپن په رها کی د بزگرانو هیښی او حیرانی خیری دسورکی خبرو ته بر یښید لی ځکه داوخت سور کی داسی خبری کولی چی دټولو بزگرانو په زړو نو او عقلو نو کی وی خو بیا نولسی پی نشوی ...

خو شیبی چو پیتا را غله ، خو زرغون شاه آدم خان ته وکتل او دواړه یا خیدل ... ټولو په تعجب سره هغوی ته وکتل ، خو باز گل ناری کړی :

— هلكو تاسو چیر ی پا خیدی ... جرگه خوند ه ختمه شوی ! زرغون شاه او آدم خان په پښوو دریدل او چی غو ښتل یی روان شی نو سور کی ورو خپل ځنگ ته ناست خلمی خواته اشاره وکړه او بیا پی وویل : — ورو نو زرغون شاه او آدم خان هیڅ چیری تللی نه شی ... هغوی به د ښو و نخی د سوزو لو په پینه کی ولس او ناستی جرگی ته صفا پی پیش کوی ...

یو ځل بیا د بزگرانو په منځ کی گټه گو په شوه ، او له بلسی خوا آدم خان او زرغون شاه یو بل ته په تشویش سره وکتل خو په همدی کی دروازه خلاصه شوه او د انقلاب دفاع د کمپنی ددو تنو ملگرو په منځ کی یو تن ښ یورو سړی چی کا ډه بریت او سړی سړی سترگی پی وی او دنگه جگه ونه پی درلوده ، حجری ته را ننه ایستل شو ...

بدی کی بیا هم زرغون شاه او آدم خان یو بل ته په ویره ویره سره وکتل او زرغون شاه خپله شو نډه تر غاښ لاندی و— چیچله .

او ټولو بزگرانو په یو ه آواز او د تعجب له زوره وویل :

— څه شی ؟ د ((صیب)) ناظر توری ؟ !! د ښادی سترگی په یوه معین پکی بانندی نښتی وی اوله هغه پکی څخه نه جلا کیدی . دهغه د تند ی گو نخی د سمندر د تورو او توفانی خپو په خیر یو په بل باندی را تللی او یو په بل کی غو ټه کید لی ...

په غوږ و نو کی یی یو شور بکت او کړنگا وه ... او دا غږ یسی پر له پسې په غوږ کی په مشخص ډول کړنگیده :

— چی وایه جو اړدی څه کړل؟ — ځواب پرته له ځگرو یو څخه بل څخه نه و ... بیا هم دلښتو او لرگیو شر قو نه و چی او ریدل کیدل ...

هغه لیدل چی بازک ځنکه برکت بانندی تړل شوی او د لښتو او لرگیو باران پی او ری ... د ښادی سترگو ته دسرووینو یو ځا دروغو پید ... هغه وینسی چی د بازک له لوی څی شا او ډډو څخه بهید لی او د پو ښتیو په امتداد کی یی د کټ منجو نه رنگینول او سره کول ...

خو بازک ځنکر ویده او نور غږونه تری خوت ! یوه شیبه چو پیتا ځنکه چی د بازک شکنجه کوو نکي ستر ی شوی و خو یو ه زرغور او ډډ آواز په سد کړ :

— هلكه توریه ، خدای دی خوار کړه لکه چی ستر ی شوی ... وهه دادناو لی او سپیره زوی ... چی پوه شی غلا ځنکه ده ؟

هو ، دا توری و ... داد (صیب) ناظر توری و چی د ښادی بزگر زوی یی د دوه منو جوارود غلا په تور لښتو ته تړلی و او د (صیب) په امر یی شکنجه کا وه ...

دا تیر کلو نه او له انقلاب نه مخکی کلو نه او هغه وختو نه و چی ښادی د (صیب) بزگرو . هغه او زوی یی بازک د (صیب) په ځمکه کار کاوه او مزدوری یی گا لله .

ښادی لیدل چی زوی یی شکنجه کیری خو هیڅ یی نه ویل او نه یی شول و یلی ... آخر د (صیب) دا ارادی او امر په مقابل کی چا د مقاومت توان درلود ، چا کولی شول چی د هغه مخی ته ودرزی ، هغه خپلی می می او ښکی دخپل لنگو ټی د شملی

په پیکله بانندی پا کولی او زغم پی کاوه ... ښادی ته هغه شپه ور پید شوه چی د یو ی تتی رها ته پی د زوی سترگی د تل لپاره پټی شوی او سایبی و ختله ... هو ، له بازک نه دو مره وینه تللی وه چی نور پی نه شو کولی خپل ژوند ته دوام ورکړی ... بازک مې شوی و ... خو دا چاوړلی و ؟ یو ځل د ښادی په اندامو نو کی ریز د پیدا پیدا شوه . د توفانی څپو په خیر و خو ځید له ځایه ولاړ شو او چا کو پی راوکیښ او د توری خوا ته پی و دا نکل ... خو په هوا کی پی چا له لاسه چا کو واخیست او په ځای یی کښینا وه . دا سور کی و چی د ښادی حال ته پی سرله اوله توجه وه چی ځنکه د خپل زوی قاتل ، توری ته پی سرله اوله توجه وه چی په لټه کی شوی و . ښادی چیغه کړه :

— پری می ږدی چی زه لدغه قاتل څخه د خپل زوی کسات واخلم ... خو سور کی وویل :

— ښا دپه په ځای دی کښینه ... که مو ښ هر یو پر خپل قبر او غوسی بانندی قابو نه شو او که مو ښ هر یو په ځانگړی توگه د غچ اخیستو په لټه کی شو ددی وطن دد ښمنانو څخه به د خپل کړول شوی و لس غچ څنکه واخلو ... موغواړو ډله ییز غچ واخلو ... مو ښ غواړو چی له زور او ستم له لومو او تالان او تالا نگر و څخه ډله ییز غچ واخلو ... انقلاب به د زرگو نو ما — شو ما نو ، تور سرو او سپین سرو او بی دفاع خلکو غچ له ټولو لو ټمار و څخه واخلي اودا به ډیر عا دلا نه کسات وی ...

چرا خواستم نویسنده شوم؟

انسان بنا بر خاصیت ذاتی که دارد در برابر تماس هایی که بسا محیط و دیگران می گیرد به گونه یی بر داشت های خورد و بزرگ می نماید ، گاه متوجه می شود که این تماس ها بروی چه اثر نموده و گاهی هم ممکن متوجه نگردد .

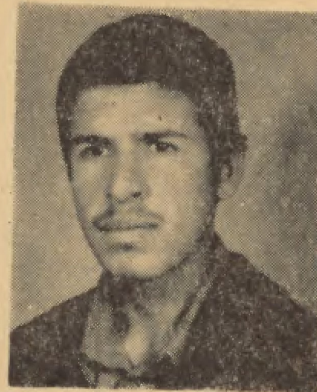
چیزی که من فکر میکنم این است که انسان چون یک موجود اجتماع گسترده گاهی دلش می خواهد بر داشت های خود را ، نوعی انتقال دهد یا تجربه هایش را برای دیگران اظهار دارد ، به ویژه گاهی که فوق العادگی شخصی در عمل اشکار باشد .

من هم گذشته از این که جوانی هستم و باید سوییۀ علمی و ادبیم بلند و بلند تر باشد ، ضمن برخورد ها و بر داشت های خود از اجتماع آرزوی نقل و بازگفتن این برداشت ها را برای دیگران دارم .

گاهی که بخشی از مردم را که میدیدم چنین می پنداشتم که آنها از من هم خواب برده تر اند بنا بر این ، خود را مجبور احساس میکردم که چیزی بگویم یا نویسم .

اگر کمی اظهار خود ستایی کنم ، نوشته خواهم کرد که من حتی در دوران کودکی نیز دارای علاقه فراوان نسبت به نویسندگی و شاعری بودم و استعداد کم و بیش هم درین قسمت حس می کردم که ممکن این دو دست به دست هم داده مرا وادار به رفتن درین راه نموده ، یا ممکن است که تشویق دوستان و اعضای خانواده و یا چیزی دیگری درین باره پائیش کرده مرا همتا گردیند .

من فکر می کنم که از راه نویسندگی در راه روشن کردن افکار و آذهان گروهی از مردم که متأسفانه آگاهی چندانی در بخشهای مهم زندگی ندارند ، میتوان سهم موثر و بارزی داشت . امیدوارم گامی که برداشته ام ادامه بیابد و من به آرزوی خود برسم .



احمد فهیم

بقیه صفحه ۳۹

یفجینیا سیمو نو...

پدر سیمو نووا یک پرو فیسر و دکتور ساینس و استاد انستیتوت فعالیت های علمی عصبی می باشد . والدین وی می گویند که سیمو نووا آواز خوانی را قبل از آنکه سخن گفتن شروع نماید آغاز کرد ، وی به آموزش بیان و علاقه زیاد داشت و بدین ترتیب علاقه زیاد وی به هنر آواز خوانی و سینما باعث این شد که در جوانی وی به حیث یک ستاره زیبا و با استعداد رشد و تبارز نماید .

در ظاهر این زندگی جذاب و آسان نظر می رسد مگر واقعیت چنین نیست . ز مانیکه وی شانزده سال اول بود از او خواسته شد تا در فیلم تنها مردان پیر به محاربه میروند ، ظاهر گردد و درین فیلم وی رول یک دختر سال های طاق فرسای جنگ جهانی دوم را بازی می کرد . بعد از آن وی در فیلم عصری و جذاب « پرواز به تعویق افتیده » رول مهمی را بازی نموده بود .

درین هنگام وی مجبور بود از یک طرف به دروس خود اشتراک نماید و از جانب دیگر هر شب به یک میدان هوایی مسکو جا نیکه شوتینگ فیلم صورت می گرفت و بعد از شب مدرسه وی را تا میدان همراهی میکرد . بعد از ختم شوتینگ وی مدت دو ساعت استراحت میکرد و بعد از آن دو باره به مکتب بالای دروس خویش حاضر می گردید .

این توانایی و پشت کار وی بعد ها توسط دایرکتر (جوجی دا نیلیا) تو صیف گردید . این دایرکتر می گوید که سیمو نووا دارای استعداد عالی بوده و آنچه رویش باشد به بسیار خوبی می تواند آنرا اجرا نماید . در حالیکه برخی از اکتور ها نمی توانند هر نوع رول را با آزادی ، راحتی و د رستی بازی نمایند .

بقیه صفحه ۵

پیوستن به

صفوف...

علاقه و دلگرمی به صفوف قوای مسلح رجوع نموده در کمیسی های نظامی و دیگر مراکز مربوط جهت ادای عالیترین و جیبه ملی و قانونی شان یعنی سپری نمودن خدمت مقدس عسکری ثبت نام می نمایند و این علاقه و دلگرمی ایشان در پیوستن به صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در حقیقت شور و شوق آن ها را برتر قی و تعالی وطن و جامعه شان بازگو می کند و در مقابل زوال و نابودی دشمنان انقلاب و وطن و مردم ما را نزدیک تر و حتمی تر می سازد .

پیروزی از آن مردم زحمتکش ما است و شکست و رسوایی از آن دشمنان و نگارنگست مردم افغانستان .

نقش نو جوانان در جامعه

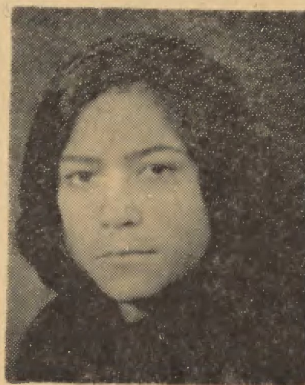
وقتی که انسان در جامعه زندگی میکند ، در قبال خدمت به جامعه و مردم خود مسئولیت های دیگری نیز دارد و باید این مسئولیت های خود را بشناسند ، و برای کسب پیروزی از راه خدمت به جامعه سعی و تلاش کنند .

نو جوانان که یک قشر جامعه خود را تشکیل میدهند باید وظیفه فعلی خود را در مقابل جامعه و مسایل زندگی بشناسند . وظیفه درجه یک آن ها به خصوص در این موقع حساس تاریخی کشور فرا گرفتن علم و دانش میباشد .

نو جوانان سعی ورزند تا در این وقت هر چه بیشتر بیاموزند ، زیرا فردای جامعه و وطن از آنها کار و آبادی میخواهد .

برای نو جوانان لازم است تا همواره مطالعه نموده راه خود را با مشعل علم و دانش روشن بسازند ، تاریخ کشور خود را به صورت درست آموخته از شرایط عینی جامعه خود معلومات داشته باشند .

هر نو جوان باید آگاه باشد که فردای جامعه به وی تعلق دارد ، بنا بر این ، شایسته است که نو جوانان وقت گرانبهای خود را بیهوده صرف ننموده هر چه بیشتر باید بیاموزند تا در آینده هر چه نیکو تر نسل فردا های کشور را بیاموزند و افتخارات بزرگی را در تاریخ کشور خود کمایی کنند .



شکریه نورکش متعلم صنف نهم

آنرا به پیروزی رسانیدند و درفش مبارزه افتخار آمیز و قهرمانانه خود را همچنان بر افراشته نگهداشتند رسالت نو جوانان نیز این است که از انقلاب خود دفاع نموده این درفش آزادی را جاودانه بر افراشته نگهدارند . و افتخاراتی را که به خون هزاران مبارز قهرمان راه نجات انسان زحمتکش کشور به دست آمده حفظ نمایند .

دشواری‌های همگانی...

مدیر پروگرام‌ها ملی بس :

هما نظر یکه شما اشاره کردید ودر جایی از سخن خود گفتید مشکل اساسی که دیگر دشواری‌ها هم از آن‌ها میگیرند، مشکل کمبود بس با توجه به تراکم روزافزون جمعیت در شهر است معاون شاری چند لحظه پیش یاد آور شدند که جمعیت اصلی کابل در حدود نیم میلیون نفر است اما اکنون بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر در این شهر زندگی دارند، طبیعی است که ملی بس به تعدادی سرویس در اختیار دارد که به مشکل بنوان با آن به نیازمندی همین نیم میلیون جمعیت ثابت جواب گفت واز دیاد بیش از هفتصد هزار نفر در جمعیت شهری ایجاد میکند که توزیع خدمات شهری و در این شمار خدمات ترا نسپورتی نیز تا یکصد و پنجاه فیصد افزایش یا بد که کاری است بسیار مشکل، ملی بس جمعا در حدود هشتصد عراده سرویس در اختیار دارد که اگر همه ی آن فعال باشد میتواند خدمات خود را برای پنجصد هزار نفر به خوبی فراهم آورد اما از این تعداد همین اکنون متاسفانه اندکی کمتر از چهار صد عراده به دلائل فنی از فعالیت بازداشته شده است که به این حساب ما عملا توانایی توزیع خدمات ترا نسپورتی را برای دو صد و پنجاه تا سیصد هزار نفر را میباشیم اما تعداد استفاده کنندگان درست چهار برابر این تعداد است.

انتقاد شما در مورد استفاده از رانندگان درجه سوم و چهارم کاملاً وارد نیست - ما به کمبود در یو رگر فتریم و در صورتی که برای ما امکان پذیر باشد حتی همی رانندگان خود را درجه یک استخدام می کنیم اما مشکل کمی را فند را چرا با ما طرح میکنید، استخدام در یو رهای درجه دوم و سوم کاملاً به اجبار و از ناچار است در مورد رویه ی خشن برخی از رانندگان نیز اغلب ما در این زمینه به آنها توصیه می کنیم ودر صورت رسیدن شکایت حتی جریمه شان نیز می کنیم و لسی تصدیق می کنید که برای ما هم میسر نیست که برای مرا قبت ازهر راننده یکنفر ما مور را نیز مو ظف بداریم . علت آنکه تکت هم از غرقه ها فروش میگرد و هم در داخل مو تر این است که تعدادی فراوان از راکبین محترم حاضر یه خرید تکت نیستند و چاره یی نمیتواند جز اینکه اینکار در داخل مو تر عملی گردد و برای تعدادی که بدون تکت سوار مو تر شده اند تکت فروخته شود بیرو بار و بی نظمی پروگرام هم از آنجائاتی میگرد که از سو یی تعداد سرویس ها کم است و از سو یی دیگر پائین و بالا شدن راکبین در ایستگاه ها مدت بیشتر از وقت پیش بینی شده را در بر میگیرد و گرنه برنامه حرکت هر سرویس به دقیقه و ثانیه تعیین شده است .

مورد دیگر انتقاد شما مربوط به این است که با بد تقسیم سرویس ها در خطوط شهری بر اساس احصائیه های تخمینی جمعیت در هر محل باشد سخنی کاملاً به جا است ولی امکان آن برای ما میسر نیست ما سرویس ها را نظر به ضرورت های که در هر خط مشاهده شود کم و زیاد می کنیم و اینکه گفتید ملی بس به شکایات مردم توجه ندارد من برعکس آنرا ادعا میکنم ملی بس تا جایی که شرایط فنی و پولی اش اجازه میدهد خواهان خدمت گذاری به مردم است و در همه حال میکوشد به شکایات، نظرات و انتقادات رسیدگی گردد، اما تا مین همی نظرات واز جمله تهیه تعداد کافی بس که جوابگوی نیازمندی مادر این زمینه باشد در فرصتی اندک و چند ماه میسر نمیشد و در این زمینه باید مطالعه گردد، شرایط خریداری سرویس های تازه، تعیین شود، برای آن پول تهیه گردد و کمک کشور های دوست جلب شود .

ملی بس همین اکنون از یکسو دست اندر کار تولید پرزه های مورد ضرورت برای بس های است که به دلائل تخنیکی متوقف

اند تادو با ره فعال ساخته شوند واز سو یی دیگر طرح خرید تقریباً یکهزار عراده بس تازه را از کشور های دوست اروپای شرقی به مطالعه دارد که با طی مرا حسل قانونی آن اقدام به خریداری میشود و بدون شک با همین دو اقدام یعنی فعال ساختن بیش از سیصد عراده سرویس غیر فعال یک عراده سرویس جای برای و خریداری یک هزار عراده سرویس آنها نیست منتظر بس بعد ی شوند تا زه همه ی مشکلات و از این ما فند مسایل دیگر .

نوشته : رحمت ((سیاح حمیدی))

چرا امن میهنم را دوست دارم؟

چه دشوار است اگر دستها را توان و تاب این نباشد که آنچرا در ضمیر و در قطر قطره خون و اعماق احساس و اندیشه ام، بخاطر و برای وطن دارم، بر صفحه کاغذ نقش کند. میدانم که با چند کلمه، و لور سارترین و پر بارترین واژه های جهان هم با شند، نمیتوان آنچرا نسبت به میهن در نهاد خویشتن داریم بازگو کرد و انتقال داد .

ولی دشواری کار دلیلی ناتوانی نمیتواند باشد . پس تلاش میکنم : وطن را دوست دارم زیرا پدرها و مادرهایم در آن زیسته اند و پس از مرگ در خاک و آب و بادش جذب شده و فرزندان منم در باغهای اساطیری آینده اش زندگیشانرا تجربه خواهند کرد، زندگی سبزتر از هرچه سبز و گوارا تر از هرچه باران را . وطن را دوست دارم که در بیشه های تاریخش شیردلی های مردان و زنان نش نهفته است و کارنامه های غرور آفرین فر هنگیا نش . میهنم را دوست دارم که در کوه های آسمان سایش عقاب های سرکش و بلند پرواز به جای هوا با آزادی زندگیا کرده اند و زندگیا خواهند کرد .

وطنم را دوست دارم که فصلهایش به شفافیت و صمیمیت شعر شاعرانش پذیرفتنی و زیباست و طبیعتش طبعیت سوا ی آنچه طبیعت دارد . وطنم را دوست دارم که در دشت ها و مزرعه ها و کارخانه ها و کوه ها را بی مثالش دوست های توانمند انسان به با آفرینی و معجزه گری تلاش دارند و هر یک از این دوست ها اسطوره ای در فردا های کشورم خواهد بود . وطنم را دوست دارم چونکه شرفیست و نامش همچو میتالی همواره در خشان در تاریخ است .

میهنم را دوست دارم که در نامش جا د وینست به شکوه درخشش خورشید در دریای بیکرانه و صمیمیت بی غشحریر نور مهتاب در نیمه شب بهاری در مزرعه یی سبز که بزرگواران و جاتو را نش تا بستان پر حاصل را خواب می بینند .

..... وطنم را میپرستم و برایش زندگیا میکنم و میمیرم چرا که ما در تن و روان من است .

و هیچ موجودی و هیچ نامی را در اوج و در عمق اندیشم احساسم برتر از او ندارم و نمی شناسم و تنها شانس برای بودن بعدی منست .

زن فریب...

خورده اعلام گردید، همه جا صحبت از دوقیمت نما پشنامه بود. کارکنان تماشاخانه همه راحت و شاد بودند، این نما پشنامه مدتها با موفقیت اجرا گردید و بی محبوب تماشاگران و منتقدین شده بود، منتقدینی که اغلب به فایز ایراد می گرفتند که قهرمانان نما پشنامه ها بیش از اندازه ساده و غیر واقعی اند، این بار قبول کردند که او در بیان عواطف بیشتر از همیشه موفق است. وقتی که بعد از دوازده بار کف زدن ممتد و خواستن هنر پیشه گان سر انجام پرده افتاد و دوستان به پشت پرده نما پش شتاب فتند، منکه به مشکل و آهسته اذر راهرو پر از بیرو باز قدم میزد، گفتگوی تماشاگرانی را که از هر طرف به من فشار وارد می آوردند، می شنیدم بسیاری از آنها قهرمانان واقعی را می شناختند:

— واقعاً عجیب بود، زنی توانست عیناً مانند اوات صحبت کند.

— بلی، و این موضوع، بخصوص بیشتر از آن جهت جالب است که این دوزن شباهت چندانی به هم ندارند.

— بر نار را چرا نمی گویی؟ حتی طرز راه رفتنش به خوبی تقلید شده بود.

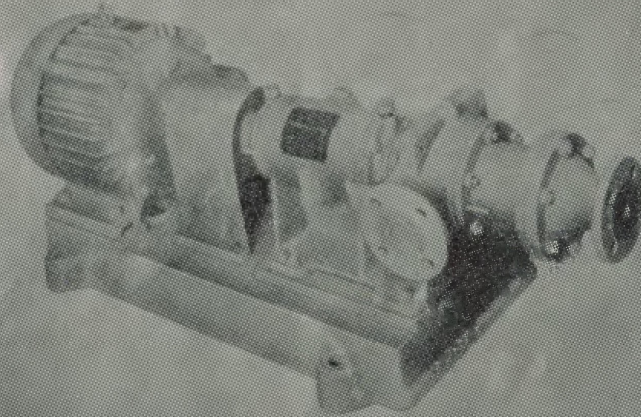
— و جی که مرا با خود میبرد به اتاق زنی فرود آورد، رو برو اوات هم آنجا بودند، یکی از دوستان بی احتیاط اوات به او گفت:

— از خلال گفتار و رفتار باز یگر میدیدمت.

اوات خنده بی شاد و صدا دقانه سر داد و گفت:

— من؟ منکه در این ما چرا نقشی ندارم!

تخماش اکسپورت تقدیم میکند



TECHMASHEXPORT * SSSR

بهترین و اتره پها به سائزهای مختلف برای منازل — باغها —
مزارع. فابریکات و مؤسسات تکنیکی با تکنیک پیشرفته سروس
کامل و مراقبت دائمی.
لطفاً فرمایشات تانرا از طریق نمایندگی تجارتی اتحاد جماهیر
شوروی در کابل بسارید.

مدیر مسؤول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکرای

آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس: انصاوی وای جوار ریاست
مطابع دولتی — کابل

تلفون مدیر مسؤول: ۲۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
تلفون ارتباطی ژوندون ۲۱
سوجبورده مطابع دولتی ۲۶۸۵۱

دولتی مطبعه

— چی؟ پس ژولیست کسی بود؟
کسانی وجود دارند که هیچ چیز از هنر نمی فهمند.

— ژولیست شباهتی به من ندارد
شوهرش گفت:
هما نظور که تو شبیه ما دام کاملیا — اوات عزیز!
نمی باشی.

سپس به طرف فایز که غرف در پیروزی در کنارش نشسته بود و به مبارک گویی ها گوش میداد، بر گشت و زمزمه کنان گفت:

— شنیدی، زنکه احمق چه گفت؟
و در حالیکه به سوی زنش خم شده بود، او را بوسید، خائیم آستینه در پا ریس نبود، به همین جهت با آنکه دودند نکت برایش فرستاده شده بود، در نما پش «زن فریب خورده» حضور نداشت.

مسجد خواجه پارسا (واقع در بلخ) یکی از بناهای
با ارزش و تاریخی کشور ماست

والمطهرین طهرین
دین لودین کانون
کتاب پر لپی شمیره

